



1794V
سج

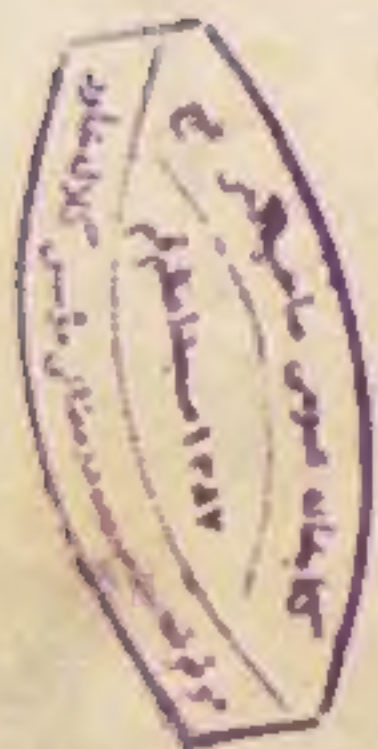
1794V



۹۹
۵۵

مُظَفَّرِي أَحْيَاءُ الْأَطْفَالِ

نام کتاب
تاریخ ثبت
شماره قفسه
شماره مسلسل
۱۸۹۵۰



در ممالک محروسه ایران
عز الحضان و مد سائر ممالک
که اذن طبع این کتاب را
نماد

احياء الاطفال مظهر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلق الانسان من سلاله من جن فرجله نطقه في قرار مكن ثم خلق
النطقه خلفه فخلق العلفه مضغه فخلق المضغه عظاما فخلق العظام لحما
انسانه خلفا اخر فبارك الله احسن الخالقين مرداه في حجر طر جوده وكرمه ارضه
من ثمك الاثم ونعمه ثم افطمه وغذاه ثم بلغه اشده وقواه فمنهم من توفي
ومنهم من برد الى ارض السعير ثم امانه فافبر ثم اذا شاء انشر الله لهم علما
ندوى داما الذنوب بدوا نوبك ومغفرتك واشفق قلوبنا المرصده من
الجهالة بنسخة انا بك دخل نفوسنا الملبلة بمنفى الجوف الخشبة عن خلاط
الشهوان الضبان ونق رؤسنا الثقبلة بغير الفهم والسكنة عن بخار
الفرور والكبر والظن ان وصل اللهم على طيب نفوسنا وحبب قلوبنا و
الذي قوى قلوبنا الضعيفة بدوام ملك خلافة الكاملة وفتح امتدنا
الضعفة بمفرج شفاعته الشاملة وعلى له واصحابه الذين طيب بطيب
اخلافهم الا فاد وعطر بمطرافناهم الاضغان سيما ابن عمه وعبيد علمه الذي
شفي كل غليل طبه الاكبر وسقى كل غليل من حوض الكوثر
سليس بره انتم ندان بغيره ناذان خبره پوشيد نيت كه بيشتر اطفال ما
از حين تولد تا بعد از زمان فطام عليل نالغ ميشوند از بعض اشخاص از

دنياچه

عده اول نشان سوال شد نمک و پند از ماد و از دنا چهارده اولاد منولد شد
و حال از آنها دوسه با چهار نفر که بعضشان هم علیل اند مانند با هیچ نمادند
که بعضی قبل از وقت سقط شد یا در حین وضع حمل یا بعد از آن در انا یا در صفا
و فطام نالغ شد اند و سبب بن خسران بی اطلاع می داد ما است که طریقه حفظ
صحت و مرضه و پرشاد و اندازند و در زمان حمل حفظ صحت نمکند تا با علی
قابل ما است که در وقت وضع حمل طفل را چنانچه شایسته است نمیتوانند بکنند
دشمنه جوده او بلکه مادر در غرض منقطع میباشد تا ما فصول و مرضه است که طریقه
ارضاع و انداز و از وضع و حفظ صحت و تربیت اطفال را مطلقا نمیدانند
کسانی که از وضع بمالك منقطع اطلاع دارند میدانند که عده نفوسشان در
بروز در ترا بدست ساحه ملکشان از کثرت بعضی نیت ميشود که از مسکن بالو
خود بجای بکمر بکنند و حال آنکه بجهت شریعتشان مرد و بجز یک زن مجوز است
و در ملک حنفی سلام که حضرت عقل کل می فرماید سبیل صلی الله علیه و آله بر آنست
نفوس امت مرخومه يك مرد و از وجان متعدد و مباح و مستغفوره تا اکو او
تاسلوا فاتی باهی بكم الامم فرموده اند با وجود این از عده نفوس ما سال
بسال مهکامه و آخرین سفر فرزند و شهر باریدن در یکی از اعیان زن و
شومری دارد پدر میکند شند عبطه و افوس خوردن هفت طفل که سن آنها
بهم نزدیک کو یا متعاقبا منولد شد بودند و جلوانها راه میفرستد طفل
صغیر دام در میان کور و نیت کرده میکشند و همه با هم در یک محبت
و مهرانی در حالت بازی خند میفرستد معا و میشد آنچه از آنها منولد شد
بد و زلف میمانند اند از آن بابت است که در تربیت اطفال هیچکس بلیغ
دارند و از آن یاد مهم میباشد و ندانها را فنی تربیت میکنند که با کمال است
همیشه خوشحال مانوس و خندانند و موجبات سلال و جین را از آنها دور کرده

د بیاجه

طریقه و بدخلقی را برایشان میدود و بنام دنیا پیچیده که از اطفال
انها شنیده نمیشود و نمیکند و بدخلقی ترسان شوند و بیکدیگر میکنند
که جرئت پیدا کنند و خلاف اطفالی که از مادرانی سوء تدبیر طفل را بگریه
میانند از ند چون نمیتوانند ساکت کنند و از مادران و از کت و مسک و الیو
و غایه فلا و صدای غریب و اشکال عجیب میسرسانند طفل بیچاره که در این
دایره خیال بسیار وسیع است و اینها تصور انوار الهیه میکنند و از کما
خوف و هشت ساکت کننده اما مادام العسر جنان میشود با و قی از اسکان
عاجز ماندند و بی ادب و شرم میهند و بی ساکت میشود باز گریه میکنند
شیر میهند و بی اشتیاق میهند و بی موضوع و قوی میگرد و گریه را
بیشتر میکنند بعضی مادران را که بکلی از جاذبه مرتب خارج مخصوصا
در شبها برای حاجت خواب خودشان و قی طفل گریه میکنند شربت خشک
و افروز و حبت کف میهند تا ساکت شود و اطفال از اینکه بخند و ببلان و من
میل شد مستعد امراض صغیه معده میگرد و این و دایع الحبه را که عاجز
نیز مخلوقند و بهر قسمها خراب ضایع کرده فوج فوج بادی فنا میفرستند
لهذا این برورده نعمت خادم دولت بیدار و دانی علی ابن زین العابدین
مذانی که تمام عمر خود را صرف فاقبت خدمت و طمان بلکه عموما بنام
جبر نموده اطفال را قاتل صریح و نهایی و ناایست کتب معده مانند و دره شریح
مصور و تمام دوره طب فرنگی و یکدوره کمالی و امراض عصبیه و غیره
بود کما یحفظ صحیح معالجه امراض اطفال را باید ابله که ذکر شد اقم و غایبه
آنرا اقم و بدم با وجود هموم و ضعف مزاج و پریشانی خیال و تبلیل بال
از میان صفت کتاب امراض اطفال از مضایف طبای بزرگ فرنگ که در این
سفر آخری تحصیل کرده بود و کتابی انتخاب استخراج کردم که تمام شرط حفظ

طفا
از گریه که در خانه
بود و مادر ترسان بود
مردی که میگردد
میکنند گریه اندک
میشود و قی گریه را
میدیدند و میگردد
دو دو در اطاق تنها
خواب بود و گریه داخل
الطاق میشود و قی
او بنام میهند گریه
دو بالین خنک نشسته
و طفل مرده است
علی

مظفر الدین شافعی

صحت و دو طفل در هنگام حمل و وضع حمل و حفظ صحت طفل و زایه را
تبدیل از وضع حمل از دادن شیر و غذا و تربیه ای جنبه ای و نقایص از صحت
نولدها زمان نظام و تعبیه غذیه و ادویه مناسبه علاج ناخوشیها که از وقت تولد
و بعد از آن تا سن هفتگی عارض میشود و کیفیت تربیه تعلیم آنها و دادن ندرج با
بفضل الله تعالی حسن توفیق به بیجا خوش و عبادتی تا نوس که برای دادن
و ذابکان و زنان هر خانواده دستور و برای اطباء مدکار و از این دلیل البضاعه
با دکار باشد و الهی نمودم و برای پیشکش قدوم اعلم حضرت حجه پنهان و گاشا فاشا
جمان بنام انجم سنی که در وقت تولد از جلوس خورد و غی زده بخشد جو فرو
جمع فزانی مظهر هر ذکی میهند و این عدل و انصاف و پنهان کردن جور و اعتنا
منع شجاعه که مدار سخاوت پادشاهی که جمان با پادار و از اسواری عجم
با پادار شد و غافل از غیبت از محکم پنهان دولت را پنهان کرد و مظفری که
ظفر از کمر پنهان غایب و مصور که نصرت از ملازمان حضرت او است ملک
الملوک القاهر و سلطان السلاطین الحیا بره الملک العادل و السلطان الما بادل
و الخاقان القاهر و البطر الشهد و الظفر و الناب و السلطان ابن السلطان
و الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان السلطان خلد الله تعالی ملکه و سلطانه و
ادام الله علی العالمین فیض و احسانا و امونوا **حبا الاطفال مظفر**
گریه و معده و دو معاله و خاتمه مرتب نمودم و اینک توفیق حضرت واجب
الغنا با شریع بمقدسه نموده از خداوند علی اعلی توفیق اتمه کتاب و امسک بنام

مقدمه

در حفظ جنین و در تمام حمل و بعد از وضع حمل از در چهار فصل اول میشود
فصل اول در مطالبی که دانستن آنها برای بوی لازم است -
مهر که بخوام طفل را از صحیح المزاجی داشته باشد باید از جوان خوش خلق و فریاد

ندک بر خوامل برای جنین

که خورصافی مزاج سالمی باشند تا غذا بخورند و نمایند از ذراتی که غالباً خورصافی
جاریست بجنبش باطنی و سلاطین و بوی خاصه و اول شوی سلام طفل است که در
شدن اطفال که از بی تمام در بطن ضعیف متولد میشوند در همه عمر علیل و مریض و
و به تنبلی و کاملی زندگی می نمایند

و با بام حل نماید کمال مواظبت نمود که مادر در بطن نشود چنانکه طفل که در شکم
در حقیقت عموماً از او است و نه که در بطن است و عموماً طفل متولد شده در بطن
بالجمله سلاطین و موقوف بر سلاطین است پس باید در حفظ صحت او کوشید
بندای مفید و بر خوامل لازمست که جمیع شرایط حفظ صحت و به حال اجتناب از
خود را بپوشی که مشرب حار و تر با سر و قور و خواص و غده منظم و مرغانه نماید

زن حامله نباید زندگانی مثل خود شود و شکم دارد که بی غریزیست چنان
طریقه و رفتار زندگی خود را که قبل از حمل داشت را وقت حمل تغییر داد و متکانه
و حفظ خود و طفل را بگذارد و خوامل در جمیع ممالک متمم بسیار و از همه نکات
مشکله و شافیه منافذ حی از روزه و بر مینمایند که در شرط و اجابت محفوظند

فصل دوم

در ندک بر خوامل برای حفظ جنین

De la conservation des enfants pendant la grossesse.

(۱) هوای متشوق خوامل - ناممکن است در مکان خلوت و زاحق هوا
مات خالص زندگی نمود و هوای طاق خود را مکرر تجدید نمایند چنانچه بپوشند
هوای غیر مجرب و بیمار و مریض و از اکثر آنها می شود چنانکه زنان ساکنین یک
از فرای رویا که در میان بذر تنگی واقع بودند و هوای یک داشتند و اولادشان
بسیار ضعیف متولد شد و بهر چندی آنها را با بامحل یا مکنه و سینه رفیع
که هوای خوب است اما متولد اولادشان قوی غذا اموالشان که شد

(۲) در کمیت و انتخاب نوع غذا بر خوامل - در تمام مدت حمل مخصوص
De la quantité et du choix des aliments.

اولاد

حفظ صحت خوامل

او اگران باید از املاء معده و پر خوری اجتناب نمایند از سوء مزاج این باشد
پیر مناسب است که در زمان غذا و بیشتر و مقدار آنرا کمتر کنند و این موجب
نکی است و بهاء و جودت مضم میشود -

ولی گمانیکه اشها دارند غذا را خوب مضم میکنند چون باید و نفر غذا برود
بعد از سابقه خودشان یعنی مثل اوقات قبل از حمل غذا بخورند بلکه دفعه طفل
در شکم بزرگ شد بشرط جودت مضم بیشتر از آن هم غذا بخورند اما از غذا
بدر و قبل از خوردن پیروی عقاید باطله عوام را که میگویند زن حامله بشود
مهر کوفه غذای بضرر مضمی و مضم کند و ضرر و باورشانند نمایند

De la grossesse.

(۳) مشربان آنها شراب مشربان الکی مخصوص مقدار و زمانشان باید
تجایج ناکو و از در بر علاوه بر ضرر که بخورندشان می نمایند که است اطفال را
مستعد عوارض خطر از قبل مستعدی امراض کثیره صعب العلاج مانند صرع و اختلا
رم و جنون و غیره نماید -

De l'exercice.

(۴) دیاضات خوامل - علی السوء دیاضات معتدله اسباب سلامتی خود و طفل
انها است مناسب و دیاضات معتدله آنها پیاده و در وقت است که برای جلب بهاء و
مضم و حفظ صحت و قوی قوی است لازمست اما از آن صفتی است که قوه حرکت
ندارد پیاده خیلی بیانی و از این راه روند و در کالک نور و قوت و روی
نیمهای صاف میوارند با مبنی حرکت معتدله مطلقاً سواد می رقص و سفر طولانی
حرکات صغیره زنان حامله اجازه داده شده است اوقات قریب بوضع حمل که باید
از دیاضات شاق و حرکات شدید اجتناب نمایند و علامت سقط ظاهر شود بلکه
دراوا و خرد و در وقت حرکت احاسر بکنند و تهر کشیدن و دندانهای و شکر نمایند
مطلقاً بی حرکت و راحت بنایند

(۵) خواب خوامل - کلیه خوابیدن حامله در وقت حمل باید با دراز و ساق بلند
De la position.

از خوردن

وہا پر دینا خول

مفید است اگر مربوط بکثرت دم باشد فصد بالعکس و فلهذا مقتضای آن است که
افزونیه بخور نماید

مسهل بر نفق و مهل خفیف عند الضرر و بیدهند از مهل قویه منع نمایند چنانچه
سوء مضی که اغلب عارض زنان حامله میشود و مگر مهل ندهند مگر است بعد از
وضع بچان و تیره و اسهال و سوء خاوی میل کردند

(۵) فی اشتهای آنها (و نادر) آنچه از غلبه علیا و اسهال و قی و یمنه نشخو
و مغویات مزه از قیل کل بود کاسا و جنطیانا و مونینرک و بیله و نذایل میشود
هم ممکن است بواسطه امتداد مجرای تغذیه عارضه کرد علاج آن منهلان برفق
ممکن است کثرت مویجی اشتهای شود بحین علاج آن فصدات

ویشی بنار معینند کامیاد و به مرقه معطره در دفع این مرض از مردم وانی
بیشتر مؤثرند

5. La salivatio. (۷) ثلثه خامل - در ابتدای حمل اغلب جریان لثانی مان مودبی غرض
میشود و از دندان در فترت شدت شجیه مانند مطبوع سبیل الطبیع مع میشود هرگاه
حالت بویژه داشته باشند که گنه بصر بر دلیست اگر از اینها رفع نشد صمغ عربی
با نبات در دهان بپزند

و در دندان جوامل - کاهی سبب از انضباب خون بکشد و انضباب
عقبی و در انضباب با دهان اگر اجناس و چمن خون باشد اخرج خون کمی مثل
ارمال چند زل و در معادی موضع و جمع کنند و اگر عیان نباشد و بهر مکنه
مثلر مورد و بظا سر و تر ناک بدیند و اگر در بویه غرض کن کنه بخور کنند

(4) بواسر ورم وریزها - ایندو مرض بواسطه فشار دادن رحم باورند.

در حفظ و علاء و انبیا

11

که از اطراف نافه از قسمت اخیر امعاء خون را بقلب میبرد تا در وضو میگردند و غالباً بواسطه پیوست شد بدفعه در وضو میشوند و در وضو در وضو بواسطه پیوست شد
ذیبا که بیکد از وضع حمل علاج نشد و در وضو در وضو بواسطه پیوست شد
که در وضو در وضو بواسطه پیوست شد و لباسهای تن پوششند که مانع از وضو شدن
نمیشوند و بواسطه پیوست مزاج را بمبلانات مهملات و حقنهای مبلنه علاج نمیشوند
بواسطه پیوست بدن بهم تراشید و استعمال شنباق و غنکاکا از بواسطه پیوست شد
در این دو مرض حمام که موضعی عمومی بسیار مفیدند

در این دو مرض تمام کام وضعی عمومی بسیار مفیدند

(۱۰) خارش حوامل - کامی را با بل حمل خارش شد بگوید الان مناسبت
 2009. *De dimanche*
 فن ظاهر شود که او را از خواب خور و فغانا زدارد استهم و غول بالیا
 و تمامهای کو کز دی و علاج آن کافی اند بجزه سال چند لو بموضعی که زبا
 میخارد بموثر کرده اند

(۱۱) تغییر مکان رحم آنها - در هنگام حمل غلبه رحم از جای خود حرکت کرده
 غالباً بیابان نزول مینماید و در شکم دوقیم و سیم بیشتر از شکم اولست بر شکم نا
 بطوریکه رحم نزول نکند محکم بسین و استعمال کمر بند در او اثر حمل دنیا مفید
 (۱۲) در سقط و طمانند و اسباب آن و تدابیر منع از آن - دقتها بشکده را و اولاً
 اول در میان فرقی میان سقط و زایل شدن قبل از موعد -

سقط عبارت از قاذف طفل است پیش از ماه ششم و وضع حمل قبل از موعد آن
 است از ماه ششم تا ماه نهم
 رومی خطر سقط - این خطا است که گفته اند سقط چند از خطری نداشت
 چه خطر آن کمتر از آشفتن بموعده است هر چه مدت حمل بیشتر باشد داشت
 سقط بیشتر است و از آخر ماه اول تا و آخر ماه چهارم از باب آنکه زوال دم
 شد بدعا عرض شد اخراج جنین صعب و بیرون آوردن جفت پر از خون میشود

ملاحظا و در تمام کتب و اخبار و از این باب که

۱۳
برای رفع موارد بکه در امعاء است بکرمه یا آب خالص حقنه نمایند پس از آن حقنه
دیگر باینصورت باید در واژه قطره بود آنم کرده کمی نکاه دارند که هواد شود
که نایاب هوای تر که با مضمه ساخته اند بدفعند هرگاه ظرف اتم زیاد باشد نایاب
سرفه و ریه روی فخذین ارسال دارند اگر باینها موقوف نشد بطبیب جوع نماید

فصل چھٹا

درد قابی وضع جل بحفظ صحت زاهو و دژان پانزده دانق

وذا قبل حفظ صحیح در حین زایشیدن - بامد اطاق بزرگ و جدید
 الهواء خلوت در شب حرارتان معتدل و روشن آن گونا شد هسبیکه در زایشیدن
 ظاهر شد هیچ غذای بخورند زیرا که تمام قوای طبیعیه و احوال متوجه هم
 و غذا مضاعف شدن استغراق میشود مگر در روز زایشیدن زمان طول کشد و ذکا
 دارد کی آب کوشاید مندرش را با آب ببرد و ملائم باشد استعمال شیر بضر
 اگر بعضی از ذکا برای از دنیا قوه انرا میدهند ولی ضرران از نفع آن بیشتر
 زیرا که موجب از دامن زود التزم میشود که بولن زرا باز و عن زبون چرب
 کوه بیافند تا از حد مانده ایشان محفوظ ماند لباس را باید مناسب با فصل باشد
 بندگمان تمام آکوده بسر خواب و از قابلیت تهیه نماید شتمی بر روی تشک بپند
 و در اطاق و بجز طبیعت و نفس را کرد او و یک نفر بر نشاند کسی نمائند و وقت
 زایشیدن باید زن قوی دل باشد و انترسانند و از آنجا که در وقت وضع حمل
 تلف شده اند گفتگو نکنند بلکه از اجری کنند و از سهولت زایشیدن مذکر شوند
 بقرط و بعضی معتقدین گفته اند که طفل بقوت و طبیعت خود از رحم خارج میشود
 از برای دامنا صحرین و معاخرین مفرد گفته ثابت کرده اند که انقباضات رحم
 او را بخارج میافکند و قوت کردن طفل را در آن مدخله نیست پس اگر پیروی این
 عقیده را کرده شکم را بفشارند که طفل از و خارج شود و از خطر دار و مادام

نظائر

دفتابیر افراضع حمل

۱۵
نباید برای اخراج چنین قوت کند تا باید منظر قابل باشد هنوز در بعضی قضا
باز اعمال را میکنند بسیار مضرت بعضی اعمال باطل اند و دیگر نیز برای مهولت
وضع حل میکنند که آنها نیز خالی از خطر نیست و قبیل بودن آنکست ثقیله عنویم
در وقت درد زانهدن که بعضی قابله فابری مهولت بمورد طفل مرکب میشوند
و استال نه و باستان قلبه و حقه نمای عمر که است که برای سرعت مهولت وضع
حل میدهند **مسکله** از دواهای بسیار نیک و برای مهولت
وضع حل فائده کلی میکنند و استعمال آنرا طیب میدانند نه زندهای قابله که در مریض
آنرا استعمال میکنند و آنرا بر دوا در غیر موقع مضرو و موجب عوارض خطرناک
اولی قوی که برای طفل بلا فاصله بعد از وضع حل باید کرد یا اگر طفل سالار باشد
کریمه کند و بقاعه نفس بکشد این است که از قاعده بند ناف مطمئن شوند که متولد
بنوسی از امعاء نباشد و بلا عرض آنکست از منبت ناف آنرا محکم نمینند
و قبل از این آنچه در جوف است بطرف ناف در بشارند و آنقدری بالا از ناف
بسته شدن آنرا قطع نمایند

ی فک و فکر بعد از وضع حمل - در دهان هنوز مژگانات یک ناتی است. *de la delirance.*

که بلا فاصله پس از خروج طفل و پیش از این بنده ناف (مشبه) جدا
پس از میکشد و این سبب درد شدیدی میشود و ممکن است که رحم را از این
کش و از کومه نماید و از ناف جدا شود و عارض شود پس باید دانست که جفت
بواسطه انقباضات رحم خود بخود با الطبع جدا شد خارج میشود و پرتکشید
از قبل از این سبب سبب ناعنی پس از وضع حمل از اینست که رحم گانه شود
کمال دفع و ملائمت بخیر او و در هر که بقوت نکشد

در فتنه برای اعلیٰ که برای او مضرت هنوز یعنی انظار امور میسر
 à la nouvelle accouchée

اول بعد از وضع حمل برای حفظ شکم و اندامها که بواسطه نزدیکی نزد شکم زن بافتاری میخورد

خانی

قوانین حفظ صحیح بکسر وضع حمل

حالی از خطر نیست که زمانی که چندان فغانند بگریه شکم بر بند بصری نداد
در مریضه مشروبات گرم و مشروبات الکلی برای رفع درد و آسودن میند
مگر است موجب نزول الدم بملکی شوند

مستعمل از سهل و محضه و مفری بکلی منع میکنند فعال اینکه کاه و لایق میشوند آب
گوشه منقوی را و میهند و دوا طاق و مینای میکنند این بکلی ممنوع است
در قیچها در ملاخفا اینکه برای مالد بلا فاصله پس از زاییدن باید

بیدار وضع حمل بقدر وساعت و از اسوده و راحت بجا آید بگذارند
که جز خون محوی در دم بکلی خارج شود بگذاران مشغول پاکیزگی آن شود
پارچهای سفید که برای آن لازمست که گرم کرده و در خواب و را حاضر نموده و بکلی
او که باید شسته شود با غول نیم گرمی از لعاب خطوی آب بزرگ بشویند و با
خشکی بزدند و بکسر انداخته و با الودها از او جدا کنند و او را بزرگ دست
بوضع افقی گرفته و در بخواب بگذارند بگذارند خود را به برود و اگر خیلی سنگین
و نمیتوان و از او حرکت دارد بخواب اندوی آرد و نظریه برای خون و خواب
که از او خارج میشود بزرگ مشمع روی پوشک قرار دهند پوشک بپز مناخل
او نیست بجهت اینکه ترمانش متصل وضع آن تغییر میکند طاق و از پاکیزه کنند
پارچه کا الود را بپز بپزند کلنای معطره که بعضی در طاق میکنند بپزند
میشود و بخارین طاق را ملاحظه کنند که اگر زیاد سرد باشد ترشح مدد طوب
نمای قطع و موقوف میشود و اگر زیاد گرم باشد موجب عرق و مضرت میشود
و امر ضروری میگردد و در موزای طاق او را بچند تکه کنند و در روغن
برای بلبه بپزند و با بکسر او را بدقت بپوشانند مگر آنکه هوا خیلی گرم باشد
بپز و قندستر او را در محل جریان موزانند و با بکسر او را بکسر بکسر بکسر
از پیش از زاییدن آنکه بکلی غایت محض و جنت نکند و از ترکه نکند که در بکسر

در بیان تغذیه و مراقبت

بدن را و بیاید و ساعت اول بعد از وضع حمل او را با آب سرد بکلی نوازش کنند
اطاق را اندکی نارین کنند که خواب بر او خوش شود بجز یک نفر بر سر او نیند
او نمادند از مواظبت احباب اطباء و پادار و از آسودن کند اگر طفل گرم میکند
او را با طاق بکسر بکسر که خواب را در راحت شود و بر حسب هولت صعوبت وضع
بگذارند از دوا الی مثل ساعت بخوابد و بعضی مواضع اندر شده و مزا اگر چه
خواهر هم باشند منع میکنند بلکه در بنا لای در میبندند که نباید کوی اصل این
اطاق بشود

Preparation de la nouvelle accouchée.

در قیچها در ملاخفا اینکه برای مالد بلا فاصله پس از زاییدن باید
بیدار وضع حمل بقدر وساعت و از اسوده و راحت بجا آید بگذارند
که جز خون محوی در دم بکلی خارج شود بگذاران مشغول پاکیزگی آن شود
پارچهای سفید که برای آن لازمست که گرم کرده و در خواب و را حاضر نموده و بکلی
او که باید شسته شود با غول نیم گرمی از لعاب خطوی آب بزرگ بشویند و با
خشکی بزدند و بکسر انداخته و با الودها از او جدا کنند و او را بزرگ دست
بوضع افقی گرفته و در بخواب بگذارند بگذارند خود را به برود و اگر خیلی سنگین
و نمیتوان و از او حرکت دارد بخواب اندوی آرد و نظریه برای خون و خواب
که از او خارج میشود بزرگ مشمع روی پوشک قرار دهند پوشک بپز مناخل
او نیست بجهت اینکه ترمانش متصل وضع آن تغییر میکند طاق و از پاکیزه کنند
پارچه کا الود را بپز بپزند کلنای معطره که بعضی در طاق میکنند بپزند
میشود و بخارین طاق را ملاحظه کنند که اگر زیاد سرد باشد ترشح مدد طوب
نمای قطع و موقوف میشود و اگر زیاد گرم باشد موجب عرق و مضرت میشود
و امر ضروری میگردد و در موزای طاق او را بچند تکه کنند و در روغن
برای بلبه بپزند و با بکسر او را بدقت بپوشانند مگر آنکه هوا خیلی گرم باشد
بپز و قندستر او را در محل جریان موزانند و با بکسر او را بکسر بکسر بکسر
از پیش از زاییدن آنکه بکلی غایت محض و جنت نکند و از ترکه نکند که در بکسر

des louches
ulcerées

des louches

در قیچها در ملاخفا اینکه برای مالد بلا فاصله پس از زاییدن باید
بیدار وضع حمل بقدر وساعت و از اسوده و راحت بجا آید بگذارند
که جز خون محوی در دم بکلی خارج شود بگذاران مشغول پاکیزگی آن شود
پارچهای سفید که برای آن لازمست که گرم کرده و در خواب و را حاضر نموده و بکلی
او که باید شسته شود با غول نیم گرمی از لعاب خطوی آب بزرگ بشویند و با
خشکی بزدند و بکسر انداخته و با الودها از او جدا کنند و او را بزرگ دست
بوضع افقی گرفته و در بخواب بگذارند بگذارند خود را به برود و اگر خیلی سنگین
و نمیتوان و از او حرکت دارد بخواب اندوی آرد و نظریه برای خون و خواب
که از او خارج میشود بزرگ مشمع روی پوشک قرار دهند پوشک بپز مناخل
او نیست بجهت اینکه ترمانش متصل وضع آن تغییر میکند طاق و از پاکیزه کنند
پارچه کا الود را بپز بپزند کلنای معطره که بعضی در طاق میکنند بپزند
میشود و بخارین طاق را ملاحظه کنند که اگر زیاد سرد باشد ترشح مدد طوب
نمای قطع و موقوف میشود و اگر زیاد گرم باشد موجب عرق و مضرت میشود
و امر ضروری میگردد و در موزای طاق او را بچند تکه کنند و در روغن
برای بلبه بپزند و با بکسر او را بدقت بپوشانند مگر آنکه هوا خیلی گرم باشد
بپز و قندستر او را در محل جریان موزانند و با بکسر او را بکسر بکسر بکسر
از پیش از زاییدن آنکه بکلی غایت محض و جنت نکند و از ترکه نکند که در بکسر

تبشیر و عکال انهاد از وقت

۱۸

پس از آن مایع مصلح خون الودی مع مبتود مکرار در آنوقت تبشیر غرض
کرد در طوبیت مایه مرقوم میشود و همیشه تنفع میشود و بازه جاری میکند
اما آنوقت مصلح مایل بر روی سینه در راه شیره تفریاسه هفت روز در آنجا که
بچه شیر نمیدهد خلک شرفه جاذب است که بر طوبیت بصفه مذکوره باشد
تا وقتیکه قطع شود فقط مواضع پاکیزه و علاج آن کافست که بواسطه معینه
با غیر معینی قطع شود باید فوراً بطیب عرضه کرد که از اجاری کند چه موقوف
شدن آن که غالباً بنظر چند از معسبه نیت ما کافیه سبب خورشید بگردد که
در طوبیت مذکوره گذرد و متعین شود با مطبوخ با بونه آید و در آنوقت که مکیار
بشوند

وقت هشتم تبشیر - از نیمه روز و آخر روز در نیمه با نصفه روز و نیمه
میکند که مایه از قشر بر که و صداع و بعد از آن از سر عین و حرارت جلده
در ابتدا خلک و بعد از چند لحظه عرق و آفری و آن ظاهر میشود شروع کند
و همیشه مضاد با صلابت پستانها است که اغلب تا در بغل را منور و مینماید
و گاهی موجب در پستان شدن پدید میشود این شیره در ناز شیر و اغلب بقیه
بخصوص در زمانیکه طریقه احتیاط را از دست داده چند ساعت بعد از وضع
حمل پستان خود را بدان طفل گذارده شیر داده اند و مدت تبشیر
کامل لازم است سینه را گرم بپوشانند و قی خوف سرما خوردگی باشد از
غسل و حفته اجتناب نمایند

وقت نهم غذای آنها بعد از تبشیر - چون تبشیر قطع شود غذا بخور
نموده و بنده بچ را در کنداغذیه مقویه بدهند مگر که پستانها را با صلب
باشند یا بدغذا که نخورند غذا مقوی تر از آن کنند برای تلپین به مثقال و غن
که بکند بدند و نازده روز و از راه او از باغ از سابقه امینانند

de la premiere au
deuxieme

de la troisieme au
quatrieme

زمان تبشیر و عکال انهاد از وقت

۱۹

وقت اول هم بر خاستن زامو - بعد از وضع تبشیر مادر را از درخت خواب
بپوشانند و بپوشانند و در روز نهم میتوان دوزی و ساعت
او را بروی سنگی نشانند

وقت ثانی هم بر خاستن زامو - در تابستان روز بیستم و
از خانه بیرون رود و در زمستان یک ماه از شرفه داخل فاندن
در خانه لازم است

وقت ثالث هم تلپین مزاج آنها - بعد از وضع حمل مانند قبل
از آن شک و اباید بواسطه حفته یا مصلح ملائجه از آن نمود

وقت چهارم هم خشک شدن شیر و آنکه که نخواهد طفل خود را شیر
بد مده مطبوخ فی شکو (و مثقال و دو دین مثقال ب) بنوشد با مطبوخ
دو مثقال برك غار بدیند اغذیه مقویه را ترک کند یا چندین مصلح خفیه
مثلاً اب سداب یا سترانه و منبری بخور کند پستانها را گرم بپوشند

وقت پنجم هم خالک پستانها - مگر که یک یا چند عقد پستانها
سخت و صلب شوند و ضمناً بروی آن انداخته و بشیر داد زمزمه نماید
مگر که آن صلابت ساده نبوده و در غرض شود باید شیر دادن را ترک نمود
و بنابر و پستانها را اندازند اگر در دوا داشته باشد عصاره بلادن و ادویه
روغن خاکستری کرده بمالند که بخیل برود اگر بخیل نرفت و دریم در آن
ظاهر شد با بدجراح و جوع کرد که بدون تا ممل نباشد بپوشند

وقت ششم هم شفا پستانها - در زمانیکه دفته اول شیر دادن
انها است و در بعضی در شیر دادن شفا عصبی در پستان نشان فارض
میشود که در حفری ندارد اما از مکیدن مثلاً شده و جمع شد بکافور
میشود و پستانها را از شیر دادن باز میدارد مگر استیج که با طوبیتی که

de la premiere au
deuxieme

de la troisieme au
quatrieme

de la premiere au
deuxieme

de la premiere au
deuxieme

de la premiere au
deuxieme

de la premiere au
deuxieme

در حفظ صحیح زانو

از آنها جاری میشود داخل شپشه برای نوزاده ضرر داشته باشد
تداویر زبانی برای علاج آنها کرده اند اما کاه می بیند و گاهی بی اثر
بوده اند برای پیش بندی از آن باید در دو و ازده روز قبل از وضع حمل
بار فاده مای الوده بشراب پیوست کهنه با غنولی از جوهر مازو که بر کوه
حله الندی گذارند موضع را قویست نموده لعاب بهمانه (بج تاش زانه
بهمانه زاد و اینها شواجرش بر زنده الما بکند) بر کشف آنها اندوده
موم و روغنهای دروغن کاکاء بروی شفا آنها بمالند مفید است ابامک
معمول زاد داخل جوهر (حزلیه) حسی لبان نموده بمالند و موضع را
با رشی بورد (اسید بزیان) بشویند اگر ممکن باشد

چند روزی طفل را از پستان شیر نداده شیر

کاو با قاشق یا پستانک بنوشانند و در این

بهر شفا آنها را علاج کنند و در

معالجه میشود

تمت المفصل و تبارک المبدأ

الاولی انشاء الله

تعالی

در حفظ صحیح نوزاد

مقاله اول

در حفظ صحیح نوزاد و در آن دو باب است

باب اول در حفظ صحیح و تربیت طبعه و جناسه از جنین تولد تا بعد از

زمان نظام و آن در چهار فصل بیان میشود

فصل اول در تدابیر و تلبه و در آنها چهارده ملاحظه است

ملاحظه اول در انقطاع نفس نوزاد - بعضا اوقات طفل که منهدم

میشود صورتش و نبضش و بدش به حرکت و ضربات بندها و غیره

است و اینجا نباید بیدار ماند و باید تا خود بخورج نکند و دوباره بیدار نشود

که سبب احتقان (استنادن) خون در دماغ و ریه است همینکه خون

خارج بشد احتقان رفع میشود و در این حالت طفل را عرضه هوا نمائند

که نفس بکشد بلبهها شکم در کالوی او جمع شده با انگشت با فله موی و زبانش

و با کمال قوت مدارد و در این اوقات که کهای محرم نماید و نفس مصوب

چنانچه مذکور میشود کند و نوبت است آب سرد بر صورتش بکشد تا بیدار

و در آن بر روی سینه را بمکشد کرده اند

ملاحظه دوم در اختناق (خفه شدن) نوزاد - همینکه منهدم

شد اگر بر بدن و شکم او زور و کسری است نفس نمیکشد ماضیانات بند

ناف او محسوس است و کاه خفه شد است و اینجا است بلا فاصله بعد از تولد

خارج میشود و سبب طول عبور سر از ده و مهبل است و اینجا هم نباید بند

ناف را بزند و بکشد و ندرت که خون برود و بیدارند و نوزاد را با پارچه کما

کم می پوشند اگر در آب طاقی است بکشند با او و از درجا و بجز بکشد و از آنکه

که مؤلف است و از نماد روی سینه او را با دست با پارچه که الوده بک

رود و از دست بقوتش نشسته و با ناف و بدن او سبب نمیشود

در لباس پوشیدن نو زاده

۲۴

از این سن عا باید وسیع باشد که دامه تواند دست خود را برای اطلاع از
حالت طفل داخل و خارج کند اگر کشاد نباشد که بیست و شش اخل شود مگر
است که طفل را که هنوز استخوانهای او نرم است بشکند با لوله یا بدلیاس آنها
نه اندر کشاد باشد که سرها داخل شود و نه خیلی تنگ باشد و اینجاست که
پایین طفل باز است پس از کمر پائین از پا و چرخه نرمی بد و زشتاد به بچپرد
بقدری بلند باشد که تا سینه و زیر بغل آنها نیاید و نواری که چند از فشارند
بدون آن به بچپرد و در بعضی لباس آنها را تنگ مینماید و در میان آنها
کمر پوشند تا ممکن است سوزن و سنجاق لباس و باین پارچه فافز بکنند
و بایند و تکه بملاط بقیمه بربندند که با کمال راحت نفس بکشد و سینه بند
از پشت که نمایند که راحت باشد و در وقت پوشانیدن و کندن محتاج به بچا
دست نباشد جمیع این تدابیر را در اطاق کوی اگر دستان باشد اثنی عشر
داشته باشد نماید دست طفل را قوی کنند که بی حرکت نماند و زاده

باشد

ملاحظه هشتم در بربندنای نو زاده - این عمل را باید اندکی پرا از نو
بکشد اول کلاه بپوشد که سینه بند او را به بندند که سرها بخورد پس بندان
با انگشت سخت بگیرند و انموضع را که میخواهند بربندند قدر که بالا از نو قدی پائین
از او جدا محکم بربندند و وقت از او وسط آن دو بربند پس از آن در وسط
دستمال مربع کوچکی سوراخی کنند که بقدری که در و زان باشد و یکطرفه
پاره کنند تا بان سوراخ برسد از او دور هم و دور غر کرده به پنج بندان او
نمایند که انوزاخ در وسط دارد و در بندان او فاع شود بعد آنچه از بندان او
باقیمانده و میان آن دستمال نهاده و در طرف چپ او گذارند که بر کبد فشار
وارد نماید و آنکه دستمال دیگر چنانچه کرده بود آن گذارند و نواری که بر

Passage du
cordon ombilical.

در خطرهای دندان

۲۵

سه انگشت باشد چنانچه در بروی آن بد و در کمر طفل به بچپرد که محکم شود بندان او
در روز چهارم تا پنجم میباید سوراخ کوچکی بجای آن مینماید تا بدلیاس و زده
شست شو کرده خیار فاش شده یا غبار (لیکونید) کبریت نباتی نباشند
و دستمال خشکی بر روی آن بربندند اگر بجای آن در موضع ناف فرخه مینماید که زده
از آن منشرح باشد و از این بمانند یا پنبه روی اخل این کرده میدهین
نمایند و بیهوش نماید

هرگاه فنی غار ضنا ف شود باید نواری را با نواری از مشمع داخل و بربند
تا فنی بکلی بیازفت که بروی نواری که کشیده باشند بربندند که بیشتر
باشد که آنها کافی نباشد قدی غبه یا شاد بی کلوله کون بروی موضع فنی گذارند
چوب پنبه کوچکی بروی آن وضع نموده چنانچه در نواری بد و در کمر طفل به بچپرد
با نواری لاسکی بروی آن بربندند که باز فنی بیشتر باشد که آنها هم کفایت
نکند قطعه سرفه را پهن کرده چوب پنبه بر روی آن وضع نموده با کمر بند لاسکی
با ما فونی شکسته تا سه ماه باز نکند بعد از سه ماه که میخواهند بربندند و از
کنند بند رنج از او بربند و کوچک نموده وقت بردارند که دفعه ترک عادت
نشود و اگر طفل زیاد گریه و سرفه میکند که احوال بیرون آمدن و دوباره
فنی شدن میرد که بربندد و دوباره بربندد

ملاحظه نهم در خطرهای قیاط (مقدافه) این عمل سابق بر این در
همه جاه متداول و از عادات شده بود و امروز بجهل الله در تمام اروپا منقرض
شده است ضررهای آن بسیار است یکی از آنها اینست که در وقت طفولت
که هرگز در وقت فنی عمل نموده اند شست پای خود را حرکت میدهد
که در این وقت که از هیچ چیز چیزی نشاخی برای او حاصل نمیشود و در وقت
بسیار از او سوراخ بروی دندان مالد و میکند و اسباب بیماریان میشود

1. 2. 3. 4. 5. 6. 7. 8. 9. 10. 11. 12. 13. 14. 15. 16. 17. 18. 19. 20. 21. 22. 23. 24. 25. 26. 27. 28. 29. 30. 31. 32. 33. 34. 35. 36. 37. 38. 39. 40. 41. 42. 43. 44. 45. 46. 47. 48. 49. 50. 51. 52. 53. 54. 55. 56. 57. 58. 59. 60. 61. 62. 63. 64. 65. 66. 67. 68. 69. 70. 71. 72. 73. 74. 75. 76. 77. 78. 79. 80. 81. 82. 83. 84. 85. 86. 87. 88. 89. 90. 91. 92. 93. 94. 95. 96. 97. 98. 99. 100.

در شیرازی که نوزاد

شیر زاده پس از آمدن جاری میشود و نیز دستان پای او را که بر بندند خوب
نویسند و کوبان میمانند بلکه از این فشار تمام بدن بی حرکت ماندن و
کامل نمیکند مگر است از قنطاری استخوانهای او که نرم است کج شوند و شوشکل
عارض آنها شود و وقتیکه تمام اعضای نوزاد بواسطه قنطاری شده شد
زیاد گردد و عروق زیاد میگردد و موجب قنطاری و مکرر کردن و مکرر شدن
قنطاری در بطن موجب خنثی بر آورد و صد و سیصد و هشتاد و هشت و هشتاد و
خونگشته خون بطن سرد مانع میل میکند و بر فشار موجب خنثی و هضم
کنند و در زهر شکم عارض میشود که غایت سبب میل شدن بخالت
صرعی میگردد

ملاحظه فرمایید در وقتیکه مادر میخواهد بطفل شیر بدهد — باید
دو سه ساعت بعد از وضع حمل شروع کرده و برای دفع عقی (اول دفع عقی)
عوام را از مادر موزنی مانند قندی عمل داخل کرده و با بخور انداخته تا اگر
دایه شیر میدهد چند مرتبه در سه مثقال ترنجبین داخل کرده تا آب عسل
در ترنجبین با آب مخلوط کرده بطفل بدهد که عقی را خارج کند و بعد از آن
ساعت و بیشتر شیر بدهد پس که لپین گردد و عقی خارج شده دیگر ترنجبین
ندهند

ملاحظه فرمایید — بقیه گفته اند مادر در دو سه روزی شیر بدهد
تا شیر به دستان نرسد و وقت شیر بدهد در بقیه قوی شود و نه نرسد و نه نرسد
شیر نمیدهند و این خطا است چه محقق شده که دوائی سه ساعت ترنجبین
که خاصیت آن از آنست که عقی را خارج کند پس دستان او نباید از این است که گفته
که وقتیکه دایه شیر میدهد ترنجبین بطفل بدهد تا عقی خارج شود بجهت آنکه
شیر از این خاصیت نرسد که عقی را دفع کند و دیگر آنکه اگر مادر در دو سه ساعت

طریقه خواباندن نوزاد

اول شیر بدهند پس از آن و ممتلی از کثرت شیر نمیدهند و بزرگ میشود که دیگر
طفل نمیدانند پس دستان را بدندان خود بند و هم عقده های دستانی او
متورم و متعجب شود و مکرر دستان را غام میشود *de la couchette de l'enfant.*
ملاحظه فرمایید در طریقه خواباندن نوزاد و تهیه بستر خواب نوزاد
نوزاد — پس از آنکه لباس باو پوشانند ملاطفت و لید و حالت معده
او گردد و در این خواب بستر را مادر و خانه خواب مادر و دایه خوابانند
همیشه هوای دخت خوابانها و نفس آنها نامناسب و طفل را مریض میکند
مکرر دین شده دایه خواب بوزن بزرگ طفل فشاره با الحاف را سخت بچسبند
با او زانک را غش کرده و او را خفه کرده است نگاه باید دارد و نگاه
کذاشت که لپین بلند تر از توشک باشد که وقت میلطد و حرکت میکند
نمیدهند و در هر کوهانه قهر شده باشد که با سانی توان از آنجا بجای نمیکند
در میان توشک آنها بر زشته نکند و موی مناسب برک سحر و حشا بشناسد
مناسب بگذارند که آنها ممکن نشود و آنرا از کاه نرمی بکنند و برای بزرگ کردن
میان بالش آنها موز مناسب همه مناسب است اول توشک بزرگی در دفعه اول
گذارد و توشک دیگر سه قطعه باشد بر آن وضع کنند که بتوان هر یک قطعه
از اینها کانه برداشت مخصوص سطحی را که اغلب اورد میشود و باید از آنست
بجای نرسد که اگر ناپا چیه نازکی از پنبه یا کتان بروی توشک اندازند که توان
بخود جذب نماید و همینکه اورد میشود بشویند و تمهید نمایند بجز از شمع است
باید طفل را احتیاطا بپهلوی بخوانند برای اینکه بطنها را که در دهان و بینی او
مجموع شده و هولت خارج گردند و بجلو او نروند و در وسط و زخم که بیدار
است او را در بوی پیچیده دانی که در توشک زیاد دارد بخوابانند که در توشک
چشم او را از توشک میکند اگر در این حالت او را بپهلوی بخوابانند او را حوله میشود و توشک

روی درابر حبال فضل که زیاد کند اما ملاحظه فرما اینست از کرمان
بکند که سرها نخوند و برنگاهانها پرده از طور یا پارچه مشبک و دیگر
یا پارچه سفید نانگی (تنزیب) پوشند که مواج شود از آنها داخل و خارج
شود و از آب جانور زن محفوظ باشد اما درین مشابا باید پرده از پارچه کلفت
بندازند و این ملاحظه بسیار مهم و برای حفظ اصفت آنها مفید است که مواج
در مکانی که مواج داشته و در نزد یک بخاری که آتش دارد و در محل جهان مواجند
و اگر ممکن شود بجای آنکه مواج داشته باشد و آتش در مکان و سیمی که مواج
آن بخار است پاکیزه و تمهیا کند که قوی و گرمی توید مواج شود و در آن وقت
در آن اقلی بگذرانند و مکنند

جانبے و اجنبیوں کو کہہ اند
une cabane dont le pays son dernier
dans son barreau.

ملأ خضره من شجرة — من شجرة طاروقه من ماء خضار من شجرة

و مثل بعضی که ماهی که او را بر روی او گذاشته شهر می دهند نکنند چه در این بین بخوبی
میرود و قیاس او را بر داشته بکا مواری میگذرانند میباید و میشود انوقت باید مدتی
سعی کنند یا با شیر بفرستند و باره بخوابند پس باید زاول عادت دهند که
شهر را در کما مواری بخورد با اینکه وقتی شهر را اند و میخواهند بخوابند و در فوراً بکا مو
بگذارند بداند که در وقتیکه ماهی بقبل شهر میبازد خواب ندارد و بوی
طفل فدا و او را خفه کرده است پس بر دایه لازم است مسکنه احتیاج بمقداری

مجلس

و کور و حیدر بن
منصف را میخواستند
از موله بشوند با حق
ملق کرد که امارت از مر
اکراما حصه کند مگر بنا
بر نایبین فیه در آن
مدکوناست او بان
ادعاه طاعتی

کنشد علی

خواب کرده و فی الفور برخیزد و شپزند کنند و در میان آنها برای احتیاط از سر تا انگشت
پای بطریقی پرازم کرده قدری در ترازوهای ^{مختلفه} بگذارند که سرما و
اثر آن کند. *Augmenter la température de la chambre.*

ملاحظه چهارم در سیر فاعل و متوفای اطفال بیشتر از کوفه

سپه قاضی حساب کرده اند و در سر سفره عدد متوفی و حد پنجاه و دو و پنجاه
چهار و دو کرده و هر حد بیست و نه و سبب نداشت که طفل بمیرد و در پیشانی
مفت و کعبه متولد میشود و کلاه خراشت اطاقی کمتر از این باشد بواسطه سرانند
میشود پس باید در سر سفره خراشت اطاقی باشد و کعبه همیشه بکعبه باشد و قیاس
بزرگ تر نمیشود و میخوانند و از اطاق بیرون نمیندند و از خواب بوشانند و
سینه و شکم و پا های او را اگر مرنگاه دارند نکند از بدن او می شود و آنها را در
بایستد و فرزند و اگر میخواهند بایستد غایت کبد مثل این است که متوفی پیدا
کنند از تابستان که که شروع کنند اول تابستان و در ریح خراشت را که کشدن
وقت بایستد و فرزند در سر سفره کلاه از اطاق کمر آنها را در قفسه بخارج
و کلاه بر بند سر را بر روی اثر کرده موجب له و زکار و اگر بچشم برسد موجب
جرباز اشک و بعد کبک مد و خبرها میشود پس باید بقتل آنها را از اطاق
که کمر خارج نکند

فصل في قيمته

فصل في
دقانون رضاع و شروع در عذر دوزان نه طریقه

طرفی اولی در شیر دادن مادر و ذایه و آن بر که گفت است

فصل اول در شناختن مادر - بجز پند مادر برای مرد و
شهر بجز از مهرها شیر مادر است چه از مادر و چه خود مادر از خون و نم
کرده همان است که زن بکفره بتدریج در پستان برای طفل ذخیره شده

Sur l'alimentation
de l'enfant jusqu'à
l'allaitement maternel

در شہزادہ مرکیبا المخلط

Se l'aumento di
dei consumi,

دو
خط و پنکری

نظم

طریقہ شریعتی از سیدنا خواجہ

... l'aid
du ...

طریقہ ایچہ در شہزادہ پاشا نک وغیرہ - اہلست کہ

موجب عرضہ شدہ

2

طریق شیر دادن با پستانک

۳۵

میدوشند شیر ندارند اینست که اغلب ترش میشود و مودش بعضی اراض
میکرد پس باید در پستان شیر را در موضع خنک خشکی بگذارند
شیر خام خیلی زود ترش میشود بهتر است تا دوشیدن با قندی
بی کربنات سود را داخل از کنند آب با ماء الشعیر غیر که میخواهند داخل
کنند قبل از وقت داخل نکنند و قندی داخل کنند که میخواهند با بخور
مرچ داخل میکنند باید که در جبهه کوی شیرها در پینه سی مفتوح
با کوی خام مار به باشد با تری که کرده تر مطرب بگذارند تا با این درجه
گرم شود و شیر را با پستانک یا شیشه کوچکی که بدمن آن بر نازکی که
بدوزان بار پنجه شبکی مثل طود گذاشته باشند بدهند اگر آنها خاخری
با طفل یا اینها شیر بخورد با فاشق بدهند اول و ثلث و بیشتر از آن
بعد نصف داخل کنند و آخر یک ثلث داخل کنند چنانچه وقت نباشد شیر
حیوان بطفل بدهند و در زمان اول و ثلث داخل کنند و در اول و ثلث
قند یا شکر شیر بزنند که قند اگر اسفند کند طریقه داخل کردن آب
شیر از این جدول معلوم میشود اما اگر با شیشه میدهند باید در
آن دانه شکر و آب سردی که هم در وقت از او عوض کنند بگذارند و قند
دهند ترش نشاید شیر برده و در دو جوب پیوسته است باید از او عوض کنند

| روز اول | شیر | آب |
|------------|-----|-----|
| دو روز دوم | ۴۰ | ۱۲۰ |
| روز ستم | ۱۲۰ | ۲۵۰ |
| روز چهارم | ۲۰۰ | ۴۵۰ |
| نایکام | ۲۰۰ | ۴۰۰ |
| از دوازده | ۵۰۰ | ۳۰۰ |

پستانک را هم باید بهین طوری مکرر بشوید
که شیر ترش نشود و در زمان نباشد شیر
چون محققا بخورد شیر را نشاید خنک
که مدتی از پستان مادر شیر خورده او
از پستانک شیر میدهند اغلب ترش
و فاسد میکند و چون طفل آب و شکر

مدرسه دینی
مدرسه دینی
مدرسه دینی
مدرسه دینی
مدرسه دینی
مدرسه دینی
مدرسه دینی
مدرسه دینی
مدرسه دینی
مدرسه دینی

du lait de
lait coupé à
donner dans
la soupe

در شیرهای مختلف یکدیگر

۳۶

از حیوانات شیر آب شیر ۳۰۰
از شیر با بالاز ۸۰۰ ۲۰۰
بدمند و صیقله دفع ترشی میکنند شدت بدیج که کرده موقوف کنند
که است که بتوان طفل ضعیف را با شیر حیوان بزرگ کرد گمانیکه نمک دارد
ناممکن است آب بیاورند شیر حیوان ندهند چنانچه بعد از تجربت یاد حنا کرده اند
موتای الحنا لیکه شیر حیوانات میخورند در صند پنجاه و موتای الحنا لیکه
شیر زن میخورند در صند بوده است بنا بر این باید هرگز با لطف با
الحنا لیکه مزاج خونی ندارند شیر حیوان ندهند بعضی از علمای شعی حنکر
که از شیر حیوانات که این داخل کنند مثل شیر زن بجا از بدن حالت نه تنها
از آب است بلکه البومین شیر زن بیشتر است بلکه از آب است که شیر زن بدیج
و که در داخل مکه میشود و شیر حیوانات بکشته داخل شد بواسطه ترشی مکه
بر بد شد لکنهای صلب غیر محلول از آن حاصل میشود و بد شد اطفال لیکه شیر
حیوان را قوی کرده اند لکنها که بعد از شاه بلوط که بسیار صلب بوده و قوی اند
و این هرگز از شیر زن پیدا نمیشود و هم در شیر حیوان دانه های کوچکی که
خیلی محلول و آبست قوی میشود و هکذا در اطفال لیکه از پستان انسان شیر
میخورند که دانه فشرده اما دانه های شیر حیوان با از پستانک شیر میخورند
در بزرگان در بعضی امتحانات کلوله که بقدر قند قوی اند

Etude comparative des divers
modes d'alimentation

در شیرهای مختلف یکدیگر

اول شیر مادر پس از آن شیر را به است مخصوص دانه که بجان میبرد بهتر است
که باید همیشه طبیب بپذیرد اخبار نماید چنانچه هیچ گونه ضرر را نداشته باشد
نفسه پس از آن شیر را در مرکب شیر دادن از پستان حیوان است و طبیبان گفته اند
از این شیر که در آنکه پدید میآید و دانه های بضا عت ناچار باشند از

شیر

در بیان امتحان شیر

۳۸

شیر دادن با پستانک داشته باشند و را مجبور نمایند را وقت مردوتا
اول شیر الاغ خالص بدون اینکه چیزی داخل آن کرده باشند بدو اگر
الاغ پیدا نشود شیر مادر و بز چنانکه ذکر شد اول دو نعلت و بعد نصف
داخل کنند و در آخر یک نعلت داخل کنند و چنانکه بیان شد پستانکها
هر روز بزنند و مقدار شیر را بطوری مقدار کنند که مساوی شیر مادر
باشد و با شیر آن که مذکور شد کرم کنند و داخل پستانک کرده بدهند
و بر طبیب است که هرگز از آن نشود که در دهان اول بکند از نوک
شیر مادر و در آن به دارد شود چه اگر بلا فاصله بعد از تولد از پستانک شیر بدهند

چند روزی نمیشد که تلف میشود

| جدول معرفت اجزاء شیرهای مختلفه | دن | الاغ | مادگا بز |
|--------------------------------|----|------|----------|
| ۱ | ۸۹ | ۹۱ | ۸۷ |
| ۲ | ۲ | ۱ | ۵ |
| ۳ | ۵ | ۵ | ۴ |
| ۴ | ۳ | ۲ | ۹ |

Ana'ise chi
magne des lents
ymeralement
employes pour
allaitement des
nouveaux nés.

شکر شیر را کمی ذوق بدهند

ماده پنبیری که ذوق نمیشود

طرز تغذیه خاصه در امتحان شیر — باید شیر سفید و خنک
غلظت و نه خیلی رقیق باشد بعضی طبباء میگویند باید در قاشق و پنجه کشا
کرده قدیم که در دهان قاشق مانند امتحان کرده و از آن حکم بخورند یک شیر
میکند یا آنکه چند قطره از آن را در دوی ناخن بزنند و اگر این شیر بزرگ شد
کج میکنند که بز من شیر بزد میگویند خوب است که هر روز میگویند قابل تغذیه
نشد با آن قاشق که بز از آن شیر ببرد حکم میکنند حق این است که خوبی
شیر از نظر کردن بینها معلوم نمیشود مگر توسط اسبابی که آن را
(لاکسکین) یعنی معنی اللبن نامتلاک کوچک است و در او با در اغلب

خانها

امتحان بطریق فیزیکی و غیر

۳۹

خانها دارند از آن شکنی و سبکی و غلظت و رقت شیر معلوم میشود و باید
یعنی میزان اللبن با بازره یا بواسطه تجربه شبیهاتی (امتحان بطریق فیزیکی
و شبیهاتی مفید است مادام که غما را شکالات نمیکند) افسوس که این الامتحان
و اینان موجود نمیشود اگر چه بشود طریق استعمال آنرا نمیدانند پس استعلام
از کیفیت کشت شیر را باید از عمل شیر خورند و حال طفل شود که اگر مثلاً
نمایا شیر بخورد و بعد از شیر خوردن کرم نمیکند و رنگ و قوام بر او بیجا است
طبیعی است و بر بدن برید و الوشمها فاش نمیشود و بی شک نیست معلوم میشود
کیفیت و کثرت شیر خوب است و خوب هم شده است این امتحان را باید مدتی ببرد
و مکرر کرد و هرگاه طفل چندین مرتبه که پستان میگیرد و تغذیه بخورد که شیر
و پستان هیچ خالی نشود پستان او شیر را در کافی دارد و اگر طفل مضطرب
است پستان را درها میکند و باز مالت را به بیجی میگیرد و بیجی آنکه بخورد
کرم میکند احتمال کلی است که شیر آن کرم باشد یا اگر مدتی بعد از شیر دادن تا قبل
از آنکه منجمد کنند و باره شیر بدهند کرم میکند یا بدین معنی که اگر از بول
و براز و کرمها و کرمها و پوست مزاج است یا سنجاقی بجای از او فرو رفته باشد
یا یا یکبار دیگر او خراشیده شده یا چیزی دیگر سبک کرم شده یا چاره آن بگویند یا اگر
سبب آن شکنی و هضم نشدن شیر است باید به کرم شیر بدهند تا از شیر هضم شود
پس تا طفل کرم میکند شیر نباید از او چه همیشه سبک کرم که سبکی نیست باید
سبک کرم را از آنست و بخار آن کوشید که شیر را در موجب خستگی و ضعف
و هضم نکردن طفل و حال اعتدال و قولنج او میشود که میسبب کرم بزرگتر
و لزوم کرم طفل است و اینطور باید اعتدالی بکرم او میکنند که پس از چند
ساعت میشود که مکرر طفل از کرم سبکی و کرم شیر کرم میکند و آنست که طفل
دایه بزرگتر از این طفل است و پستان را بقوت میگیرد و میکند شیر را بخورد

مهر

کند
طفل بزرگ
است که در قی
شیر را به کرم
کرم شود که کرم
معدله افتاده است
از عمل خود باز نمیداند
پس باید در وقت خوردن
شیر و خواب و بیداری
بپای داشت
بجواب داد
حق

مکمل
طریق زانما و بار
پاست خاز مکرر تا پنجه
نموز شیر دادن تا پستان
ترک کند که صدفان و
و زانما و هر چه باشد
مردون از پستان بزرگ شود
شیر بزرگ
حق

میزان شیر خوردن بچه ها

۳۰

همه را می خورد و این طفل از شیر تغذیه می شود و با اول پستان دانه طفل
 را به می دهد تا در آن کد آنوقت این طفل را به پستان بندازند اگر ممکن باشد
 چند روزی تمام شیر را به می دهد تا خوب یاد شود آنوقت این طفل
 بدیندازد و فتنه شک داند و نتواند حکم کند که سبک به چسباید
 طفل را با تر از و بکشد از کشیدن مقدار شیر بزرگ و در وقت چهار ساعت
 خورده معاوم می شود اگر بیشتر خورده باید کمتر کرد و اگر کمتر خورده باید زیاد
 کرد و در بعضی های طفل و خانهای بزرگان تر از وی مخصوصی برای آنکه
 وزن اطفال معلوم کنند گذارده اند برای آنکه نمود روز بروز و مقدار
 شیر که می خوردند بماند و در وقت طفل را می کشند اگر بزرگ و به پستان دانه
 و زنیکه باید باشد باشد کسر شد می دهند که با شیر با و گذارده شد با آنجا
 غرض او کشیدن سبک بگذارد و اگر به پستان دانه او زیاد شد ملا خط می کشند
 اگر تفسیر خلالت مثل کریم و مویش مزاج و نفخ و سنگینی مقدار و شیر از مقدار
 مشاهده میکنند ملنگ می شوند که شیر زیاد داده شده مضمر نگرد است
 بخانه او می کشند اگر آنهاست معلوم می شود که نمود بواسطه خوبی
 مضمر زیاد تر شده است و از همین معنی کز اند که در روز اول و دوم
 تولد وزن نوزاد و وزن همین تولد کسر شد و این از بابت خارج شد
 مواد کسب که در اندرون او بوده (عق و بول که مدتی مانده بودند) و
 خشن شد و مقدار زینت نان و شراب و تنقیر نوری جلد است روز سیم
 بران افزوده شد و روز چهارم تا نهم بوزن تولد می کشند و بر باری
 می کشند تا آن بر سبیل ناقص است چنانکه در ماه اول روزی شش مثلاً
 بوزن او افزوده می شود در ماه دوم پنج مثلاً و نهم در ماه چهارم چهار مثلاً
 و دهام هفتم و مثلاً و نهم و دهام دوازدهم بکشد مثلاً و نهم که هر قدر از زمان تولد

نکته
 برای معلوم کردن مقدار
 شیر خورده نوزاد که شیر
 بلون که بکشد با
 و وسیع و طریقه بکشد
 تنک و مسک و در آنجا
 منقعه شد خبر می دهند
 جوهر سرکه به روزی
 شیر بخانه خور تا تمام
 از شیر جدا شده بالا اند
 بکشد بپایان آنوقت
 نوزاد را می کشند که بر
 می کشند سبک یا لا
 سبک و سبک و سبک
 در زمان منقعه شده بود
 و بپایان مدخل کرد
 به کد معلوم می شود که
 شیر به مقدار که دارد
 بکشد و بکشد

روز

در شیر خوردن بچه ها

۴۱

دور می شود نمک می شود یا بد طفل را در صبح ناشنا که تخلیه کرد شیر
 نخورده باشد بکشد و بعد از شیر خوردن هم بکشد از این جدول بپوشد
 وزن متوسط موجود ماه بپایان طفل و شیر روز بر وزن افزوده می شود

| وزن متوسط طفل | وزن پستانها | وزن | تولد |
|---------------|-------------|-------|-------------|
| ۵ مثقال | ۵۰ مثقال | ۸۰۰ م | ما قول |
| ۴ م ۱۵ نخود | ۱۳۰ | ۹۳۰ | ماه دوم |
| ۴ م ۱۰ نخود | ۱۲۰ | ۱۵۰ | ماه سیم |
| ۴ م ۳ | ۱۱۰ | ۱۱۹۰ | ماه چهارم |
| ۴ م ۲ | ۱۰۰ | ۱۲۰۰ | ماه پنجم |
| ۴ م ۱ | ۹۰ | ۱۳۰۰ | ماه ششم |
| ۴ م ۲ | ۸۰ | ۱۴۹۰ | ماه هفتم |
| ۴ م ۲ | ۷۰ | ۱۵۷۰ | ماه هشتم |
| ۴ م ۲ | ۶۰ | ۱۶۳۰ | ماه نهم |
| ۴ م ۱ | ۵۰ | ۱۷۰۰ | ماه دهم |
| ۴ م ۱ | ۴۰ | ۱۷۵۰ | ماه یازدهم |
| | | ۱۸۹۰ | ماه دوازدهم |

Augmentation
 et augmentation
 mensuelle
 Augmentation
 mensuelle

بر طفل که در وقت تولد وزن او بکشد و مثقال بود و در آخر سال اول و زنیکه
 نمود بطور طبیعی باشد بکشد و پنج شیر می کشد اما این وزن و این نمود
 با بطور منظم نیست هرگاه طفل بیشتر از آنچه می خورد شود شیر بخورد و وزن
 او بیشتر می شود اگر مرض جزئی غرض آن شد کمتر می خورد از روز اول و بپای
 کرد که در زمان شیر دادن طفل را منظم کرد که در روز هفتم و ساعت و شب

مرحله

در تعین مقدار فواصل

هر چنانکه ساعت اگر طفل خوب بستان میگرد بد مندا اما اگر ندی بعد از شیر
داد و قبل از آنکه دوباره بخواند شیر بآورد مندا که میبکند یا بد مندا بک
این که میبکند یا بد مندا بکند یا بد مندا بکند یا بد مندا بکند یا بد مندا بکند
مضمون و فواید کرد معده نوزاد بسیار کوچک و احساس باینکه چه قدر شیر بخورد
ندارد این است که گفته اند باید دفعات شیر دادن آنها مقتدر و معتدل باشد
اگر بیل آنها و آذارد زیاد بخورند بعد از شش هفته ای و ماه و هر چه
نوزاد بزرگ میشود فاصله های شیر دادن را باید زیاد کرد چنانچه در
شش یا شش ماه و شب بیشتر از یک یا دو مرتبه شیر نباید بدهند ولی با
وجود این باید چنانکه گفتیم ملاحظه کرد که طفل چگونه از ارض میبکند اگر
خوب مضام میبکند معلوم میشود که کتب کتب شیر خوب است با بجمه منبکند
شکی نباید باشد باید طفل را با فراز و کشید که از کتب هم مقدار شیری را
که طفل در یک دفعه میبکند و در ۲۴ ساعت خورده و تغییر ندارد و
بروزی و زنی طفل معلوم میشود

از این جد و لکه بوشد در مضیقه قابلکی یار پس (ما نونینیه)
 بدقت امتحان کرد و منجوق کرد که آن مقدار طبیعی شیرینی که طفل از دود
 تولد و بعد از آن روز بروز و ماه بماه منجور و معلوم میشود

| | | |
|------------------|----------|--------------|
| روز اول | ۱۵ بخود | در چهار ساعت |
| روز دوم | ۳ مثقال | در چهار ساعت |
| روز سوم | ۸ مثقال | در چهار ساعت |
| روز چهارم و پنجم | ۱۱ مثقال | در چهار ساعت |
| الی ریکه | ۱۲ مثقال | در چهار ساعت |

الوقت

در طریق غذا دادن به بیمار

| | | | |
|----|--------------|-------|----|
| ۲۳ | در بیان دفعه | ۴۰۰۰۰ | ۲۳ |
| ۳۰ | ۴۰۰۰۰ | ۳۰ | ۳۰ |
| ۴۰ | ۴۰۰۰۰ | ۴۰ | ۴۰ |
| ۵۰ | ۴۰۰۰۰ | ۵۰ | ۵۰ |
| ۶۰ | ۴۰۰۰۰ | ۶۰ | ۶۰ |
| ۷۰ | ۴۰۰۰۰ | ۷۰ | ۷۰ |
| ۸۰ | ۴۰۰۰۰ | ۸۰ | ۸۰ |

طریقہ سادہ

طریقه شیرشادی
در غذای مادر و دایه - مادر و دایه همیشه
غذای جاری خودشان یعنی همان غذا باشد که در خالت صحت مادر بودند بخورند
مگر آن کسی که دایه دانی که مسافر و بیگانه باشد و قلیل تغذیه که کلمه نباتی بود
غذای حیوانی مثل گوشت تخم مرغ و غیره بدهد آنرا مریض میکند و شیربان
خوبی را فاسد نمائند و اسباب این میشود که عادت حیض او رجوع کند یا به
فرجی آید و نفیض از شیر او کشته توثر را زیاد کند و با دانه افشاده است
که در اینحال بعد از چند هفته دایه خیلی غایب و شیربان تمام شده است این
سهواست که بعضی گفته اند بعضی غذاها مخصوصند باینکه ترشح شیر را زیاد
میکند همان غذاها باشد که با آنها عادت داشتند مناسب مزاج دایه و مادر و نوزاد
دایه را که از دهان و جای دیگر مریض و در بواسطه تغیر عادت تغیر
غذا و خشکی سرفه و غصه و خوف و غیره باشد از کمر میشود باید که چند
روزی صبر کند شیر طفل دیگر را بشیرک و آب داخل کرد بطول بدهند تا از نوزاد
مادر کند و بحالت طبیعی خود برگردد و وقتی با اهل خانه از شیر بکشد
شیر او را زیاد میشود

ناباید ماد و ذایه همیشه از اعراض نفسانیه فوتی اجتناب نمایند بجهت اینکه
ممکن است شجر ابکی فاسد گزیده بلکه خالک همیشه در آن احداث نماید که نشانه
از هر بنی کرد و برای اینها است حکایات و اتفاقات زیادی هست بقیه از اینها
بیان میکنم مختصر قصاید و خانه خود با سربازی نزاع کردم که از این شد

—

de la nourri-
ture de la mère
et de la nourrice

ملا محمد باقر
 و دیگر خدایا که با او است
 و با او است جوهر احدی
 شریک که پسندد اگر او ازین
 هیچ شریک نیست و اگر جوهر
 او را یک چیز که شریک است
 شود و در آنجا شریک شود
 شریک و در آنجا شریک
 فتح عارفان
 کرد
 علی

در طریق اولن بارها

۴۴

غضب شیر کشید بطرف مضارب فتنه مضارب که اول انکالت زادید
شرع بلز بدین که در سبک از آن که در میان آمد شیر را از دست برآورد
شکست بدو انداخته تا امیکه هنوز در اینجا است حرکت شد بدو طفل را
مانده خود را که در کمال سلامت بود و دو کا هزاره خود را که میگردید با شنه
شیر را و داین بین که طفل شیر میخورد و فتنه نشان را از ما کرده چنانکه
در من خود را باز کرد و در بطن را در میبرد

و این دیگر برای توضیح که کرده بود از در دند و فتنه را بچاک طفل شیر را
و انور تشنج عارض طفل شده حالت او دیگر کون شد و فتنه دیگر زیاد
من شده بود و طفل خود شیر را در پس از تشنج عارض او شد

پس اگر مثل این اتفاقات برای مرضه اتفاق افتد باید شیر را در آن ترک کرده
مطبوخی از زبر خون بارک نارنج بنوشد تا راحت شود و بعد شیر خور را بدو
با شخص جوانی از امیکه دیگر تشنج زد و شیر را از آن شیر بداند تا به زانو
بمخور میخورد به ما که بروج و فتنه اند تا به ما او مهر را که در دل و زو خیر
طفل شود اگر او از این کند و در دند و فتنه و فتنه شیر مثل کرده بلکه طفل را

از این کند و بچفظ او مگو شد و از دند کند ملا خطا به دیگر که دایه مادر
باید پیروی نماید و مواظب خالص و خشک دندکی کرده و هر روز و شب
و حرکت داشته باشد و دینا نهی خود را از سر حفظ نماید و فتنه که جز با
فنا سر نامرشد بخور تا بگریز تمام برزد و بیضه کان کرده اند که جماع خالت شیر
بیمیکند و برای طفل مختار میشود این خطا است تا به جماع تا ترک کرد و لی باید
که در آینه دند نهی فری و غوی که خالت مختار کامله او اندر که شیر را
ندارد و کتب از کرده ضرر و بکفیت از در مادر و زنان لاغر و ضعیف دیگر
است این شیر را که و نیز یک کرده تمیزه از آن که میکند با لجه نمیتوان برای

مطلب

باید شیر کشید
دند شیر کشید
باید شیر کشید
باید شیر کشید
باید شیر کشید
باید شیر کشید
باید شیر کشید
باید شیر کشید
باید شیر کشید
باید شیر کشید

در انداز و شیر غذای طفل شیر

۴۵

مطلب که کلی خورد مکرانیکه بگویم و فتنه که لبن میخورد مادامیکه طفل را
تا از است شیر بدو و مکرانیکه ضرر شیر بطفل میزند که ضعیف و لاغر میشود
شیر را قطع کند

اغلب وقت شیر را در جنس کلی موقوف میشود و این برای اینست
که در این خون بطرف ایشان رفته و شکیل بشیر میشود و در میان تشنج
و جربان جنس نیست و رابطه منتهی آنها اغلب فتنه که جنس میشود
که در کمین میشود و در اینجا نباید طفل را از شیر ببرد اما با وجود جربان
جنس مکرانیکه ضرر عارض شود و طفل در کمال سلامت باشد با بهمانص
شیر بدو بسیار شایع است که در زنان شیر از مکرانیکه موضع حمل ماه نماهاست
که عارض میشود و عارض میشود و با وجود آن طفل آنها سال را است فتنه که
و این انتخاب کند تا به ما که خاص میشود انتخاب تا به ما که به جرح
و لیل است برای آنکه شیر را بزدی که تا تمام میشود

طریق سابقه - در انداز شیر غذا و در آن مقدار
مطلب اول و در فتنه که اول بطور اطمینان بکند و در فتنه که

مرتبه و در مقدار که میخواهد شیر بخورد و بجهت آنکه هنوز عارض نمیکند نکرد کم
میخورد و در بین جماع و ساعه و فتنه که شیر را در من میخورد و چندین دفعه
را احت میبکند پس بعد از آن اگر فتنه باشد و فتنه شیر را در ما را زانو کند
اما اگر شیر زیاد خورده باشد بخور میبکند و فتنه که با بدو از او رموی خوب
تفرج میزند تا فتنه که شیر را فراموش نماید پس از آن برای خواب و حالت نوزاد شیر
دادن را منظم و عدد و فتنه که از امین نماید بجهت آنکه منظم کردن و فتنه
فتنه که از برای منظم و از برای منظم و از برای منظم و از برای منظم و از برای منظم
مدرک که در منظم و از برای منظم و از برای منظم و از برای منظم و از برای منظم

مطلب

de la quantité
du lait donné
aux enfants.

در تغذیه نوزاد و شیر دادن به طفل

۴۵

که طفل و ذایه در شب مان را حتی در وقت بیداری بود که استغناء از
 طفل را به پستان گذاشت که در کمال میل و کمال پستان را بکشد و غنی از شیر باشد
 میخورد و خوب پستان را نمیکشد و فی الفور بزرگتر شود و قنیه طفل را بداند
 مرد فیه زیاد شیر میخورد و با بد شکم آنرا که کرد یعنی که سالی چهار مرتبه
 در روز و یک الی دو مرتبه در شب بیشترند و در این وقت است که قند به طفل
 خوشی و حال خوشی دارد و در زن و خوش خلق و خندانست و خواب خوش
 اما وقتیکه بیکر از پستان باید شیر را که کرد و نمیدکد سببیکه تغذیه چیز

برفغان کوشید

مطلب دوم

در اینکه چه هنگام با وجود خوردن شیر طفل
 غذا باید داد اگر گفت و گفت شیر خوب باشد بکمال تمام بجز شیر چیز دیگر ندهند
 بجهت آنکه شیر غذای است که طبیعت طفل است و اسهال ما بین غذای حیوان و نباتی
 دارای مؤلفه است که نوزاد با آنها نمیکند و از باب مهولت مضم مناسب است
 و در اول طفل این چیزها تمام مقام آن نمیشود بعد از یکسال شروع به غذای
 اغلب و ماه پنجم و ششم از باب که شیر نداد و لازم میشود که بطفل چیزی غذا
 بدهند و از وقت اگر بشیر را به شیر کاویکه ماه اشهر اخل کرده باشد و غذا
 نمایند که بکتاب و تغذیه میکنند چیزی غذای سبکی هم بان بفرمایند

مطلب سوم

و قنیه میخورد و شروع به غذا کنند با غذای
 اختیار کنند که مناسب حال طفل باشد و مفسد شیر نباشد و بهترین غذا
 برای طفل شیر خواره آب کوزه و قنیه است که جزیان را اخلان کرده باشند
 بجهت آنکه طبعی که در این زمان باید بشود شده است و سریع الحضم تر است و آنکه به
 آب کوزه غذای شیر خواره کرد که سبب شیر را بان گویند و بعد از این چنانچه در
 طریقه تا سعه هر که میشود و قدری شسته و ترکی و تا بپاک و شل آب اینک آرد

Epoque de la
 nourriture dans
 une enfance pour
 avoir l'indigestion

Commencement
 de la nourriture

برین طفل از شیر

۴۶

سبب منبری اخلان آب کوزه بد مند با برنج و آب است که بیکه بجهت آنکه
 شیر را اخل کرده بخورد و اندوختن با تمام آنها که گفتیم که کرم نباشد و شش
 ماه که گذشت ممکن است از جمله غذاهای آنها را آب کوزه متعارف را بداند
 از آن مروزه با یک در میان برای آنها خیره کرد و همچنین میتوان متعارف را در
 آب کوزه فرو برد و با آنها خورد و اینها آنکه شربت قند یکبار اندک شربت و آب بجهت
 باشند که کامی مدتی مان داخل این شربت قند قند تمام مقام شربت
 و این غذای سبکی است که در وقت تفریح با طفل میدهند

طریق شیر نامنظم در نظام — مفسود از فطرت است که دیگر

بطفل شیر ندهند و برای آن وقتی باید اخبار کرد که طفل در کمال سلامتی
 بخیر است و بخار و پیا نیز او را از شیر بکشد و در پستان که احتمال میخورد
 مریض شود و مریض شود که اسهال دارد و در وقت و با سبب بکشد
 (اسهالی که قبل از و یا معارض میشود) از شیر بکشد و اگر هم از شیر بکشد
 و دوباره بد مند یا مریض بانی بکشد و اتفاق کرده اند که طفل
 در پستان شیر بکشد و بخیر است از و در بکشد و مریض بانی بکشد و اتفاق کرده اند که طفل
 که در و تر از شیر بکشد و بخیر است از و در بکشد و مریض بانی بکشد و اتفاق کرده اند که طفل
 با هیچ و نه ای شیر فرهاد اند و این خدا عشاء نذر بجهت آنکه در وقت
 دندانها زود خورد و بعضی در پستان میباید چنانچه مذکور خواهد شد و بعضی
 با دندان متولد میشوند بعضی دیگر از پستان مادر و یکی را متعارف بکشد
 با لجه برای آنکه خطرات شیر و مریضی که در وقت عارض میشود بکشد
 صبر کنند تا دندانهای اولیه تمام مخرج شوند و وقت از شیر بکشد کامی وقت
 شیر گرفتن غذا دادن میرسد و مریضی که بطفل میدهند مضم نمیکند و در
 در و مریض میشود و اینست که مریض او منور شود مضم غذا نذر میخورد

اگر

De l'usage

شرح بکری از شیر

۴۸

اگر غذا نگیرد غلظت باشد که محال است موجب ذمما شود و در وقت بکری
باید اندک شیر بدهند که مدتی قوت بکند و بتواند غذا را هضم کند اما باید بگویم
اگر خیلی از موعده شیر گرفتن بگذرد باز شیر بدهند طفل از ثنویار بمباند نیل و
لاغر شود اینخوانهای او زرم مانند و مسعد کتانه (و استنبهیم)
میشود چرا که شیر بفرغد غذای نیست که کفایت بدهد و در وقتیکه میهند آنها
بجز آمدن طبیعت غذا مطلب بدینا بدیهه است شروع بدادن غذا اگر ندانند باز
شیر بکشد که هر قدر غذا را بیشتر میکند شیر را که کند و که که شیر داد و شیر
موقوف کرده و در بین روزم از دفات آن بکنا منبذ از مقدار آن که کند
تا بکلی قطع نماید شیر گرفتن بعضی اطفال خیلی مشکل است متصل کرم بکند
پستانها میخواهند را بچالک که بداید و اما تلخ و بد مزه مثل تنور استنشین
و جنطیان را صبرزد و بر پستان خود بمالند که دیگر پستانها را نکند و همینکه طفل
از شیر بکشد و قیاس بدهد و دادن گوشت غذا های قبل غلظت نکند از غذا
اگر و نبات و ندریج گوشتها و طعم و غذا های حیوان بدفند که موجب
محرک و در معجزای تغذیه شود

نام
دلت که در شیر
قد و بنا بر این که غذا را
گرفته و شیر بدهند و غلظت
بوز و سحر و آردی و
جوان و نبات که قند
ندارد و کسد طفل را
لا بد باید غذا را کمتر داد
قد و باور بیک قدر را
ناور بد
علی

Genage rule
tunant aux
nourices

حالت فطام نیست بلکه هر قدر کمتر بطفل شیر بدهند بدتر می شود
تا وقتی که بکلی قطع کرد شیر تمام میشود اما کاه می یابد و وجود فطام شیر و که نمیشود
در اینجا باید هر روز صبح کل ذر فون را تلخ کرده یک قاشق آتش خوری
اکبر بکوی نبات و اخلان کرده بخورد با یک الی و بطریقی بدهد و اینها
شیر است و منبری بتوشد

طریقۀ سحر -- شروع و در گرفتن از شیر باید بنحوی باشد که
مذکور میباشد شیر اندن صبح را مبتدیان چند قاشق شیرین نماید و در
اول از غذای بدینا در کرا منبذ دارد و هیچ چیز غیر از شیر خود نمجواید اما نباتا
باجالک

غذاها مناسبت طفل صغیر

۴۹

باجالک غذا را در طولی نمیکند که طفل را نخواهد خورد و بدین معنی که اگر
در همان ساعت فرزند را باز ندهند غذا صابا بدین فرین را ممکن است ازاد
کند و با جو و غیره با چنانچه مذکور میشود ساخت بمباز پخت ارد و اخلان کند
و با اقل نبات ملائم که ذیاد بخار نکند با آب یا با شیر بپزند و در وقت اول
چهار قاشق آتش خوری بدفند که فرزند را بپشد و در روز چند قاشق نبات
چند که گذشت روزی و مرتب از آن فرین یکی صبح یکی عصر بدفند تا
که گذشت یکی صبح یکی ظهر یکی عصر بدفند و از این آرد و فابض آنها
بجری با قند که با با شیر یا رشته فرنگی یا مغز سیب زمینی یا با بکنا نبات
اغلب اطفال مرق گوشت کاه و با جو را خوب هضم کرده بضرر دیگر آنها
خوب هضم نمیکند و ای آنها مثل مایه می شود با عصاره حقیر غیر از اینست
برای آنها چند مرق و طریق بخن و عصاره ککر در میان کنیم

Allimentation
preparant au
servage

فرنی منعابری

این
یک قاشق آرد کند مراد و چند قاشق آب سرد بپزند و که که شیر داخل کنند
صنطور بزنند تا بصد شغال برسد و از باقی ملائم بجوشانند و متصل
بهم زنند که آرد بقعر ظرف بچسبد فاسد شود انگاه چند حبه قند بان
بپندازند و قدری نمک هم داخل کنند و معقول دارند

فرنی از جو

طریقۀ تهیه آن مثل فرنی است و میتوان از این قسم تهیه نمود
یک قاشق آرد بچند آرد و قاشق آب سرد مخلوط نموده ذیاد بزنند که کاه و کاه
نشود پس صدمه شغال بکوب جو شان داخل کرده تا نیم ساعت بجوشانند متصل
بهم زنند که غلظت شود و در وقت هر قدر از آن میخواهند بدارند و ظرف دیگر
در آنجا که در شیر بکرم بپزند که روی آنرا بپوشانند بزم بزنند بچند

بیکه
کند و با نبات
مجنونند و این قسم قند
بکونند و در وقت غذا
از آن شیر بپزند و با
بپزند که در تمام مقام
بپزند با جو معقول با جو
در تمام مقام با جو
بیکه از خوشایند
چند قاشق

طریقۀ تهیه آن مثل فرنی است و میتوان از این قسم تهیه نمود

غذاها بکریک بکند نظام را ببرد

۵.

در این قسم عنبه هم ارد بخوبی بچند مینشود و هم شهر مدتی نمی جوشد که غلیظ
میکند بخوانند از ارد برنج و ارد عدس و نایک و غیره فایده بپزند میتوان بهین تمام

ارک شیری *Farine lactie.*

نان سوخا در کوبیده داخل شیر کنند و اگر میخواهند با پستانک بدهند بک
از انرا دره قاشق آش خوراک اگر میخواهند از ان خرف بپزند پنج قاشق آب
داخل نمایند و در دقیقه روی آتش بگذارند تا جوش شود و بپزند

راکا و عزیمها *Racahout des Arabes.*

شکر کوبیده کاکا او کوبیده منسجم میسازد در برنج قند سفید مسخوف
شکر بک با زایل میسازد و بلوط شیرین کرده بوداده کوبیده از همه اینها
فرغ با آب یا با شیر طبع نمایند از باب است که خوش تر است و در وقت بپزیدن بپزند

ابگوشت نان *Soupe au pain.*

پوشانند از اندک کره بمالند و در روی آتش بپزند و از انرا خود بخورد
کنند و در ظرف کدازده افتد و آب بر آن بریزند که در آنرا بپوشانند و میسازد
بپوشانند کنان خوب بچند از هم بپسند و شکر بپسند و قند و نمک داخل کنند و بپزند

لشکر شیر مرغ *Saint de poule.*

دوده تخم مرغ آب کمر شکر سفید عرب چهار نارنج دوده نمک
ادانه بلبله ه شغال امشال نیم نایک کربا
برزند و شکر و بهار نارنج داخل کنند اطفال از این خوراک روزی سه مرتبه بپسند و از روز

انگوشت جو جگر *Bouillon de poulet.*

جو جگر را که پوست و کوزه از ان گرفته باشند قطعه قطعه کنند و در صد مثقال هم
کوشک و بران بپزند و نمک بپزند و در چهار صد مثقال آب زوالی
در ساعت

غذای اطفال صغار

۵۱

تا غش بپوشانند هر روز وی از انکه موجب نفوس و اسهال بشود بپزند
و با پارچه نازکی صاف کنند و بدهند و اگر بخوانند از ان شود برنج نایلون
با جو مقشر و نان بپوشانند و از انرا بکند و بپزند بشود بخوراند

ابگوشت فوری *Bouillon d'urgence.*

مرکب ضروری فایده شود که تعجب داشته باشند صدالی و شب مثال کونا
خوب بپزند و هر شیری که میل نمایند بپزند که حاضر کرده باشند که زاده
چهار صد مثقال آب بپزند بپوشانند نان یک ثلث ان بمالند تا کنند در کمتر
از یک ساعت بگوشت بسیار خوبی حاصل میشود

فشرده ارد کدو شیر اسهال *Bouillie de la farine de sili pour la diarrhee.*

یک پلرد را در پارچه و بچند دو و در جوش کرده کلوی از بار و پستانی بپزند
و زاب جوش انداخته و از سه ساعت بخوراند و بپزند و از سه ساعت بخوراند
سخت و زانده و از سه ساعت بخوراند و در وقت بپزند و از سه ساعت بخوراند
بچا مثال شیر بپوشانند تا بچند شود و اسهال و در وسط انرا بپزند و از سه ساعت بخوراند

فشرده عدس با شیر *Bouillie de lentilles au lait.*

بکشد یک قاشق آش خوری ارد عدس و کمتر از یک قاشق ارد کدو و فشرده
مثقال شیر اول را در هار با کمی از ان شیر مخلوط نمود و زاب بپزند و قند کنند
نمک داخل کرده و در ظرف و بچند سه مرتبه بپزند که از ان که بپسند شیر را
و بچند و بچند و زانده و دقیقه بپوشانند اگر لازم شود میتوان با نان
قند و زرد نان برداشتن با ان اضافه نموده بپزند و بپزند و بپزند

شیر برنج *En riz au lait.*

س قاشق آش خوری برنج زاده و در صد مثقال شیر و بچند بپوشانند و بپزند
تا بپسند بپزند و فشرده بپوشانند و از انرا بکند و بپزند تا بپسند
انرا

47

فرہنگی غتبہ نمود

اب بروکج

De la corneille au lait.

De la viande crue

fuera de mi ante o sea.

Le Candinge.

41

52

فصل سیم

de l'exercice et du sommeil.

ملاحظہ اول - در نظام اطفال و دوران چہدہ میثاق

مبحث اول - از زمان تولد باید بر حسب حال طفل هر روز با

2000

Levages quoti-
diens de tout le
corps

پوشاند و کمی بدن او را بمالند که گرم شود (۱۰ تا ۱۵ ثانیه) میگوید شستن مایه

گورده که اصل در صفت طفل است پس نماید را و ایل خدی بنم کرمانشاه

کرم باشد ماسخ بقوله تمام بدن زار و حالش که از بهر صدمه و عکسند

می بینند در مینه اول طفا ^{کمی} قرار می کند ازان مشا و نه می کنند اما اگر

شست شورای اطفال اصفهان لازم است با اعتبارات اداره مطهره مطهره

سیرتے ہوئے ہم ان کے ہاں دو آب و حوض پرورے مہر پرور پرچہ پر

در نظام و پاکیزگی اطفال

دهند بعد از چند روز که کرم کوزند غارت میکنند و این کرم را با زردی و زردی
انها میشود و در مدت این شش ماه را میخندند و بقیه را در اگر اسهال بقیه
ممنوع بود اطفال همیشه ساله و از اکثر اوقات محفوظ میمانند مانند کلی
شست شوازی است که دیگر عرق زیاد نمیکند و مواد را آنها اثر نمیکند و در
سرکام و مشاغل آنها میخورند و از بسیار از امراض مثل امراض جلد و حالت
صرعی و زکام و زلزله و ذات الحجب ذات الریه محفوظ میمانند و چند یک میکند
قوی میشوند و صحت عموماً پیدا میکنند و در این ماه غوازی استمالات آب سرد
بمورد مردم ممنوع واضح شده است و غیر این اعمال است که مادران را با برادر
ممنوع میداریم و در بار برادر یاد مقدار اول شده است قلیق برای اینکه
مادر غار امشش کند طفلی که از استعمال آب سرد بکمال قوت میرسد و بهر
نشان مبدی پس باید بجز این استعمال کرد و در حقیقت برای پیشگیری
و حفظ صحت اطفال غیر اینها نیست بخصوص در اطفال ضعیف لطیف
ساکین شهرها را این میتوانند مفاصل را غلبه غایتها حفظ صحتی که در پیش است
شوی بکند مبادا این را از اعمال بسیار نیک است اسباب جلد حفظ صحت
میشود و اگر کسی تواند خوبت این عمل را در تمام عمر میکند

مختار و کبر - در پاکیزگی آنها - هر روز باید بر طفل دانه

و شست شو کرد و مامون پاک کن زد غالباً مادر چربا سبوسه خفگی در
در پیش سرانها ظاهر میشود عوام میگویند نباید از بر زشت و از خطا
که اگر از این بزدانند سبب دم جلد سر کجای پیدا شدن طبقة کلفه میشود
که در زبان جلد پیدا خواهد برای برداشتن آن باید هر روز صبح و وعین
زینوز ببالند و بکافی و مانع بکند از آن با مامون پاک کن بکشد و این را
بردارند و با آب بشویند و همیشه مواظب پاکیزگی سر باشند و بعد از چند

دند

Enlève de la tête.

شستن صورت اطفال

ده روز خالت طفل خوب بخورند و در آنجا نکند و اندک بکشد و بکشد و بکشد
جلد شست و شستن کرده آنها را ضعیف میکند و از اینها باید بپاشی کنند و بکشد
ببرها فندجها بپاشی بعضی مادران غرض از این میکنند برای صحت مغز است
باید آنها را با پاکیزه نکند و شستن کرده مایل بر و عینا سار و نریا شستن
با مطبوخ منقود و بون و قوی و غیره را رفع نمود و اگر آنها مایل نکرده و غرض
خاکسری داخل کرده ببالند بکلی میپزند

Enlève de la figure

مختار در شستن صورت طفل - باید تمام اعضا شست

و بینی و چشمها و گوشها را پاک کند و بشویند بعضی بلبغا غلیظ در بینی جمع
میشود که سوراخ بینی را مسدود کرده نمیکند و انداز بینی نفس بکشد و قی
شیر مبدی هند ناچار دست از او گرفته کرم میکنند و مواد مضطرب میشود
و هم ناچار میشود همیشه از حلق نفس بکشد راه حلق خشک شده موجب
حلق میگرد پس باید با کمال دقت آن بلبغا را خارج کنند و در گوش نیز با
جمع میشود که مجرای ظامی گوش را مسدود میماند و مانع از شنوایی طفل
گشته کرمی موقه غرض میشود اگر چه این کرمی موقه است و قی بزرگ شد
بجامد رفتند و ناخ شسته شده خارج میشوند کرمی دفع میشود اما ممکن است
مدتی بماند ملتفت نشوند و طفل همینکه نشیند تکلم نمیکند مدتی از اینها
پس باید با رجه لوله کنند و بملا بپشت داخل گوش آنها کرده پاک کنند
با پاکیزگی پاک کنند

Propreté de la figure.

مختار در پاکیزگی پاهای بچه که بر سر پاها عینا

اطفال میبندند بپایه و پاهای و قشنگ این پاها را از بول یا چیزهای دیگر بپوشانند
فقط آنها را میبندند با این پاها را نشستن و ایستادن آنها را عوض کردن
در پاها را میبندند بپوشانند و اگر در پاها را با آب بشویند و و قشنگه

در کتاب

خام اطفال

۵۶

و خنجر خود را الود میکنند تا بدانها ناکند داشت و آن الود شوند با آنها
با کنارهای پارچه که در دانهای ببال کنند بلکه تا بد قطع ابری
در آیین کرمی که در آن اندکی (ای کلنی) جوهر اسطوخودوس ریخته
باشند و بره آنها را بشویند لباس آنها را دوسه روز یک مرتبه عوض کنند
اگر در شلوار و زیر پیرهنه پوشیده اند آنها را از دتر عوض کنند برای
آنکه بول و رازها را بدین آنها نشد و مؤثر خطری شوند با بدن آنها را غارت
ناد بروی لکن تکامد داشت و زمان طفولیت این عادت خیلی کمال است
باید بطور منظمی آنها را غارت داد که تخلیه کنند با یک روزی و سه مرتبه
انها را بروی لکن بزنند موضع آنها که الود ببول و براز میشود قطعه ای را
با یک طرفه بریده و در دتر بشویند

Deo brains

لحاظ دوم در خام اطفال مقصود از خام شستن طفل است
تا بر سگومنه بدن بمثل جملها ابراز که بسیار کرم و مرکب از چند ماده
متفرق است که آبغالب یا چیز دیگر که میخواهند طفل را بان بجا بزنند
ظرف کوچکی با اندازه طفل ریخته در اطاق کرمی برده بمیر و کعبه که میخواهد
کرم کند اول قطعه ای کرمی بر کرده تمام آن قطعه را با لندین و او را در آن
ظرف فرو برده بشویند و هر قدر میخواهند که داغند و او را خشک کنند
و فلانی بگوید او به پیچید و لباس او را بپوشانند و مادامیکه بدن او خال
نشد او را بچون شربند و نکند و بدین برود اول با بدن او را با قوت باشد
و حار و خام متفرق باشد مثل خال بدن باشد و باید همیشه تر مظلوم کار باشد
برای اینکه بطور تحقیق در کرمی را بکلمه شود که سهولت شود اگر چه چند
هفته بزم باشد که در اول اسباب خطر است هر چه طفل کوچک تر است
باید از احتیاط بیشتر کرد و مدت خام بپوشش تمام اول از پنج تا ده

دقیقه

لباس اطفال

۵۷

دقیقه و تند و بیج ناساز و نیم از بیست تا سی دقیقه باشد اما وقتیکه اطفال
چنانچه ذکر شد هر روز میشوند هفته یکبار خام کفایت میکند اما اطفال
کوچک را در خام نباید بخورد و گذاشت با بدن او به سرها را با یک دست نگاه
دست دیگر را بر منصف او انداخته باشد بلکه اگر هم بزرگ باشند و این بر منصف
مواظب آنها باشد و اینکه طفل را از خام برین او زدند باید فوراً او را خشک
کنند و با پارچه های نازک او را مالش دهند چند دقیقه و دست او را مالش باید
داد و یک روز گذشت هوا گرم شد استیاء میکنند صبح بسیار زود که شربت
بجام میزنند

لحاظ سیم در لباس اطفال آنچه را بپوشانیم در اول لباس نوزاد
در ماهیم و چهارم ممکن است در وقتها قیاتی که مناسب است از یک و لطافت طفل
باشد با او بپوشانند و جوراب بپوشانند و کفش کوچکی از پارچه نرمی که
مانع از حرکت و تویا نباشد و با زانم نزنند و آفت نکند بپای او کنند تا
شب و زامه باید تنه را با بدن چهار پنجاه بعد از تولد آن لباس را که در وقت
خارج کرد و شلوار نازک تر می مثل پیرهن بلند با و بپوشانند که خواب
را خفت کند اما چون در لباس بیشتر میپوشند و پیرهن او را بیشتر کف
و پرده روی و خنجر او را کلفت تر کنند که سر را بخورد و وقتیکه هوا سرد
نباشد طفل را عادت میدهند که همیشه سر برهنه باشد بشرطی که موی سر
بلند نباشد از مستین است لباس را باید با قضا فیصل با و بپوشانند و فضول
باده لباس را بیشتر در فضول ماز کتر کرد باید دانست که حوزت جوانی
دو زمان طفولیت خیلی کم از زمانهای بگوانش پس باید در لباس آنها
خیال ملاست کرد که بدین شوند که آنها را بیک حوزت معتدلی که بدین
طفل که حرکت میکند باید لباسها او کشاد باشد که در هنگام حرکت آزاد باشد

و در وقت خواب
بپوشد و بپوشد

دشوار

ریاضت اطفال

۵۸

و فشار بر سینه و شکم او نندند از این جهت که لازم می شود لباسها آنها را ملایم
 عوض کنند باید در محل تخیل لباس عوضی حاضر باشد
نکات چهارم در ریاضت اطفال و آن بر چهار قسم است
 ۱^{ام} **قسم اول** در ریاضت هنگامیکه نوزاد متولد شده باشد ریاضت
 هنگامیکه در دماغش مانده و در او باشد که آنها را حرکت کند و دفعه
 دوم و سیم در دماغش مانده و در او باشد که آنها را حرکت کند و دفعه
 خاص برده بگردانند و هوای خالص بقدری برای نوزاد که از اکل
 و شیر بهر لازم تر است باید و دیگر مؤثر برای حفظ صحت از آنست که مادران
 مواظب گردند سخن و قوی میشوند و بکریتهای موافقه که موجب امراض میشود
 در آنها اثر نمیکند اما اگر ضعیف و لاغر باشند و هوای سرد خیلی اجتناب
 کنند و قوی میگردانند آنها را بهرین ببرد خوب پوشانند و اگر شکایت
 میکنند و هوا با آنها از آب نمیکند بر بدن بچرخانند و در میان خانه آنها
 و بگردانند و این ریاضت همان طور که برای طفل مفید است برای
 دایه هم مفید است زیرا که شیر او را خوب میکند
 در ماه چهارم و پنجم عظام و ریاضات و عضلات اطفال منور چنان قوی
 نگردد که آنها را بخود واکندند که به نشینند با بیاضی و بخیل تنگینی
 خودشان را کنند پس باید در این هنگام ریاضت خیلی خفیف باشد و مختصر
 بشود تا اینکه آنها را میان اطاقها باجا بکند و او را داشته باشد بگردانند
 باید طفل بطور افقی بر کتف دایه بخوابد و کافیه از برای این کار می
 آن وقت که دارد درین شدت است که بعضی از اطفال که این احتیاط را در
 آنها نکرده اند و فصل زبان با یکی از مفصلها آنها خلع شده و مرگه قبل از آنکه
 احتساک طفل صلب شود و باور ریاضت قوی بدینند بسیار مناسبت میسر موجب

اطراف

ریاضت طفل صغیر

۵۹

اطراف نافه و ستون فقرات و حتی بطن معده و ریه و قلب میشود
 پس از ماه چهارم و پنجم نیز طفل قدری محکم میشود و میل دارد که با چهار دست
 و پا راه برود و خود را بر زمین میکشاند و میخواهد بر خیزد نمیتواند باید از او
 بمنزل او را بگیرد و بلند کند اما نمیتوان تا ماه و دوازده هم تا نوزده هم که میتواند
 خود تنها راه برود و او را بخود واکنداشت در زمان اول طفولیت بواسطه
 نرمی عضلات اطفال و متاثر شدن آنها از اشیاء خارجی باید زمان تفریح
 آنها که باشد یعنی از نیم ساعتی یک ساعت بیشتر نباشد و بعد از آن که
 زیاد کند نباید چشمتها اطفال را بر رویشان بگذارند بخصوص با شعله نورانی و آتش
 یا با آتش آفریننده انداخته بچشمه آنها که اجزای چشم در این سن بسیار نازک
 و نمیتوانند متحمل چنان تحریکی بشوند چشم ضعیف باشد میشود و اینها را
 بسیار مریضی است که باید بکند بجهت اینکه زبان و اتفاقا افتاده است که چشم طفل
 بدون آنکه علامت در گذارنده فاسد شده است باید این احتیاط را در
 در قوه سامعه کرد که صداهای بلند نشنیدند مثلاً صکای قوی تفنگ دفعه بکثرت
 آنها نرسد که مکرر دریده شده است که موجب آزار صریحی گشته است
قسم دوم و قوی که خود شروع بحرکت میکند باید یک مدت از روز او را
 بر زمین یا بر روی فرش یا بر روی مفرغ را اگر خوب خشک باشد بگذارد
 که در اینجا بمنزل خود حرکت و باز کنند و هم خوب کمالی از او کالک کوبند
 گذارده بگردانند و بعضی گفته اند اگر آنها را بخود واکندند برای اینکه بر خیزد
 و شروع راه رفتن کنند ببالش ضعیفی باشد خیلی مناسبت از آنکه آنها را از
 بکالک کوبند که اگر در این بینند و بگردانند چنانکه بکالک سینه آنها نشود
 شدت آنها را لا مبرزد و بواسطه فشار دماغ خود در سر آنها جمع میشود
 و در آن وقت که میتوانند بپایند و خود را بکند بر زمین بکشد

2^o *Quand l'enfant commence à se mouvoir de lui-même*

میکند

حرکت و تیز انداختن اطفال

میکنند و فتنه میخوانند بر پا میباشند با بدیهی کرد که راه بروند ملا خطه
انها را داشته باشند و چیزی که اسباب بازی آنها باشد بدست گرفته نشان
بدهند که بطرف آن میایند یا بدتکیه میزنند یا آنها را بر زمین میگذارند
و فتنه میخوانند میفهمند بان تکیه کنند و این حالت اگر آنها را بخود واکذارند
همچو تری دارند و بدیده شده که خود طفل قهقری حرکت میکنند که صد مه با واد
میباید و از بسیار بداند و فتنه اطفال میخوانند و از بروند بازی
انها را میگیرند چه قوتی که برای اینکه خودشان را بپایانند و از بروند
که میشود و این برای آنها خیلی مناسب است شخاصی که مواظب اطفال هستند
میخوانند آنها را بردارند و با بازی آنها بگردانند و بلند کنند بجهت اینکه در
طفولیت دست پا و استخوانها ضعیف نمانند و بزرگ استخوانهای آنها خلع
میشود و میفشند پس فتنه میخوانند آنها را بلند کنند باید و دست در زیر
بغل بگذارد و طرف پشته آنها بگذارد و فتنه آنها را بلند کنند آنکه بنه از سر
طفل میگیرند و فتنه بلند میکنند بسیار بداند بدیده شده است که این بی احتیاج
موجب هلاکت باشد

فصل ششم در مسکنه اطفال شروع کردند که نه از راه بروند یا بداند
و اگر داشت اما بآن نکیهان غافل داشته باشد که ملتفت آنها باشند از اینکه
میانند با دست پای آنها میفشند آنها را میزنند اگر چند فتنه میفهمند
خود ندارد بلکه مفید است با طفل عادت کند که بقوت خود بلند شود
این صدقات خفته که در بین بزرگ با آنها میرسد ضرری برای آنها ندارد
فصل هفتم در مسکنه طفل میخوانند آنها را بروند یا بداند بخود را
گذاشت در زمین در فضا بزرگ بی شش ساعت بازی کنند چنانچه
مقتلاند گفته استقامت بجام هوای مطول نمایند و مودق انرا میگویند
دارند

5. Lorsque l'enfant commence à marcher seul.

6. Quand il est seul à marcher seul.

رباض طفل صغیر

دارند که اسباب حفظ صحیح است که طفل بان محظوظ میشود و موجب نشاط
و تجدید خیره او میشود و این بنا بدیده و صبح بسیار زود و عصر برپایی
وقت غروب در هوای بسیار سرد و بسیار گرم شود اگر آفتاب گرم نباشد طفل
در آفتاب بگردد اما اگر گرم نباشد در مواضعی که آفتاب بوده و رفته است
گردش میدهد و باید وقتیکه طفل بازی و گردش میبرد چند طفل هم تن با او
بزنند و با او هم بازی نمایند و حقیقت حفظ اطفال با بست که با یکدیگر بازی
کنند هیچ چیزی مثل اینکه جمعی باشند و با هم بازی کنند موش آنها را زیاد و
خلوا آنها را خوش میکنند همینکه تنها مانده و بخورد و خورد و غریب افروش
و خورد کشته نمواند بنا خرم میمانند و موجب عادت های بد آنها میشود باین
با اشخاص متن برای طفل قائمه ندارد بلکه موجب خلل و بروز کردن
کمالا طبعیه و نفسانیه او میشود محق است که هیچ حفظ صحیحی برای آنها
مثل رباض نیست اگر مصاف با شد با خود و غذای مناسب مزاج آنها
محکم میکند و با غذای بد میمانند و در سال اول جوده این تدابیر
و رعایتها که هنوز زمان قابل انحصار اند خلی میورند و همچنین این تدابیر
اینکه قوای نفسانیه آنها بروز کند و قلب آنها قوی گردد و لازم است **پلوناک**
میگوید رباض بدنی برای اطفال بسیار مفید است باینکه قوت آنها را زیاد
کرده و صفت و صورت آنها را خوب میکند این مزاج و ترکیب خوب جنبه که
در زمان طفولیت تحصیل میشود برای زمان پیری بلیت خونیت چه در
موها خوب ملام با بد فتنه و در طوف نماند و در طفولیت باید برای آنها
مزاج لایق تحصیل نمود که میپیری برساند

کتاب پنجم در مسکنه اطفال در شش هفته اول میخورند و میخورند
مضم میکنند و حقیقت منکته که متبیه سیدار میشود و برای این حکام عاده میباشند

خواب اطفال

۵۲

باید طفل را بحالت طبیعی خود را گذاشت که بخوابد و هیچ زحمتی نداشت
اگر وقتیکه طفل بیدار میشود و خسته است و خندانست باید بقیه کرد که باندازه
خوابید و زیاد خواب است اگر در بیداری ضعف و خستگی ندارد و بنا بر این طول
بیشتر مضطربند و او را بزور خوابانند هر چه عضا طفل بیشتر نمومسکند
موت او زود بآید و پدر و مادر حق که میکنند او را نمیشاید برای او عادت منظمی قرار
داد که چه قدر بیدار باشد و چه قدر در حالت کسود و این بیشتر تدبیر است برای
خواب طفل پس باید ملامت غایتی که بیشتر از شب منتهی از روز را بخوابد این
خواب برای خالت و صحت مزاج طفل بسیار مفید است از آنوقت تا بیکالکه
باید شریک و زنی و مناعت بخوابد و از آن وقت که خواب بیدار
موقوف کند و وقتیکه خواب و زور موقوف کرد و بیدار باشد و خوابانند که او
یک ساعت از شب منتهی قدری که گذشت و ساعت او شب گذشته بخوابانند
تا سن هفت سالگی اینها را بجزی دارند طفل را و آخر از بوسه گرفتن
زیاد و بزرگ و زود بخوابد و بیدار شود و بیدار و از آنوقت تا بیکالکه
منع کرد که یک ساعت قبل از خواب خستگی آن دفع بشود که خواب راحت کند و بقیه
گذارد و وقتیکه طفل خوابید و اطراف او صدا نکند و بعضی دیگر گفته اند
که باید او را در جایی خوابانید که صدا را بجای باشد تا عادت بکند اما چون
بنیان اعصاب طفل بسیار حساس است اگر صدا خیلی زیاد و بلند باشد و از
خواب بیدار عوارض خطرناک نشیمنها را تمام عوارض آن میشود پس
بجای آنست که در جای که صدا زیاد نشاند و از آنجا خوابانند تا بیکالکه
که تا بیکالکه خورد و خوابانند و بجا آنکه صدای غایتی که شروع نمیشود
کرد است تمام و منقطع شد خواب بیدار و بیدار میشود و بیدار و بیدار و بیدار
و معطوح خفاش را که برای طفل تمام و بیدار است از آنجا که

مشاعر

رنگ و نند اطفال

۵۳

مشاعر از آنکه در بیداری ضعیف میکنند و هم نباید و اطباء طفل را با تمام مظهر که
اثر بزرگ و اعصاب را در گذاشت که موجب عوارض خطر میشود باید تمام اجزای
در خواب را فراهم و زود بیدار شوند و خیلی بیکره نکه دارند جنبانیدن کا موار
نیز غایبی مینویسند یعنی از مانع کرده اند اما وقتیکه آهسته بجنبانند و آهسته بخواب
ضری که گفته اند نند از آنجا که بیدار است که او را عادت بجنبانیدن کهنه

ند میدهند

فصل چهارم در رنگ و نند اطفال و احباب آنها بیکه در آنوقت

باید کرد و عوارض که در آن بین عوارض میشود و در میان است -
بنیان اول و در سن دندان مربوط است بنوع اعصاب اطفال طفلانکه
مزاج او خوب است این صکارا بیدار و در خطر میکند اما اطفال ضعیف از
با آنها بیکه حفظ صحت میکنند و بیدار و نند آنها خطرناک نباید و از
اختلاف که ناز متولد میشوند دندان نند و دندان هم لازم دارند بیکه
شیر بخورند و عضا آنها هم مستعدانکه غیر شیر چیزی بگو بخورند و نند دندان
گذشت که دیگر شیر کفای آنها را نمیکند و باید غذای بخورند که آنها را بجای دندان
وقتی دندان بیرون میآورد و از بابت آنکه در بعضی زود تر ظاهر میشوند و در
بعضی دیرتر که نمیتوانند بطور محقق هنگام دندان نند را معین کنند مثل بیکه
بعضی اطفال با دندان میشوند (لونی ۱۴) با دندان متولد شد و بیدار
نیز با دندان نیز متولد شد و در بعضی دیده شده که دندانهای شیر آنها صلب
دندانهای شروع بریدن کرده اغلب بخرم از زود تر از شیرها دندان بیرون
میآوردند و دندانهای اول دندانهای غایب و دندان شیرین و بیست عادتند
مشاعر از آنکه در بیداری ضعیف میکنند و هم نباید و اطباء طفل را با تمام مظهر که
اثر بزرگ و اعصاب را در گذاشت که موجب عوارض خطر میشود باید تمام اجزای
در خواب را فراهم و زود بیدار شوند و خیلی بیکره نکه دارند جنبانیدن کا موار
نیز غایبی مینویسند یعنی از مانع کرده اند اما وقتیکه آهسته بجنبانند و آهسته بخواب
ضری که گفته اند نند از آنجا که بیدار است که او را عادت بجنبانیدن کهنه

و بیکه
طیایر در خواب
حواس بیدار و کا موار
باید بکند و در حرکت
مند و در میان است
مند و در میان است
کهنه بکند و در میان است
باید و از آنجا که بیدار

باید و از آنجا که بیدار

De la premiere den-
tation, des sons
qu'elle reclame,
et de ses prin-
cipaux accidents.

De la premiere den-
tation, des sons
qu'elle reclame,
et de ses prin-
cipaux accidents.

و مشاعر

در سوزندانیهای شیر

و مشغولند آنها را بچسباند و چکند و آنها را در دهنش و منقش شروع بخارج شیر
نموده و آخر بخار در سال و به و ششم بپرون میباشد و در سال منقش شروع بخارج
میکند و دندانهای ثابت شروع بر سن میباشد اما دندان و بیرون آمدن
یک قسم است چنانچه اول قواطع بیرون میباشد قواطع هر اول میباشد
تقریباً در ماه ششم یا ششم و دندانها با از آن اسفل خارج میشود و طولی
میکند که در دندانها آنها از آن اسفل خارج میشود پس از چند مدت قواطع
طریقه بخانی و فواید که آنها را ضو احک نامند خارج میشوند و حوالی ماه یازدهم
دندانها از قواطع کوچک اول بیرون آمدن و در این آنها وضو احک فاصله بر
دندانهای بزرگتر که خیلی طول میکشد تا بیرون میآید اما در میان
ثابت از قواطع کوچک بیرون میآید و این نادر است علی بنی خال بعد
همه آنها در دندان قواطع کوچک آخری خارج میشوند و این در سن و ده
سریالکی است از قواطع بیرون آوردن دندانها است قبل از اینکه دندان
بیرون آید تا باین زمان نادر شده است و در و با و جبر غالباً قاطع و قرقه
کوچک در زمان ظاهر میگردد و اینها بواسطه تحریکی است که در غشاء مخاط
و قافی ظاهر میگردد که میباید اختلال غامه بر این غلافان موضع افرو
میشود که طحال مضطرب و بواسطه معنی تحریکی که بر این غلافان افرو
و خوابیدن از احتیاج غامه و کوفتی و بعد از اینها اسهال شدیدی خارج
و میشود و این مشبه علامت خونی است و اما در آنکه خیلی زیاد نشود و طول میکشد
طبیعتاً به مضطرب شود و در تسنن بسیار صعب تره و قی و بیخوابی از آن
بعضی اعضا و حرکات و تعادلهای و تشنجه و خواب و بیداری و غشای
و تشنجه دندانهای آنها میشوند و کاهی صورت و چشمها و در میگردانند
غده کاعیه منور و بزرگ شده منقش میشوند کرمی و من و شدت خراش و تشنجه

در عوارضی که در بزرگ شدن دندانها میشود

موجب میشود که طفل را با دهنش بخورد و از آن میگذرد و هم ممکن است یکی از اینها
است که آنکه اغلب عارضی بیرون آوردن دندانها میباشد
باب اول در خطر تسنن و تغذیه بحفظ و دفع آنها - اگر تسنن
خطا است طبیعتاً عارضی میشود اما چون تمام بزرگ شدن تحریک میکند سبب
خرفت که اگر در وقت بزرگ عارضی میشود بزرگی بدو آنکه تلفت شوند دفع
میشود موجب عارضی میشود و در این تسنن عارضی میشوند خیلی شدید
و با خطرند پس تحریک مخصوصه که عارضی است از غشاء مخاطی است و این
عسری پس بدینها این عوارضی در حفظ حسی است که از زمان تولد که باشد
و در اوقات هم بکشد بخانههای تحریکهای و در بزرگی برای این عوارضی است حفظ
صحت و واضح میکند چنانکه دندانها طغیان که بموافای سبع نمیشود و دندانها
قوی آنها میشود و خطر تسنن آنها شد بد میشود و احتیاجی که بشرطی که
ذکر کرده ایم غذا میل نمیدانند و عارضی میکنند و در موافای سبع نمیشود
و در باضت متعلق اند و در لحظه سائر شروط حفظ حسی در آنها میشود این
خطر را نذرند اگر موافای باشد پوشش آنها را کمتر و اگر موافای باشد بیشتر
کنند و با احتیاط کنند که سر را نخورد و مخصوص در وقتیکه دندان میخورد و در
بیمه جز برای خالیان عصبها آنها خبر از آنکه دندانها در موافای خوبی تغیر کنند
نمیشود اگر موافای باشد بیشتر و بیرون میآید اما اگر سرد باشد کمتر میآید
که اغلب آنها سبب خناق و در مشرب و در مدینه و فلج موقت و غیره میشود و در
شد که بدو و در کمال شدت شب خوابیدن صبح که از خواب بیدار میشود
بانه او مانع شد که میباید در وقت بزرگی و دندانها بکشد و در و با یا حفظ
در وقت بزرگی و در وقت بزرگی و در وقت بزرگی و در وقت بزرگی و در وقت بزرگی
و در وقت بزرگی و در وقت بزرگی و در وقت بزرگی و در وقت بزرگی و در وقت بزرگی

Successus de
in dentitione
Moyse de la
dentitione

فلج میشود در پیرن انزایا و طواحن هر دله شده است و کرمها
بد باشد از احاطه خارج نشوند چون اطفال زیاد مستعد نرمی عظامند باید که
انها از بوی پانکاه نداشت که مباد استخوانهای آنها کج شود و در غذای آنها
باید قوت کرد از اطفال که بجز شیر مادر چیزی نمیخورند دندان نشان و دکان
آسانی خارج میشود اگر بدیه در بین عمل نشین شیر مادر میدهند غریب
غذای است برای صلاح شود اگر بچهل غذا میدهند خامدند منند غذا را
منابع سزیم الهضم بد هندی که حرکت نیابد برای تسکین بشیاعصیه حمام فیزی که
زمان آن بیشتر از قدر معناد باشد بسیار نافع است و بین نشین خون خیلی منهد
که بصر سزود و موجب کولسونا گردد پس باید هر چیز که باعث گرمی
و حرکت آن میشود از او دور کرد و باید هر چیز که اسباب شریختگی تسکین اعصاب
است برای او فرستاد و این بخودانی است بخود و نه کلرال میدزانه را و در عرق
غبار نارنج حل کرده با و خوراند از این واسهال برای اطفال خیلی مفید
بالمکن بوسه مزاج برای نشین بسیار مضرات نباید او را دفع نمایند یا بوسه
بواسطه آنکه خواص طرف کبرتر کنند نافع است قهقهه حراوت بلند زیاد و
لشها صوفه و زایمان زیاد شده لیل است بر اینکه زود دندان خارج خواهد
باید سر طفل را شریک داشته مواك کوچکی از اصل سوسن یا ریشه خطمی
بوسه کند بدکشت و زاده کامی و قد آورده بعل نموده کامی هم بوسه نان خند
که آورده بعل کرده باشند بد هندی بکیر و با با اسلشها زمان دندان
کل خطمی طبع کرده باشند بخوراند و قهقهه و سرخ و موضع دندان زیاد
و مصافقت با تمبر فام واضحی در دندان باید عمل بدی کوچکی که در دندان موضع جمع
دو پنج ملیه زنند تا بپند که اخراج خون موضعی دفع سخنی تنوع را کرده و جمع
دفع بکند کامی بپند ملک قبل از خروج دندان لازم میشود دندان را با نشین

در پناه طبعی و نفسانی اطفال

de l'éducation physique, morale

et intellectuelle
à travers la langue
la structure, jusqu'à
l'acte de l'écriture.

Sci. methods
in general

در غار ان طبعه نفسانه و شعور به در و به زمان طفولیت که همکار اصل
ترتیب است بلکه نابدا و زمان نوکده هم کار و فساد را بنده عادات خوب بکشد
اول در عادات بخور کلی — جمیع حکا و علماء متفق اند که عادات
اصل و بنیاد ترتیب صفات است باید از اول طفولیت مواظب شد که عادات
طبیعی و نفسانی و شعور به آنها بنکوشود و نگذاشت عادات بدی اخذ نمایند
چه وقتی عادات بد وقتی عادات بجا اخذ کرد بد بزرگ کردن بسیار مشکل است یکی از
میکوند بجز عادات بجز عادات نکردن و خود را اسیر نمون است عادات
از اول داده و سهل الاحت و قلیل العددند اول عاداتی که طفل میکند عادات بخور
و خود را اند حرکت است اما هر چه بزرگتر میشوند متعدد تر و مشکل تر میشود پس
باید از اول عادات خور و ترتیب غذا و کیفیت تفریح آنها منظم کرد پس باید طفل
از اول بر بیجا خوردن غافل بیبایدند شب و روز مواظب آنها باشند کلمات خوب
با آنها یاد میدهند و بیجا غافلانه بطور و خور که منجر نشوند با آنها کنند تا بکلمه
غیر صحیح متسخنه نکند بزرگ کردن با حرکت بیک نمودند آنها را مبتلا به منع کنند که
عادات بان نکند البته مسئله عادات طفولیت حقیر نیستند افلاطون الهی
بطفل صغیر یاد کو چکی میا موخت طفل گفت چرا چیز کوچیک بمن یاد میکنی
اما از آن بزرگتر که عادات صریح باشد و قریب زان شد کوچیک نیست
مستند به عادات خوب کو بد که عیبها بزرگ ما از اول طفولیت است که آموز

اثر غایت از حفظ اخلاق

۷۰

لازم و مستند است که بواسطه آن تحمل تمام تغییرات و غلبه مواضع خارجی که برای بدن مضر بودند و موجب مرض میشدند متناهی و محدود و چنانچه از غایت مزاج و مزاجی خلک و لباس و کار کردن نکردن و خوابیدن و غیره فاکه باید که بخوبی آنها را چنانچه در قواعد حفظ صحیح بیان شده عادت کرده و از اینها اجتناب نمود با تجربه و کار. عادت یک موضوعی است که باید در حفظ بر مقدار متفاوت کرد و طریقه یکی پیش نهاد نموده و در قضا تغییر غذا و از مواد نوع رنگارنگ میهند پس اگر کسی ملاحظه کند می بیند می بیند چه قدر انسان بود که از طفولیت اطفا کند از عادات بد بکشد که میباید که هرگز نشد و بزرگ شدن ترک آن مشکل بود و بزرگ و بد بچندانی میباید که اگر میخواهند طفل قوی شود نباید از اجزای یک غذای منظمی کنند همه قسم غذا را و بدینند که همیشه عادت یک غذا نکنند اگر چه از این طریقه اول طبیعت او اغراض میکند اما که عادت میکند و اگر عادت همه قسم غذا کرده هیچ غذا را و ضرر نمیکند هر وقت از خواب بیدار میشود و میل دارد غذا را و بدینند سر بخورد که هر بخورد همه چیز بخورد اسباب قوت مزاج او میشود و منور که ملائمت پیدا و دارد نمیکند و که پیری این تربیتها طبیعت را اگر طفل خوب و قوی کند و اگر بدون ملاحظه تربیت او بکوشند عاقبت بسیار خونی خواهد داشت اگر خودشان نمیکند متابعت قول یک نفر طبیب بزرگ کنند که آنها را بجا ره طبیعت بیندازد و از طفولیت آنها بچیزهایی که برای آنها مفید باشد عادت بدهد و جسم آنها را در صحت و بشی میباید که عقل و شعورشان خوب بزرگ کند

(۳) اثر عادت در اعضا حس و قوای نفسانی و شعوریه
حواشی که عادت در آنها بیشتر از کرده آنها را که اثر میکند حواس را میزند که بواسطه آنها حالت شباهت خارجی را می بیند که توانیم زندگی کنیم

در حفظ صحیح آنها از وقت طعام تا خواب

۷۱

پس حواس ظاهر اند که اسباب ارتباط میان ما و ما و موجودات خارجی عالمند که عادت با آنها میزند و میباید که با آنها میباید که اسباب کمال آنها میشود و این مطلب بنفرد هم است که باید که در این فنست بهم بیان مکتوبات نمایم اما بعضی مطالب متعلق بان سابقا مذکور شد باقی اهم و در تربیت و در تربیتها و نفسانی و شعوریه و بنای میباید

فصل دوم

De la santé des petits enfants
et de leur éducation physique,
intellectuelle et morale depuis
le berceau jusqu'à l'âge de sept ans

در حفظ صحیح اطفال و تربیت آنها از زمان طعام تا وقت خواب
اول در صفات و حالات مخصوصه باین هنگام از حیث احوال - در این هنگام طفل خیلی نرسیده نمیشد و از این جهت از اثر حق طبیعی سرعت و خوراکش چون نموا و مزاج است عمل و فضا او و معده او بسیار قویست که حواس ظاهر در قوای باطنه و مشاعر اثر مخصوص کرده طفل بمشرب میباید بنای پرستیدن نمیکند چون مرچه می بینند بزرگ بود و برای او نازکی دارد اصلدی و دانستن و فهمیدن از این است که متصل میباید و چون در جرم میکند و این وقت است که جمیع محرکات زندگی را و اثر میکند پس از زمان تولد در او قوی موسک را سه مرتبه می بیند بخوابد و ضرر و میباید که خواهر خود را همراهی باشد بیاورد و بزرگ شروع میکند بچرخ زدن و فهماندن و بعضی استدلال کردن قوای نفسانی و شعوریه او که به ظاهر میشوند و همه یکدیگر مدد میکنند و در یکی از قوای انسانی را و بزرگ کرده ثابت و دائم میباید و باید بدو مواد با سبزی که دارد آنها را بخورد و در من و بکار اند و بطرف خوشی بنیاری کنند این تربیتها و البته برای آنها بسیار مهم و مفید است که قهقهه و را آنها احوال کنند و سرنگها عقب میباید اگر دانه او را شیر بدهد و دیگر شیر نمیدهد و فانی و نادان بود و از آنها

نمایند

نضاف با کیز و دیرین

۷۴

در آنوقت نباید بدینند باید مرصع که از خواب بیدار میشوند و متوقف که غذا
میخورند من آنها را با آب سرد بشویند برای اینکه دندانهای آنها محفوظ بماند
بعضی گفته اند صبح ناشناختن پناه از خواب آنها بوشانند که معده آنها را قوی کند
و هم بدین معنی که در دهن و معده آنها است بشویند گاهی بعضی پدر مادرها
بیرم بچان اینکه اطفال را نفوذ کنند با نه عرق و شراب میدهند که در
برای آنها تم واقعی است مگر در بدنه شده است استعمال آن در بطن و در معده
بعضی گفته اند یکی از چیزها شکر برای اطفال ساله مضرات است که وضع کند
برای تغذیه آنها فراموشند و ساعت برای غذای آنها معین کنند باید در
جای استراحت و مختلفه با نهاده و طریق محسوس کردن غذای آنها و در تغذیه
و موقت کی می شود با نهاده غذا بدینند مخصوص در وقتیکه این تغذیه موافق
سراج آنها باشد اطفال خودشان ملذذ حالت ندان خود نیستند باید آنها را
از شکستن چیزهای سخت مثل فندق و گرد و امثال آنها منع کرد و باینها
انها را پاک کردن چیزها بلکه در میانه دندان آنها مانده با خلل و اگر سخت باشد با
چاقوی استخوان سازون بپزد و از دهن

سهم وقت غایت که مربوط بین کیز و دیرین آنها — مثل شکر و شکر و

de l'homme de
propre

سایر لوازم طبیعیه و که در این سن لازم تر از ملذذات است باید آنها را بکشد
چنانکه مذکور نمودیم بگرفته بگرفت خود را با آب سرد بشویند ولی چون بدن
انها بیشتر قوت گرفته و بیشتر بگرفته اند میتوان چنانکه سابق مذکور نمودیم
آب سرد استعمال کنند و بیشتر در آب غایت که معوی با قوی و بجز در آب سرد
لوازم طبیعیه — باید اطفال را طاعت داد که در
از خواب بیدار میشوند و بول و براز خود را تخلیه کنند که وقتی در بطنی نشینند
نفاذ شود و برنجند از بطن برون بروند با خدنگار را بخوراند و همچنین

قبل

لباس آنها در این

۷۵

قبل از وقت بپوشانند که در این سن که مادران جمع میشود با دستمال پاک کنند
و نگذارند که مریضه با انگشتها بپوشد با ناخن بخراشد با جروح نماید

چهارم در لباس آنها — یا کیز و دیرین هم از لباس حفظ صحیح هم از نا
پاکیزه بودن و همچنین لازم است با چاهی سفید از قبیل پیراهن و دستمال
کردن و غیره را باید مکرر دوز و بزد کنند با آرد و صابون و خنجر از آرد
عوض کنند لباس آنها باید سبک و راحت باشد البته مگر مانع از خروج عرق
و عرق نشود لباسها خیلی گرم مخصوصا آنها که موجب عرق میشود برای آنها
جلد را ضعیف میکند و طفل را نازک و لطیف کرد و مواز را غایب میکند و بچه
اینکه قوت بگیرد عصبانیت و بزرگو و کامیشو از سبب بزرگ مریض بزرگ
اطفال که با ضایع بقا عود دارند و پوشیدن فلانل که لازم دارند و با ضایع
حرارت طبیعی بدن که منبر از جمع حرارت های مصنوعی است اما بعضی اطفال
لطیف که حرارت طبیعی آنها کم است باید پیراهن فلانل بپوشند و لیکن باید بپوش
لباسها شود و در هنگام تابستان فلانل از خارج کنند که مضرات بسیار است
کنیم برای بعضی اطفال پوشش زیاد ضرر دارد باید بگوئیم که طفل مرصع کوچه
تراست طاعت سرما کمتر دارد و باید از تاباننده که لازم است بپوشد و بدین
که بعضی اطفال چندین ساعت عرضه سرما شده اند اطراف نافه آنها با بچ شدن
و مرصع شده است که موجب خنجر و سردی شده است نباید در سرما کرد
کلفتی گرم که کردن و بپوشاند و در اطفال استعمال کرد که موجب نازک شدن
در مغز و بنگشتن بقلب کشنده موجب ضرر کلی میشود و جزایب آنها با بپوشیدن
کمان باشد و جزایب بپوشیدن مکرر در فستان بسیار مرصع ها جزایب
برای اینکه بپوشن نباید سخت می بینند و مضرات بسیار مانع از دوزان خون
ساقه میگردند و باید خیلی وقت کنند که کفش آنها سبک و راحت باشد و یارا

هر نشانند

در هوا بیگانه نشین میکند

۷۶

هم فشار دارد و توند ملخص کلام باید با سنانها طوری باشد که احسان از دست
سرمه نکند و خیلی سنگین هم نباشد که اغیار اخسته کند مانع از ریاضت آنها
شود باید در زمستان سینه آنها خوب پوشیده باشد و از طفولیت اطفال را عادت
بدهند که سر برهنه نباشند و مادامیکه سالمند مگر غما کو ناه باشد اگر سر را
نپارد و گرم پوشند خون بطرف سر نمائید و سباب همچنان و مانع کشند و هم خوب
تولید شیش میشود مگر اینکه مواجیل سرد باشد یا باران یا برف یا دود یا غما
گرم در غما بیاید که باید سر را بیوشانند

نیم در هوا بیگانه نشین میکند و فیه آنها را برای گردش در ریاضت
ببیند اگر مواجیل است اغیار از امتداف پاک در صحرای وسیع بدون حرکت نکند دارند
باید حرکت کنند تا خدشکار با آنها امر کند که عضلات و ششها را حرکت بدهند و جو
دروغی که جوی از اطفال هم سر میزنند و هم با هم بجز کثرت را بکنند نباید
و ریاضت کنند اگر مواجیل قدی سرد باشد یا بدهند و زه آنها را برفین بپزند و
پوشند و مادامیکه بیرون هستند مشغول بازی و هم زور حرکت باشند اما
اگر باد سخت بوزد یا مواجیل باد سرد شود اغیار را بجانم بر گردانند اغیار را از بودن
در افاق و طوفان خوابد و در روز مین سنگ فشر با دو کمر غمزه های تر
منع کنند که برای آنها ضرر کلی دارد یا وجود آنها اگر حرکت زیاد کنند
افتد و مواجیل ندارد چه بیکه برای آنها خیلی برفین در هوا بیگانه است
که هیچ نمیکند مثل اطفالی بخشای و زبرد مینها که مواجیل آنها چار بپزند
چه در انجالت از غمزه سبیه مریض میگردند همین طوری که کتیم با اطفال
بفدای مختلف عادت بدهند مگر بگویم باید آنها را بمواجیل مختلف بپزند
بدهند میباید بیکه نه ترین موثر برای ما مواجیل است که بپزند احاطه کرده است
همینکه بیکه قسم مواجیل کردن در تفسیر مواجیل با آنها اثر نمیکند و کمتر بپزند
میشوند

5° de la mer que
devient des puer
les enfants

در ریاضت نهایی از بزرگ

۷۷

میشوند منمن میگوید سخت قوی کنند اطفال خود را برفین کردن در
باد ها تا بپزند اطفال اعمال شامه و او را بزرگ و ملائمت و راحت بخور
و نوشانند و گرم پوشانند و خواب با عادت بدهند و مقصود آن این باشد
که او را بعد از طفولیت غریبی داشته باشند میگوید طفل از خشکش سبزه قوی
پیدا کنند

پس اگر بپزد و مادامیکه منمن بپزد که کتیم طفل خود را تربیت کنند باید
ترس را کنار بگذارند و او را بخود و اگر اندک بیشتر جرئت پیدا میکند و از
خطر ای میباید که هرگز بپزد و مادامیکه او را بپزند و عادت کنند
باید بر حسب آنکه سن اطفال بیشتر میشود و بیشتر قوی میگردند و موثر آنها بیشتر
میشود و ریاضت بیشتر کنند که شوخی بازی بکنند بر چند بد و بد تاب
بپزند و جنت خیز بکنند بر قفسند با طناب چوکان بازی کنند چهره های
بر دارند و بر مین بکشند شاخهای و کتیم بپزند با بکشند قبیح بکشند
از بیل کتیم پارو را بکار ببرند و بازی کلوه بازی بکنند بزرگان
بدون نظم افسار باز بکشند خیلی تند بالا برفند و تند پایین بیایند و در
رفین ششالی مشت ناله مینند و او را بپزند بپزند بپزند بپزند بپزند
چنانچه در فزنگ و کتیم بپزند و کتیم در آب شنا کنند و خنجرها را قلم دیگر
از ریاضت باید که بنا بچند عمل آنها باشد باید در خانه بپزند بدوزند بافت
سجاف کنند و غمزه کارهای خانه و چپیت و بر چپیت و غمزه سبب استاخانه
نمایند خانه دار خوبی چنانچه در فزنگ و کتیم بپزند و اجرت بدهند که آنها را
مشق بدوزند و مواجیل از این بپزند با آنها باد بدهند طریقی ملوک با شومرا که بگو
نموده اند و هر شهر میندا از این متعلقه که هر یک کار با فساد ای مزاد و خیرات
بزی

خواب اطفال در نرسن

۷۸

برای آنها دار کرده اند که علای بر تو بپندها و مختل علوم و معارفی تربیه آنها
دارند که مریک متلبه مخصوصی نازد که با آنها چیزها بیکه مخصوص خرمایش
با آنها نادمند و ناپ طول میکشد تا باین دختر قابل شوهر کردن شود

ششم از امور طبیعیه خواب است و سن و سالکی با اطفال زاد بکر از
خواب و منع کردن بجای خواب و زدن آنها را بتفرج بزد هبیکه خواب و زدن
کودک با اطفال را شب و در بخوابانند اول بکساعت از شب فته بعد و ساعت
شب فته بخوابانند اما فته ای بدین منوال رفتار کنند و صبحها زود بیدار شو
امداد و آخر روز که از شدت حرکت بازی خلی تحریک شد و خسته اند با اطفال
از بازی حرکت منع کرد که باین مدتی قبل از خواب با خش کنند که وقت خواب
بخوابند و مدتی در و در خواب از بابت خستگی بیدار نمائند و اگر آنها را بهمان حالت
بازی بگذرانند قبل از اینکه غذا بخورند بخواب میرند

هرگز چند طفل را در یک درخت خواب نماند با اطفال بدین طفل در یک درخت خواب
بخوابد و جمع در یک تن زیاد مواظب باشند که وقتی طفل بیدار شد بر خیزد و
از درخت خواب بپزد نباید بجهت اینکه زیاد ماندن در درخت خواب بعد از بیدار
شدن آنها را ضعیف و تحریک شده مینماید و سبب از آنها شهوات میشود

هفتم زمان نشین و تیر و آن عبارتست از بکار گرفتن سیر و دندان ثابت
بجای بیست دندان شیری که آنها مینامند و اینها بیرون مینماید و سال هفتم است
دندانهای غار به همان طریق که بیرون آمدن بودند شروع بافتادن مینماید و بیک
انها دندانهای بکر که حکم ترو بفر از طواحن صغاره بزرگترند میروند و متد
انهم از چنان تا پنج سال طول میکشد بیست و سال هفتم تا در حوالی سال و زده
دندانها بیرون مینماید از اینست که آنها را دسین هفت سالگی نامند و در سن شش
الیهت سالگی اول دندان ثابت که ظاهر میگرد و بزرگترین دندان است و در

مرک

pro the second dentition

دندانهای و نرسن و نرسن

مریکی تواند سا پر دندانها که قائم مقام دندانهای شیریند بپند مثل آنها بپند
دندان شیری و مباد که بکافی واقع و از غده دندانها که بلا فاصله در تحت خلف
دندان غار بجای است و بیست میشود مدتی که میکشد و پرده نامی دندانها

شیر از دندانهای ثابت جدا مینماید و از جای خود خارج شده بالا مینماید
هسبیکه دندانهای ثابت در مکان خود میماند و بکر خانه دندان کجایشان
ندارد و هم درشت آنها از مکان خود خارج شده مینامند تا مثل سالکی ثنای
مخانی خارج مانده سالکی ثنای مخانی مانده سالکی دندان کجایشان نماند
سالکی ثنای حوالی تن و زده سالکی دندان کجایشان بپزد و بیرون مینماید که

دندانهای ثابت بیست هفت عدد میشوند و بکر بجز دندانهای عقل دندان
د بکر نماند که بیرون نیامده باشد تا تمام با اختلاف شخاص از پانزده تا بیست و پنج
سالگی میخیزند که سیر و دندان تمام میشوند و عرض خطانی که در
نشین اول عارض میشود و از نشین کنش است کلیه حش شد بیکه داشتند
که میشود و دندان میخواند بزرگترین موضوع موضع دندانها غار
میشود که کامی ناپا و جمع است صمیمی که اعمال تمام میزد و بهم میزد و لا میزد
لش ما و اینج بزند و حرکت و انفاقات نشین و دهم مثل نشین اول اثنی
نیش بلکه کامی شکایت میکند و کامی نمیکند با بد مزاج و اصبه نرم نمکداند
و غذا های سبک ملائم و مشروبات لمانی میبرد و میند و آنچه در نشین اول
کفیم در اینجا مرسوم نماند

دندانهای شیری اغلب از ابتدا فاسد میشوند و هسبیکه علامات خروج دندانها
ظاهر شده و در عارض آنها شده و بکر بکار میبرد و بکر نرسن است که دندانهای
فاسد شده را میکشد که از دوی که وقت بیرون آمدن دندانهای ثانیه غار میروند
و آنها را فاسد میکند و کج شد و انحراف را که او را آنها که غالباً با مشکل است که میروند

شود

فراوانند

دیکھو اس طفل

شود ما موزی که کردند

ششمین و فتنه تربیه های فضا بنده را مذکور می نمایم معلوم خواهد شد
که میان ایشان چنانی و ایشان نفعانی قریبی نیست پس تربیه های طبیعی جمیع
و نباتیه مثل حیوان نفس جمیع مربوطند و از یک مبدء اند که با هم مخلوط شده اند
متردیه نفس یا اشیاء خارجیة بنسبت حواس است اگر بخواهیم صور اشیاء خوب
در نفس منتقل شود باید حواس را خوب تربیت کنیم و این معنی است حواس که انچه
نفس اند را صافی و بی عیب بنمایند حقیقه اشیاء را که ما حقیقه و درک نمیکند و در
منطبع نمیکند باید بر نخست باید از تربیت حواس و حقیقه اشیاء خارجی که با حلقه
احاطه کرده اند گفتگو کنیم که برای اغناسا رتبه است و سبب میشود و تمام
از نفعانی اثر نیک بخشی و سعادت دارد و بهمانهائی بنامند اعضا حواس از باطن و
تکامل میشوند هرگاه مواظبت کنند و آنها را بتدریج چنانچه باید حادث بدینند
ذیاد ترقی کرد خوب بود و بدتر میکنند بخصوص و فتنه احسان و ملائمه و با
اعضا مواظبت داشته باشند اما مالی کشته ها و ناخداها با اشیائی که از او و پیدا
میشوند نظر میکنند و بتدریج حادث میکنند حتی بصرفان چنان حوی میشود
که آنها را از منافات خیلی بیدار چنان خوب میکنند و میباشند که دیگران
با چینه های تند و در بین آن همه نمی شناسند و همچنین هندها و اکثر با
و حادث توه منعم اغنا بقصص ظاهر شد ترقی میکنند که از منافات بسیار بیدار
صداقت من خود را خوب میشوند که آنها که حادث نکرده اند هیچ نمیتوانند و
مکذا شراب شناسها یاد در درنا حق شراب مجازی ظاهر شد اند که فتنه
شراب که چشیدند و بودند خوب بدو عطران را که چند سال است از دنیا
شهر و ملک است و در وقت ترش میشود بدون زمان و نقصا حکم میکند
درخواست حشر ظاهر شد — مادامیکه طفل در رحم

8 in 10 children
the average is 6
and

Long day.

قوله اطفال

41

و از ای حیوان نیست و حکم نبات است آنچه از او بظهور می رسد مگر مددی
 از آنها انار حیوان نباتی است جرد نبات تابع وجود غاد و اما وقتی متولد شد
 فاعل و غامل میشود که کربنای سروده با اشپانی که با او ظاهر کرده اند پیدا
 کرده و آنچه ذای می بیند اخذ میکند و دارای میل و ازاد میشود و بواسطه بعضی
 علامت مثل کوبه و خند و حرکت دادن دست پا و غیره و از او با آنکه
 در او آخر فرج و غم و خوف و شوق خود را ظاهر می سازد و حواس ظاهر که اشپا
 را بطرح جمیع موجودات خارجیه اند یا برزق نباتات و سر و فاییدن شنیدن بین
 چشیدن بو شنیدن و این قوی بواسطه بازیمچه ها با اقتضای این سن مشغول عمل
 میشوند و طفل از آنها محظوظ شده مرتباً و آنها را وسیله تعلیم و تشویق نماید
 است که امر قوای او قرار میدهند برای گرفتن آن بازیمچه ها میل میکند که حرکت
 بکند اول تا قوه چشیدن و بو شنیدن بکار نیفتاده اند بازیمچه ها شبکه قوه شنیدن
 دیدن از آنها محظوظ میشوند با رفتن می دهند و من ما این بازیمچه ها از او
 برنج و سایر غذای نباتی خند چنانچه در شهر هر کولانوم و پیشی از او چنانکه
 آخر فصل ذکر آن در اندام این ایام را با بلور و عاج در دست میکنند و سوت
 و غیره می بیند و قوه طفل ندان می بیند و با او بدست او میدهند و هر چه
 میدهد نمیتواند از او بصدای او و در مکرر از او یاد انداز می فشارد و اسباب خورد
 پیر زمانه و ندان او میشود
 قوه لمز و مالیدن — موضع بر قوه تمام جلد بدست از او
 سردی گرمی سبکی و سنگینی وضع و شکل و نوعی و زبری و صافی و ناموا
 و مانند کولانوم و در وقت غذا شایه اند و غیره می میکنند بکود و حیوان از او
 و در آنکه است و سایر بر بدن او زنا دارند که با نا احسان
 با شایه خارجیه میکنند و این علامت حیوانه که در طفل ظاهر میشود بواسطه

[illegible]

قوة سمع

۸۴

سازمان چشم آنها زود فاسد و کور میشود

قوة شنیدن — از زمان تولد و گذارنده صوفی بکوش طفل که بر طبعه را بطرف آن بر میگردد و باین وسیله میشود او را از گریه ناکد کرد چند زنگوله بچشم میبندند بدکشتا و میبندند آنها را حرکت نماند از صدا آنها خوشتر شده گریه را فراموش میکند و بدو که بزرگتر شد از جمیع نعمات مویستی فرخنده شد بخریدن و قوه سامعه او میکند قوه شنیدن نیز چنان مذکور شد از تربیت و ریاضت معتدل نمود و بروز میکند اما اگر عمل آن زیاد و شد بدین قوه خسته میشود مثل اینکه در قوه بصر که قوت میشود از امتداد بکار برد اگر چند ساعت متوالی بکوشی را بشود موجب خلال شنوایی میگردد صوغای که نه ناملاهم تمام بینان عصبان را تحریک کرده اطفال را مستغرق میکند بکوش صوت حس که آنها را قوی میکند اطفال نفاق و لکزشاد و دوست دارند و برای تربیت قوه سامعه آنها بسیار مفید است تا شرف نماند در آنها مختلف است بعضی آنها را اگر چه خست و ازدهم نباشند راحت میکنند بعضی آنها را بکوش و وفادار میاورند بعضی آنها را مشغول و بعضی مشغول با خاموش میکنند با تکلم بسیار و در تکلیف نهاده الحان ملاهم ریاضت در تربیت خوب است برای قوه سمع آنها بآلین رای و صدا باشند چیزهای بر برکات ایند و سومان زدن بفلزات و زدن و امثال آنها برای کوش طمان اثر و ضرر را دارند که در شنائی و الوان نماند برای چشم داشت از صدا بسیار عالی مثل صدا توپ مخصوصی زدن باشد باین جهت است که این قوه را ضعیف با فاسد میکند چنانچه کوش توپچنها غالب است بکوش شنیدن توپ و بعد گاهی موجب ملاکت ماضیان و بفریاد فاشده است البته در کوش نازک طفل هم اثر ناگواری خواهد کرد بر ماضیان و فاشده است که کوش اطفال را پاک کنند

سید

قوة ذوق و شمع

۸۵

و اگر در سخن بدان جمع شده باشد با کوش نازک بزرگتر از آنند مگردان و سناخ جو کی موقت کشته که پس از آن مدتی لال بوده اند تا اینکه بزرگ شده اند و آنها را بخام برده اند و سناخ شسته شد بپزند و مده شتو شده اند پس از چند ماه طوق و کوباکشته اند با ابرو سناخ سبب و کوش شده که منجر بگری و امی کشته است گری برد و فاسد است بکی مولود می است که در آن طفل چیزی نشیند و ابتدا تکلم نکرده و بکی نیست که مدتی می شنید بعد بواسطه عارضه مثل جراحت و ضربه و سقطه یا ورم عصبی چنانچه پس از ورم عصبی و مطبوعه عصبی عارض میشود که میشود چند بکه میکند لال میگردد و بجهت اینکه دیگر چیزی نمیشود که تکلم کند بعضی برانند تمام لایها بعد از کوشیدن عارض میشود که در حقیقت لالی همیشه عرض تابع گری است بعضی دیگر لالی عصبی یا سرخ متغلی میدانند

سید و سید

قوة چشیدن — مادامیکه غذا مختصر است چندان بکار نیست و بعد زبان میکند و ضرر دادن است اطفال صفاد از چیز که بداند آنها بد میباید و تفریح میکنند پس لازم است که آنها را بطعمها مختلف عادت داد برای این مقصود یا با از چیز که نفرت میکنند دندان و میباید از آنها داد و زبان با آنها داد که عادت کنند از حش بسیار لطیف است با بد بکمال وقت از بکار برد نباید غذای تند و لذیذ بسیار و کرم و مظهر و بسیار و مبهوه فای نازین با آنها داد که ذائقه شان فاسد شود و ابتدا غذای ملایم ساده که مناسب مزاجشان باشد بدیند و همیشه باین چیز عادت دهند که عادت دیگر را قبول نکنند

سید و سید

قوة بویایی — معلوم شد است که این قوه از زمان و بکار باشد اما بعضی اوقات لال میکنند که در آنها بکلی معذور نیست چنانچه

کود

قوة حافظه

۸۵

کودک از زادی که عرق مادرش بوی نندی داشت اگر کشته بکر بینان بدین
او میگذاشت نمیکرفت و فریاد میکرد چون مادرش بینان بدینان او میگذاشت فریاد
میکرفت پس از آنکه این قوه در طفل ظاهر شود او را از بکردن چیزهای ناپسند
منظوم کند که خلل و قوه نامیده او به نرسد چه بگویند این قوه را که میگوید
یعنی که در بعضی احسان نشی خارجی میباشد اما بجای هم از استنادهای عطر
و چیزهای بوی ملایم خوشتر از بدمنع نکند به بعضی کلمات که عطر ملایمی دارند
بدست او میدهند و میگویند که از این بوی بد و نامیزند که فلان کلمات ناسمه آنرا
حفظ کند که در وقتان بوزا بشنود بداند بوی کدام کلمات است که مثل بوی
فکا و انقلو از این قوه نامیده اگر و کاهی بکلی تمام میکند

de la memoire

قوة حفظ — تحقیق در جمیع قوای باطنه در این مقام موجود است
است تنها قوه حافظه را که در اطفال بکار و مهم است بیا میگویند قوه است که آنچه
بوتوسط حواس درک میکنند ضبط میکند و نگه میدارد بواسطه این قوه است
که طفل تکلم میآموزد و هر کلمه با او میگویند و هر ملائمه که با او میکنند
نمیکند اغلب احوال طفل مربوط با این قوه است و طفولیت بسیار قوتی که هر
دولت میکند همیشه بخاطر این قوه است که گفته اند العلم فی الصغر کالتقش فی الحجر
و بر حسب وضع و میل خود اگر زیاد مشغول باشد و کلماتی که مرتب و میکنند
زیاد بکار و از این قوه زیاد بکار بندد محفوظات او زیاد میشود و اگر تنبلی
و کسل باشد و کمی هم او را بکار و اندازد کمتر بکار میرسد محفوظات او کم
میشود حافظه از زمان تولد در کار است چنانچه بینه و قوی شیر باغذای
او در پیش میبرد که میگوید چو شیر خود در دفع احتیاج او شده و حفظ او
میتواند که سینه میشود احتیاج ثانوی که پیدا میکند که به فریاد او میگوید
چون می بیند در وقت گریه میگوید مقصودش حاصل میشود و هر چه میخواهد

در اینکه طفل اکثر اشیا را از تقلید یاد میکند

۸۶

پدر و مادر و او میدهند این تغییر را حفظ میکنند و همیشه برای جزئی و کلی
که میخواهد گریه میکند و مقصودش خود را حاصل میکند و رفتن و رفتن خواسته
او زیاد میشود چون وقت اول بلجیح مقصود خود را حاصل کرده بود از سر
میکرد پس چون از قوه برای طفل نقطه شروع بارادعای کارها است تا بداند
و در اول چیزهایی که صلاح و برای او مفید است بخاطر او گذاشت و اگر خوفنا
چیزهای نامناسب شود منع کند و گوش بگریه او نکند تا همیشه در دهن او بماند
که او را از فلان چیز منع کردند و دیگر در کارها حاج و از او منع کردند و هر چه
که اظهار تقاضا و طاعت کرد او را نوازش کنند و او را محبت کنند که بجا
بماند طاعت و حرفش قوی مطلوب است تا از طاعت شود و وقتی خوب مطیع شد
حالت تقلید (تقلید طفل) در او پیدا میشود که در اطفال بسیار مهم است
اولین اعمال فسانه از آنست که طفل میخواهد آنچه را میدو و ضبط کرده و بگوید
و تقلید نماید هر کس هر چه میکند او هم از باب تقلید میخواهد بکند از این
است که میخواهد چیزهایی که در دست استعمال کند و بکار بندد و از باب تقلید
که طفل بکار کلام میکند که اول کلمات مفرد و مرکبه را بشناسد و بعد کلمات
و از ذات خود را بفهماند و رفتن و رفتن بیشتر میکند و در حقیقت تمام افعال او
تحت یک سلسله از اعمال تقلیدیه پس بر ما لان است که پیش روی طفل کارها
بکنیم که برای او مفید باشد که از آنها تقلید کند

pour en venir
à parler

بزرگواران اطفال — قبل از آنکه طفل بتواند برای
اظهار احسانات خود علامات اشیا را در قیام و گریه خود و از آنکه بخواهد
انها اظهار احسانات خود را میکند و حال صحت و بیماری او را احسانیکه
میکند بعضی حرکات علامات ظاهر میشود که شادی و احوال او می دانند
میتواند و قیام میبرد میشود با از قیام با و میبرد بطور وضوح صورت

سبب کرب اطفال

۸۸

همه میکند و قوی می آید و بلند میشود و کشتن یک زایل شد حالت فرج
و انبساط و صورت او ظاهر می شود و کثرت قنای افتاده که قبل از سه هفته
حالت فرج خود را به نیت و خنده نشان بدهد چون شروع بخند میکند و
جزئی حرکتی است که در لبهای او ظاهر میشود که اگر اجناس بپیش رو آید
واضح خنده میکند و صورت او کشاده شده و صداهای خوشنالی میگوید
گریه و میزاید برای طفلی که هنوز زبان نداده بگونه بی غیر ملطوفی است چنان
مذکور شد بان فرج و از نیت و غشیه نازاخی خود اظهار میداند و این
با شمعان خرق مواجهر ج از ریه و کدشتن از حیره که موضع تکوین است
است شنبه میشود حیره نوزاد تنک و کوچک و حضرت چنان باز در یک و نازک
و عضلاتش کوچک و در ششهای کوچک و کثرت است که گریه نوزاد
بیشتر ضعیف و خرد است و قتی که ضعیف الخلقه یا و مالت غریب با غام
باشد گریه برای اینکه ریه را وسیع و بلاغم مجتمع و مجاری نفس را خازن کند
بپار می داند اما اگر زیاد شود و در آن خون را بر هم زده موجب غم میشود
و نسکه زرد و زرد و بنفشه صورت و سهل الخروج است علامت قوت مزاج نوزاد
که گریه که سبب مرض و جع با صدمه دیگر باشد با قوت و اضطراب و قیاس
است اگر لحظه او را شود باز شروع میکند و از حالت گریه و اضطراب تنفر
او میشود چنانکه غرض و کد را معنواست که قوی سبب که به از است که مقصود
دارد و هر چه میخواهد بنماید نمیتواند از نیت غنچه گریه میکند علامت
از است که شروع و نفس او پیدا میشود صد و گریه های اول طفل برای دفع
احتیاج و نیت و مقصود است و گریه ها که تبید میکند بواسطه نهی است که خوا
او احداث میکند مثل مقصد چون نمیتواند بنماید گریه و فریاد میکند و اما
سیم و چنانکه طفل مریض گریه میکند از چشم اشک میزدن نباید بداند

نیم

تربیه نفسانی اطفال

۸۹

پنجم صدای طفل تغییر میکند و اولی روز ملغوظ نیست لیکن گریه محض نیست
دوماه ششم و نهم این صدای فرق کرده طفل آنها را بفعلیه دارد که حرف میزند
حرکت دادن میجو آمد حرف میزند قوای نشانیه و مقدمات طبیعیه که تاکنون ظاهر
و پدیدار نشده بودند بمرکتاز میاید و میشوند و مدتی در طفل احداث میکند
طفل را از آن ملغوظ از خود را میجو آمد بدین گریه نشانیه شروع تکلم میکند
اول تلفظ بحرف عله میکند آوازی و حروف عله را میازد و واضح تلفظ
پس از آن تلفظ بحروف ناله میکند مثل اینست که طفل نوزاد بدون مقدمه
ببختن آمد نخستین حرفی از حروف ماله که زبان میازد از حروف شفویه و
حروف غنچه است ب پ م ن که با الف که حرف عله است ترکیب میکنند با
یا ما نام میگویند و اولین کلمه که تکلم میکند لفظ مادر است و فرشته ما را
در قادی می گویند و این اظهار محبت است که طبیعت میازد و خود میکند و عله
اینست که قوای نشانیه در طفل شروع بعمل کرده اند از اینوقت باید تربیه
نفسانی او شروع کرد و مقدماتی که بواسطه ضعیف که در اعضاء مشکله طفل
حروف و کلمات را یاد می کند و اگر از کوچکی اندام با صلاح آن نشود عا
میکند و دیگر ترک آن مشکل است پس لازم است آن حرف را که خوب یاد کرده
در حضور او صحیح شمرده تلفظ کند که یاد کرد و درست بگوید

فصل در تربیه نفسانی

۱. l'education morale
۲. intellectuelle

چنانکه تربیه جنائی برای طفل لازم بود تربیت نفسانی هم لازم است
مادر و مائیکه در سال اول مواظب طفلند و او را تربیت میکنند اول امور
و اول معلم اند باید ملتفت باشند در ظهور و بروز دل و موش و طازات
او زیاد وقت کنند پس باید در اینجا دستور العملی در تربیه های نفسانی صفا
مفولیت اول برای آنها بیان نمایم کلیه که ملتفت است این اول تربیت

نیت

عازات فغانیه انما

[illegible]

در صحیح غازی است در باب اطفال

روز کے قبل اطفال

مکمل یکی از اعمال نفسانیه دفعه اولی بر ظاهر شود برای تکمیل آن خیلی تا
است مرد و زن یک در یک وقت و شروع و ظهور آن کنند و از آنرا بپند
و هیچ چیز مایل از پیدا کردن عادات آن و دفع مانع از آن نیست
بر خطا است که گفته اند عادات و تدبیر بعضی اطفال تصحیح دفع نمیشود آنکه
دفع نمیشود بواسطه آنراست که مواظبت اصرار و دفع آن نمیکند و
روزی بر دفع و تصحیح آن میگویند خسته میشوند و ناممکنند باید مدتی استراحت
و در دفع آن نمایند تا آنکه رخت کوچک خوب تربیت کنند و حشمت و بدتر کینه
و ممکن نیست رخت را بخود واکند و در شب با او صحبت نکند و
شیرین بداند اگر از اتفاق بپند از نوادرات مثل سقراط که از دنیا
بزرگ مستغنی از هیچکدام است فلسفه آسمان و از زمین آورد و غیر این مثل است
برای این مطلب از ما نواده پسته متولد شد بود با تمام مغایب که داشت و
شدت مبل که طبیعت تربیت پیدا کرد عادات نفسانیه هم مساعدت نمود
استقامت زانی و از او احداث کردند تمام مغایب با اختیار خود و ایل کرد
و بدو خبر رسید که در شرح حالات او در تمام قواعد پنج موقوف است
که منبع نکند و کلبه مؤید تابع میل خود میشوند و برای جرای مقصود آن
ندیمها را دارند که نمیکند فریاد میکنند و از انتظار میمانند و انتظار
که در حواله بمانند میشوند و اندک صبر حوصله بر آنها نماند میکنند و گویند
با این جبلت چه نمیشود خود و صبرش زنده بگردان منکر میشود دیگر
کس از عجز و انکار نماید اگر با عجز غایت با آنها مقاومت نکنند و از چهر
و خوشنودن و نالان و ناظران و نداشت خواهند کرد که چرا میگوید

در مطیع نمودن اطفال

۹۲

و فدا کردن این قسمی تربیت شد چه اگر مجبه منع را با و بگویند در این بین
نمیهند پس غلبه کردن بر او ممکن نیست مگر بسختی بشادون و اعتنا بکزی
و فریاد و نگریدن و این بسیار لازم است که شد حرص و میل او را بکنند
چون حواس ظاهر طفل ضعیف اند با بهما در یکی از حواس خود واسطه
قرار داده غیبه و غضبش را با آن واسطه با و بهمانند مثلا بصد بلبل تر گفتگو
کند گوش او که احتیاج این مشغول گردد و در میان صوت غیبه و صوهای شاد
و صد او نمیتواند غلبه بر آن کند مگر بشود و بگویند چنین خواهی نمیکند با چشم
که آثار حاجه بدماغ میرساند واسطه قرار داده بواسطه آن نضر غضب
با و کرده اشاره بفهمان برداری کند میفهمد که قوه میانیست فدا با و طاعت
کند و در بیکه بزرگتر شد اگر مطیع نشد بخطر غضب بگردان و با صد بلند با و
حرف بزنند قوه اقتدار و حکمرانی خود را با و بفهمانند با چار شده مطیع میشود
مستیکه فرمان بر داند خود و کسانش اسوده میشوند در برابر سر و دست
میگویند در کثرت امر اطفال خود را بدو که خوب تربیت کرده اند
که بر آنست با بد بیکه همگی نیست بگذار بیکه گفتیم باید از اظهار اقتدار
با غریبه تا نباشد اما باید بملا میست مناسبت هم باشد بعد با و از او بخواهی
کرد و بر او مدلل کرد که این منع از و کس و کس و حقایق است اگر با و تفهیم
و چون کار کند که محض اظهار اقتدار است بکارهای غیر خواسته شد اما
از ترس خواهد بود و طفل بعد منتهی بکس که او را از کاری مخفی میگردانند
مرا تکیان میشود چه زاکه امر را با و اجازه داد و صرفا منع میکند از طریق
عقل نیست از دفع موی است لجاج را از سر میگرد هرگاه طفل مطیع نباشد
بعضی تفافات برای او اتفاق میافتد که کرد آنها اندک غفلت کند مثلا
میشود و مجال فکری و دیگر هر نیست و در بعضی بجز اظهار اقتدار هیچ چاره

نیت

در تربیت نفسانی اطفال

۹۳

نیت مثلا طفل طبا نچه بر کرده با کار و تیزی بدست گرفته میخواهد بکار
برو با بلبای میبلد با بلبای می با کار و زود خانه رفت نمیشد نزد بیکت
و حالا هیچ عیالی ندارد که او را مستحاض که چاره منحصر نیست با اینکه طفل مطیع
باشد و بقوه اقتدار بعضی اشاره با فزانی که با صدک مخصوص با و بیکه الطبع
اینچه در دست داشت میاندازد و از لجاج و وود خانه که مشغول با فساد
بود پس میرود و از این قبیل غلطی برای طفل مست اگر مطیع نباشد
ملاک میشود اطاعت حرف شنوی و این و غیره ذات نفسانیست
و منشا جمیع تربیتهایست که از برادر میخواند و کودک طفل را اگر بزرگتر
طاعت فدا کند بگویند که بر او او شنیده نمیشود استیلا احاطه خانان
و با بدان زمان نزد شروع کرده طفل را مستعد بان نموده همینکه مطیع شد
ما دام الامر خود و کسانش همه الحال و تا کمال خوش و قی و فداکاری میکند
و برای صحت مزاج او هم فایده کلی دارد و در هیچ حالتی مثل حالت مرض خالت
تربیت طفل را نمیتوان فهمید و قی و بیاد او میرود اگر از امر و صبور
ساکت مطیع او امر مطیع است معلوم است از او مرتب بر آزاره او عالت
که او را بظهور مطیع و متفاد کرد ما است اما اگر بالعکس بدخود بر کواست طفل
کریه و فریاد میکند و هیچ چیز قبول نمیکند حرف کسی نمیشود و چیز بر میخواند
که برای او ضرر دارد معلوم میشود بد تربیت شد و از او او عالت بر آزاره
مقبول است آنها که کسند برای هر مطلب برای ضد باید دل آورد و با و
کرد که این چنین را آنچنانست و مدعی شد اندک بر اینست و تربیت شد
کرده اند بجهت خالت استلال خود برای او میاید اما ما می در میان خود طفل
فدا کرد که در دلبسته بودند و پر شدند است پس باید او را بخود و آگاه
است با میبرد اگر قبل از وقت برای او دلیل میاوردی

در منع اطفال از دندان زدن و سر زدن

۹۳

هر دو مکرر میگویند و میکنند و زدن آنها را دلدل مینامند و زدن را منع نمیکند و کندی
میکند مگر در جرا دلدل مینامند و طولی نمیکند که فوشار و ضایع میشود و بعد
میل دارد و نمیکند و کسی نمیشود جلواستد لاک و لاک بر پس باید بگوید و
دلدل مینامند و تا خود او دلدل جوشود و در هیچ حالت نباید برای اینکه طفل شود
با او زدن و بر کمر یا در زرع گفت که بدکار میشود تا ممکن است با بدقتی کرد که
اطبایان پیدا کنند اگر چه برای چیزهای خیلی جزئی باشد که حکم از این است
بجز برای میشود چیز که در او خیلی مؤثر است و است و صداقت است که وقت
با میل غارت او موافقت کرد مطیع میشود مخصوص و فتنه نصیحت خوبی که
با و نمیکند و زدن مکرر فوشار نمیکند باید با و فغانند که همیشه باید ناسک
و فتنه طفل میبیند هم با و راست میگویند و حرف و زدن با و میکنند و او را نکند
نمیکند راست کو میشود و اینجا است و او را سوخ میکند نباید گذاشت طفل
مروار شود و آنچه در دل دارد پنهان کند با طفل و مکرر فریب بداند که
بدترین مغایب است و در او پیدا نمیشود مگر بواسطه مغایرت با اطفال که
صفات را دارند باید حجت کرد که این عیب را و ظاهر نشود که اگر ظاهر شود
وضع آن ممنوع است

مگر در حق طفل یا حرف بگویند یا از بی بکنند و طفل نمیشود استقام میکند
باید بر حق و صدا را او را از این انعام منع کرد و اگر او را نصیحت میکند و اینجا است
وضع نکند بعضی اطفال قوی غیور هستند مجروح میکنند بلکه میکنند
اگر چه بر او زدن باشد

و فتنه که طفل را و خلافی کرد نباید او را زدن یا و فتنه میافند نباید با و
گفتن دیده شد که اطفال بچهاره از خوف اینکه آنها را بزنند و در خوشا را
پنهان کردند و بخالت پنهان میکنند یا مکرر اندازند و بدود ملتفت شوند و از

اول

در رساندن و نرسیدن و نرسیدن اطفال

اول که میتوان آنها را علاج کرد بعلاج آنها بگویند
پدر و مادر و بکا اطفال متعدد دارند باید و محبت و سایر چیزها و در جمع
اطفال مساوات کنند و هیچ طفلی را ترجیح بدیگری ندهند که این ظلم است و
طفل غنی و فقیر و موهوب و خاموشی بدی میشود که با اخلاق و ترک
مریض میشود با حالت حسد و او پیدا میشود که مغایرت با اطفال است که
حسد را ابتدا ای رضاع حاصل میشود و وقتی مادر و زایه پستان را بداند طفل
دیگر میکند از نرسیدن و فریاد نمیکند زیرا که طفل هنوز یان در جبهه نرسیدن است
که تواند حسد خود را پنهان کند بزرگتر که میشود حسد خود را پنهان میکند
اینست که بدون علت ظاهری لاغری ضعیف میشود و در این صورت بجز حسد
چیز دیگر سبب غری و فتنه نباید تحقق کرد که محمود و اکبر و جنت اطفال
پس از تحقق معلوم میشود که با مادرش طفل دیگر را بیشتر نوازش میکند
با پستان بد فغان طفل دیگر میکند و پدر و مادر هم ملتفت نمیشوند
که طفل این سن حسد داشته باشد که بطفل دیگر نرسد و از نرسیدن طفل هم خوف
بجهت اینکه پستان و نوازش مادر را حق خود را میداند پس در اینجا باید
این طفل را با اطفال دیگر نوازش کرد که با هم بازی کنند و بدین
بعض چیزها با و بدهند که بطفل محمود بدهد که او را به نرسد و بخت
جاد بدهند اما نه اینکه بدون مقدمه او را مجبور بخت کنند بخت است
قول بخواند کرد و اسباب حاجت و خواهد شد

پس بر پدر و مادر است که با آنها ببلور خوبی و مهربانی و نوازش کنند و بچند
از مادر و نوازش نرسد از نرسیدن که مازنان و کارهای دیگر آنها را ملاحظه
نمیکند که با نرسیدن آنها در دین مین زندگان کنند ضایع و خرا
میکند که ما آنها اینقدر بزرگ نیست که قلب آنها را اینطور مجروح و مسموم

در رفع خجین از اطفال

۹۰

کند که اثر آن بیدار شود و اسباب هلاک آنها شود بامید و در مملکت نشو
و تمام نیکه‌ها را با آنها بکنند و بامید هلاک چنانکه یکی از حکمای بزرگ میگوید
دو کت بطفل مؤذیان نشان دهند خوش روی و ملائمت شما قلب او را
بدست می‌آورد و ترش روی و درشت کوی مناسب نیست اطفال بیست و شش
و آخر موضعیک می‌پسند از رفتن که می‌تواند و اغراض کردن برای حالت
آنها بجز اینست باید از طلب قصه‌ها آنها را انداخته گرفت که می‌باید بدینند
شنید و نشنید میجه‌اند که بعضی کارها متوقف در بنال کردند بدین
سخن تر می‌شود و از اغراض و بی‌عنائی بجز اصلاح می‌شود اگر کم‌لایه
شود سخنی بکنند یک لحظه باشد پس از آن و از نوازش کنند اصرار در سخنی
او را غنند و ضعیف القلب بکند

یکی از مضایق خجین و ترس و بزدلی است که در این عصب و او پسند
و بیشتر سبب اول ترس است طفل است که با شصت می‌کند که با و می‌گوید
که به نکلن حال اگر که مباد ترا بخورد و با سگ مار یا شتر تو را بپاره می‌کند یا حمله
ببر آنها آمدن با آنها را گرفتار با بقره دیگر آنها را ترساند و به خواندن
حکایات مجذوله مؤخت مثل قصه دیوان و پریان و شهابین و غولان و
افسانهای مؤخسه از قبیل آمدن مردگان بدین صورت و اجنه و غیره از خجین
خجین را بجز و فراس می‌اندازد و نیز می‌زند که آخر شایع ناگوار و آزار دهنده
طفل را بطبع باز آفسانه‌ها مایل است و او را ترغیب می‌دهد و می‌خواهد
مکود آنها را بشود و در میان او می‌کود می‌شوند و متصل این مورد و در خجین
او هستند اسباب ضعف نفس کشنده و تمام عمر برون و ترس می‌شود و سلسله
عصبانی در طفل بقدری که با ترس است که با ترس و خجین ترس می‌شود
شبه که تا سبک می‌شود و خجین ترس می‌شود و از آنکه صدای می‌کند و از خواب

در نیکو نفسانیه

۹۱

دول و منظم و روان خور و مزاج و نبض او متدبیر شود و مغز نبض و کورت و کورت
و کامی فحشه می‌شود و این مآلات در طفل ظاهر شد باید با کمال ملاحظه و آرا
خیال او را منصرف بطرف خجالات غامبه کرد که این چیز که قوا و ترسیدی
چیز است متعارف که ترس و توقع ما همیشه بطور غما می‌شود اما ترس و ترس و ترس
عقلند و کمال ملائمت و از ترس می‌ترسند و در بعضی احوال که متروا
آنها را بر ضد آنچه از او می‌ترسند جریث و ترسیده می‌کند که ترس آنها را بپوشان
صحیح نیست او را بخیر و نکند که بعضی ترس او را بپوشانند و او را ترس
بگذارند که ترس او برود با چیزهای مخوف و نشان بدهند که غارت کنند باید
او را از خوف بیرون بیاورند و دانه بانه بانه که عاقبت ناگواری دارد باید بکنج
و خیلی بپایان صبر کنند و ترس او را بپوشانند و ترس او را بپوشانند و ترس
تسبیح کنند و با اطفال که خیلی جرات دارند و دانه بازی کنند و می‌جوشند
چیز و خجین پیش از این و در دگر سباع حیوانات مخوف پیش او نکند و اگر
و خجین برای او پیدا شود او را مشغول کند و وحشت او را بلباطیف بخیر
کند و کمال عقلیه برای او بیاورند که این ترس بدون آزاره از او سلب شود
شبهات چراغ و از اطاق بیرون نبرند از احتیاطها لازم است اما صبر حوصله
میخواهد افسوس که بعضی از این حوصله ندارند و قایع مؤخسه و خجین
جریخ و فریاد می‌کنند مثلا از صدکار غل و دروغ و شنی برق با اتفاق دیگر در حضور
طفل بکمر تیر می‌چینند و فریاد می‌کنند پس باید خاطر نشان آنها کرد که در این
وقایع در حضور طفل خود داری کنند و بپاک از وحشت آنها و خجین
ذیاد می‌شود و یکی از اینها از او می‌ترسد و این ترس خطرناک است که اسباب امراض
مختلفه می‌شود باید اگر کم صدای شنیده شد از او بپوشانند و قیقه طفل را
نفر که در فریاد او مدد و نااضطراب به بیند اما بپوشانند و بپوشانند

در منع از استهنگا اطفال

۱۰۰

گاهی در طفل صغیر چه پیدا میشود که مرکب این عمل میشود پس از این کار را پیش روی اطفال دیگر میکنند آنها هم میبینند و میگویند مرکب این عمل شایع میشود چند مرتبه که کودکان خوششان میاید ملاومت بان میمانند طولی نمیکشد که در اطفال بان میکنند و میشود بر پدر و مادران میندازند تا بجا نکند و طفل ظاهر شد بر روی قبل از آنکه حادث شود ببلای و چاره آن بگویند که اگر حادث شود علاج آبنا مشکل میشود پدر و مادر و معلم و ملا باید کمال حذر کنند و مواظب باشند که این خنثی از لذت و قهقهه و نندبار و تنالی برای بزرگان معین فرموده ظاهر شود مینکند ظاهر شد باید هم دانی جمع گمان طفل صرف دفع آن باشد که ضرر آن فلد و بکه بزد نشدند معلوم شد موجب ضرر و سقوط قوی ضعیف بسیار شد بعد از علاج و امراض مانع صغیر طفلان مشاعری شود نمیتوان پیش بندی از آن نمود مگر اینکه در تمام فضول مستور العلمهای اطفال منایب ضررها را از آن بپندارند و از آن غمی نمایند که کوشش در پرستار و خدمتکار و کسان اطفال و خود آنها بشود بلکه از آن بپندارند نصیحتها بسیار مفید است که برای پیش بندی از آن باید معمول دارند

(۱) باید اطفال غذاغای معوی بسیار حرکت دهند (کوشش بسیار و غم و غم) مخصوص و غذای شبنا اندکی قبل از آنکه میخواهند بخوابند بخوابند که اسباب بچان و حرکت این قوه میشود

(۲) مرکب آنها را در دخت خواب بسیار و در بسیار که میخواهند مخصوص از دخت خواب بر قوا جنبانند آنها را و قوه بر دخت خواب بپزند که از روز خنثی خنثی باشند و در دخت خواب بپزند صبح که از خواب بیدار میشوند فی الفور آنها را از دخت خواب خارج کنند که اگر بمانند بکران کاد میافزند و بسیار مضر و سبب

این

در تربیتها نفسا اطفال

۱۰۱

این فرض است و مرکب نایب طفل را در دخت خواب خود بیدار گذاشت اگر میخواهد او را از دخت خواب خارج کنند و قهقهه میخواهد بخوابد قبل از آنکه بخوابد او را بیدار کنند که دخت خود را از دخت خواب بر قوا و بر روی لحاف و از آنکه و هم او را حادث کنند که بر پشت و شکم بخوابد بپلو بخوابد و مرکب چند طفل را در دخت خواب بخوابانند

(۳) بکر و زنه بکر و زانها را با آب سرد بپوشند و در جمیع فضولها و فائز بپزند و حمام غمر اگر ممکن باشد غمر است حرکت و دپاضت و جمیع آنچه که بقا در حفظ صحت آنها مذکور نموده ایم تا هم بکنند که منع از این فرض تا بیدار بجا نماند مخرب است از آنکه میباید سبب تنگی میشود آنها را امر کنند و از حرکت و متوا غمی نمایند

(۴) لباس آنها تنگ نباشد که بیدن فشار بدهد و موجب و زان خود شک و توقف خون در آلات تناسل شود پیرهن و جلیقه بپوشی که دیر ندارد و بپوشند و ناخنهای بلند نباشد شلوار هم نه خیلی تنگ و نه خیلی گشاد باشد

(۵) پدر و مادر باید خیلی سعی کنند که این مرض با خطر را بواسطه صحبتها و فضول بواسطه اغمالی که محرش میشوند و خیای آنها را بکنار میکشاند بچنان بپا دارند و غنغنه کنند که بپرو و خنثی را در یکجا نباشند و در بزرگ همه غزبان نشوند غلبه پدر و مادر و بچه ای این نصیحتها را نمیکند میگویند این احتیاطها در اطفال صغار چه فایده دارد آنها این چیزها را غمی فهمند و حال آنکه خوب بفرماید بچند باید خیلی سعی کنند که شرم و حیا آنها را از این گفتگوها از میان برداشته شود و مستحقین و قضا از این مطالب گفتگو میشود حرف بزرگوار و از مطالب بکر گفتگو کنند و نکند و در دخت خواب بپزند تا بیدار نشوند و بچینو نمایند باید ملطف باشند از حکما با صبح که هیچ شکر نباشند بکر آنها بخوابند

داناها

در علاج استسما اطفال

و بنا بر این باید بداند که این بیماری که کامی می‌باشد می‌تواند که برای امراض خطرناک و معتبر
از آنست که عکایات و تواریخ طبیعت می‌خوانند و از خواندن افشاها بخصوص
امثالهای خرد پیکر و حالات عشق با ذی امثال آنها اجتناب نمایند تا بیک
ضخیم اعمال آنها را مبادیه و خدشکاووم در و امثال آنها نکلانند بلکه مستحفظ
محت آنها بکارند که مدفن کند و مواظب باشد که این کار نکنند

(هـ) بیکاری یکی از اسباب بزرگ این مرض است اطفال که میل بیازی میکنند
و ذوق اینکه کاری که اسباب خوشحالی باشد پیش آنها بکنند ندارند و هر گاه
وضع خودشان را بشیر میدهند از اینجا بر میخیزند و نظری می‌کشند کوش
خود و مومانی خود را میگردانند و میگردانند خود را میچینانند و آلات
دیگر از آنها بر و میگردانند که دلیل بر بطلان و از کار ماندن بدن و قوه
فایده است و بدین ممل و مستحقین ملتفت حالت آنها باشند و آنها را بکار و دارند
بیمه آنکه در گذشت شاعر و فی عمل ماندن بدن و بافتن و افتاده است
قوه شهون نوعی پیدا شده است که دیگر چاره آن ممکن نبوده است

(و) مکرر با تمام احتیاطها با زانچالت باقی باشد باید معاوم کرد که
بواسطه مرخصی فارض شدن با خود عیب ششلی است کرمهای زده تو بر گو
شدن روزها و ماسادقا (کار) بعضی امراض جلدیه که مضاد فتارش
بدن و موضع مخصوص شوند و امثال آنها ممکن است سبب شوند از وقت
مرض است باید بمعالجه آن بقی می‌گردد و موقع خود مذکور شده کوشید
خوشتر مصلحتا طفلانند که اینچالت را از آنها چندان طول نکشند موجب
غارت ششکم غیر مفهومی نشده زود دفع شود

منت المقالة الاولى و تلویح المقالة

الثانية ان شاء الله تعالى

المقالة

در امراض اطفال

مقاله ثانیه

در امراض اطفال در آن ذویات

۲۳

باب اول

در تواریخ (علم باسفال دوسه) و بنا بر این قواعد کلیه امراض اطفال
و تشخیصات و در فصل بیان میشوند

فصل اول

اگرچه نوعی باشند بتوان در اطفال اسفال کرد اما باید بدین نسبت که از سن
مسولی جوانها باشد اشکال تشخیص و اشکال اسفال و در اطفال از مشبه بودن
و معلوم نبودن امراض آنها نیست از حد را طاعت لطافت مزاج (تلون مزاج)
انها السلس برای اینکه اطفال و از اخیل بخورند و اشک مخصوصا و مراکت
که دواها را خیلی مقبول و لکتر و بطوری محبه کرده باشند که طفل آنها را مثل
باز میخورد و خود میل بخورند آنها کرده بخورد و اوقات کواد و مناسبالت او
میشود اما اگر این قسمها نکنند طفل را و اگر که می‌بینند و حش می‌کنند کرم و غریب
میکنند بدان و می‌بینند برون می‌بیند و باقی می‌کند و بهر پرستارگان اذان او را
می‌بینند و بخورد او را می‌خواهاند و شش پای او را می‌گیرند و بخورد باقی شش و امثال
اند و انهای او را از هم دور می‌کنند و در نیست ندان او را می‌کنند و لیکن
او را مجروح نمایند سزا پای طفل عرق می‌کنند بکشد بدن او سرد میشود البته
این قسم دوا اگر دوا در معده او هم بشود ضرر میکند آنها شرط لازمه است
اطفالند و برای این مقصود باید خیلی غارت بعلم و راستا بخصوص برای
مقدار شربت و غلبه و مخلوط نمودن دواها را شنید

فصل در شربت و امثال اطفال

De dosage des médicaments
chez les enfants.

انرا با تمام مختلف تعیین کرده اند بیان تمام آن قواعد و اینجا موجب
اطلاعت آنها که کم از یاد نماند بکنند بمنزله است که بکار از دانشن مقدار شربت

دوای

قد و شرب وای اطفال

۱۴۴
دوای جوانان مقدار شربت مرد و جوانان طفل را مقلو مناسبت
کوتاه فاعله نیای کرده که اگر بختیوانت میگوید مقدار آنکه قد شربت
دوای جوانان مقلو شد برای طفل کمتر از یکسال و دوازده یک ازان در دو
نزدیک سه ساله سدر و چهار ساله بکوب و در هفت سال یک ثلث و در هجده
دو ساله نصف از آن بدهند کثر اینطر بقیه ذاتیه داده میگوید فرض
میکنیم مقدار شربت وای جوان یک باشد در طفل از یکسال تا سه سال یک
از آن از سه تا هفت سال یک ثلث از هفت تا ناسه سال نصف از چهارده تا
ناهیست سال و ثلث از نهم بدهند باید دانست سبب آنکه نمیتوان فاعله کلی برای
شربت وای اطفال قرار داد از آنست که مقدار شربت مذکوره چنانچه در مقدار
دو جوانان یک مقدار است و اطفال در جمیع ادویه یک معیشت اطفال
بیشتر و عاقبتی با بالنتیه خیلی بیشتر و بیشتر میشوند مثلا بلادن و ستم
الفار و جیره و بیشتر و غیر از جوانان فاعله میگوید و میتوان بالنتیه بیشتر و عا
دار و در دیگر مثل اسید فنیک و افون و ترکیبات غار امتحال میشوند
که مقدار خیلی ضعیفشان و آنها موجب نفوس میشود پس ادویه قوی مثل
افون و زانق و غیره اطفال و عاقلی ترکیب قلیانی آنها را بطفل نمیتوان
داد مگر در مقدار ضعیف مثلا و قلیک باشد چهار هزار و یک کرام افون بطفل
که کمتر از یکسال دارد و بخوبی شود نباید بکریه زاده بلکه از چند قلیک
بدهند تا آنکه در دوازده مثقال آب اخل نموده مرد و ساعت یک فاشق
(مثقال) از آن بخوراند و منظر اثران باشند

سابقا در فنیک فاعله که میشود مرکب بود از ادویه معتدله و گمان
میکنند که فاعله و اینتر باشد بجز اثر میکنند چنانچه تر باق و شرب و بطور
داخلی بنا جین مایه میزنند است و کار میبازد و محال علیه فنیک بر اینطر
ایرادات

تجربه وای اطفال

۱۴۵
ایرادات را و داند که اگر این مرکب منفعته باشد کند که نمیداند که دوای
اوانت که نافع است که در مضرات هم ممکن است تا هم که فعل و افعال کنند
اگر شوند و بعضی مقدار آنکه در جهت نادر و دانه عصبه کرده خورده است عمل
کرده باشد و دیگر اینکه طبیعیت اختراع میکنند که دارای چندین دوانت
چنانچه مکرر تجربه شده است که در دوا و ترکیب کرده اند مضراتی شده است
و این بواسطه اینست که اگر یکی برضد اثر دیگر است اینطریب نمیدانند
مرکبی اختراع میکنند که دواهای آن برضد یکدیگر میزنند و مضراتی میشود
دیگر اینکه در ترکیب دواهای آن ستم الفار است و دوائی بسیار قوی است
ضعیف که جزء فاعله میزنند و میشوند و اگر مقدار آن که باشد قوی باشد و به
غلبه میکنند ستم الفار و اثر میشود و مکنز ابرادان و دای که ماند از اثرات
ناممکن است وای مفر استعمال میکنند اگر لازم شود یک نادر و دوا که مصلح
مقوی عملان باشند با آن اضافه میکنند

فاعله کلی که در شربت وای اطفال
اطفال حب قرص امثال آنها را با شکل میخورند و دستور العمل خیلی مختصر
برای دادن آنها میبدهیم و چندین نسخه برای غما میگویند که تجربه
اقمار باشد که هر کس آن را فاعله میتواند با اطفال کوچک بخورد نماید
در مسخوقها و مخلوطها و منورفا و الکلیها و شربتها و لغوها و صمغ و مخلوط
میتوان ببا نبات اخل کرده با غلوط بکسل با سربا نمود و منورفا و محال
مکن است اخل شربت را در دوازده و پنج که فاعله باشد اما شربتها و لغوها
یکال میل میخورند

حقنه و اطفال که تر و بیشتر از بزرگها استعمال میشود میباید که در
دواهای آن که مکنز و دواهای آنکه دوا از دوا دهن بدهند

Regle générale
des préparations
pharmaceutiques
les plus sur
chez les enfants

des lavements

حفظه اطفال

انها لازم ميشود

در اطفال مقدار مایه ای که حفظ میکنند باید بیشتر از دوازده الی سیزده
مثقال باشد و از دوازده سال تا پنج سال از بیست تا سی مثقال و از پنج تا ده سال
چهل تا پنجاه مثقال و ده سال تا بیست سال شصت الی هشتاد مثقال باشد و از حفظه بزرگ
و نصف از نصف حفظه و ربع از ربع حفظه گویند
و درجه کرمی مایه ای که حفظ میشود باید بر حسب سن و موقع از پانزده الی سی و شش درجه
باشد و کرمی دوام قوت حفظ میکنند که میخواهند و جذب شود باید مقدار مایه
ان حفظان چه مذکور نمودیم باشد و لو ذائقه داخل آن کنند که مایه مستقیم داخل
کند و خیلی غریب نشود و قتی که میخواهند چیز دوا و قوی را حفظ کنند باید قبل
از آن برای تحلیله اتغالی که در دوده است حفظه بزرگی نسبت به آن از آب یا
لقاب خطی غریب کنند

مقدار دوا و قوتی که داخل حفظه میکنند باید بیشتر از نصف آن که از دمان
استعمال میشود باشد یعنی آنکه اتغالی از دوا و قوتی را پیش از اندازه داخل
حفظه کرده اند موجب سهو و تبطل است

اگر منظور از حفظه تحلیله اتغالی دوا و قوتی را که بزرگتر از اندازه که
برای قوت ممتد کرمی و آب طبع کنند و بجز این مایه ای که در کبه حفظه نمایند
و اگر منظور از حفظه اینست که دوا و قوتی را درون مایه و قوتی نشود و قوتی خود
بیشت از وقت باید مقدار مایه خیلی که بیه چار مثقال باشد که تقاضای دفع نکند
باید آن حفظه قوتی که بزرگتر از دوا و قوتی را که در دوا و قوتی را که در دوا و قوتی را که
و قوتی را که در دوا و قوتی را که در دوا و قوتی را که در دوا و قوتی را که در دوا و قوتی را که
باز پنج مثقال انداخته بکند که طبع را بجز در کبه میکند

ضاد اطفال

ضاد

در وقت حمله و مالت و حمال اطفال

ضاد که در اطفال زیاد میشود و بزرگتر که در اطفال کم و بچته دوا و قوتی میکنند
نابینا و ضاد بیهی بخواهم خبری شود این ضاد کامی و جبارش و محرک و رتبه
طفل میشود و وقت باید بجای او بزرگتر از دوا و قوتی استعمال کنند مخصوص قتی که
نخواهند ضاد بزرگ چشم بیندازند و در بزرگتر مناسب است باید کرمی ضاد با اندازه
کرمی بدن طفل باشد و مالت و ضاد بزرگ کم لازم میشود که موقوف بچیز
طبیعی است

تدریجاً حمله — در اطفال مقدار مایه باید مقدار دوا و قوتی این پنج
الی شش یک مقدار باشد و از دمان میشود و مخصوصاً از دوا و قوتی را که در دمان
افزاع شدیده آنها بسیار است

دوا و قوتی مالت و ضاد و قوتی — لذت ببرند که نباید کرمی دوا و قوتی را که استعمال
مالت و دوا و قوتی تمام — در معالجه اطفال بسیار نافع اند یعنی آنکه آنها بزرگتر
فیزیکی (طبیعی) و مکانیکی (محرکی) دارند که در دمان خود را جابجا و تعادل
نک و حرارت غریزیه را در بدن آنها زیاد میکنند

مالیدن دوا و قوتی آنها بکلی بی فایده یا قریب به فایده است بجهت آنکه بدن
جذب نمیشود مگر از دمان و بقیه که از این قاعده مستثنا چند چیز در اکثر
احوال از آنکه از دمان استعمال شوند موقوف تراند و بجز جذب میشوند
اطفال خیلی ضعیف که نمیتوانند غریزه کنند باید در وقت دوا و قوتی در دمان
دمان و قوتی برای آنها بجز میشود بطریق مضاعفه و مالت با پنبه تدخین
و بطور ضایع مالت مخصوصه یا شیدن (بولور بر پنبه) بجز میشود

افزایش قوت

در دمان و قوتی از دمان و قوتی را که در دمان و قوتی را که در دمان و قوتی را که در دمان و قوتی را که
مورد توجه قرار داشته باشد که اغلب از مالت و قوتی را که در دمان و قوتی را که در دمان و قوتی را که
زادها

Injections sous-cutanées

Liniment

Doouches et bains

de francs remèdes par froids pousans

مسهلان اطفال

از آنها آنچه که از این طریق پیدا کند و احداث کرده میگیرند که منافع این
صدا بکرم (خون کندی) مکتب است معطرند که نفع بسیار میبخشد و اگر بخواهند
از کرم است که ضایع است عشا و شبانه کرم و صد کرم و مزاج کرم متعین میکنند
و اگر کرم است که در عشا و شبانه کرم و صد کرم و مزاج کرم متعین میکنند
اگر چه بعضی از این و خیلی است که در اغلب مایه ها آنها را میباشند
کرمی که برای آنها اشکال دارند و در بدن آنها باقی بماند که باید از آنها جدا کرد
بنویسند و این همه را بخورند و بخورند و شفا که معمول است و اسهال و
علائق این با این است که برای آنها سهل و نفهم تر باشد

از در مسهلان اطفال

مسهلان دهنی (۱) مسهلان دهنی

بکمال و غنی از این و بیشتر برای طحال و کبد و امعاء که با این از کمالند
مسهل خفیف است

روغن کرچک باید در اطفال صفرا و احشاء استعمال شود و ممکن است بیشتر از این
عمل کنند و مضر شود و اطفال قبل از شش ماهگی و در بیشتر از شش ماه
ناز و سال دوم بکمال از روغن کرچک و سایر روغن ها که در کمال و شفا و نفهم است و شفا بخورند
و روغن کرچک را باید داخل شکر کرد و با داخل آب گوسفند و خربزه با قهوه تلخ با آب
نازنجیر یا شیر بادام یا زرد تخم مرغ و غیره که بخورند

مسهل روغن کرچک

روغن کرچک روغن بادام شیر شربت کرچک و از کرم بکمال و شفا که بخورند
مسهل بر حسب سن طفل بدینند

نسخه دیگر

دانه

مسهلان روغن

دوده تخم مرغ قند روغن کرچک مطبوخ بنوعی بر حسب سن ۱۰۹
بدینند که بمقدار شربت های مذکور روغن کرچک داشته باشد

مسهل العالی از روغن کرچک
روغن کرچک مطبوخ عرق نعناع مقلد است و شربت کرچک
۲۳ ۲۵ ۲۷ ۲۹

اول دفعه را با مثل خوراک شکر و نعناع شود و بعد که روغن کرچک را داخل کنند
و ما بقی را هم بتدریج اضافه کنند بر حسب سن با آب و شربت بدینند

مسهل دیگر

روغن کرچک داخل نصف دانه میزدند و در ماه و نیم یا بیشتر تا خوب تر
شوند پس این عرق بخار نارنج شربت شکر آب قند و کافور اضافه نمایند بر حسب
سن از شش مثقال و بیشتر بدینند

حقنه روغن کرچک

در حقنه اطفال بر حسب سن از روغن کرچک داخل دانه تا چهل مثقال نعناع
خطی کرده حقنه نمایند تا اینکه از داخل یک قاشق شوروی عمل مصفی با
الکل کرده بزنند

(۲) مسهل شکر

ترنجبین و شربت — از جمله مسهلها معنوی زمان دوم طفولیتند که
انها را داخل شکر میزنند و بپوشانند و بخورند برای سه الی سه ساله و قاشق
مثقال و در جوانان مثقال ناز و زرد مثقال است

نسخه

ترنجبین آب مطبوخ انیسون داخل کرده بطفل کوچک بتدریج بدینند

مسهل شکر دیگر

شربت

مهلکات

۱۱۲

و مقدار هفت روز چهل نخود ناشسته بخوراند
مخرج کرم منا

Solomon v. m. p. y. e.

سایه یکی قهوه بوداده آب جوش شکر در دانه ساعت
 بدست گذاشته و در صبح ناشتا یک دفعه میل نمایند

مهل منا با قهوه

Mideenne pur
 gative au cuje

سنا اصلاح شده با الکل سولفات و منبری (نمک فرنگی)
 قهوه بوداده کوبیده هر سه را چند دقیقه در ۲۴ مثقال آب بجوشانند
 و صاف کنند و مثقال شربت شکریان افزوده و در طفلان الی پانزده ساله بگذراند

حقت منهل

clavement
 purgatif

برک منا سولفات شود آب جوش سنا و در آب جوش حلج کرده صاف
 کنند سولفات و سود را اضافه نموده و در طفل پنج شش ساله حقت نمایند
 و بوند — برای قوه قاضیه مفید تر است بیشتر استعمال میشود تا بشود
 مهل مقدار سه لیوان و در اطفال از یک نخود تا پنج نخود است

لبن منهل

و بوند در بید مثقال آب مرکوزه صاف کنند شربت کانی ساه بان اضافه کرد
 بکریه بدست شربت کانی بار بوند مرکب یا بقادر اطفال کوچک خلی معول بود

صفت شربت کانی مرکب

Sirup de
 chicoria europ.

و بوند چینی رسته خشک کانی برک خشک کانی شامه خشک کانی
 شکر خنظل ۲۴۰ دارچین ۲۴۰ صندل ۲۴۰ شکر سفید ۲۴۰
 بطریق معمول شربت بیزند و قاشق اشخوریان پنج نخود بوند دارد

(۲) **مهلکات ملخی**

4° Purgatif. salin

استعمال منبری

۱۱۳

منبری کالسبه — اذاد و نه دینار مفیده اطفال قضاخه و دفعه
 معده است از زمان تولد تا دنا لکی پنج نخود از ذوالی حنا — سال لکی و نخود
 از حنا و الی هفت سال لکی پانزده نخود از هفت الی ده سال لکی بیست نخود از
 ده الی نوزده سال لکی سی نخود و در جوانان چهل نخود مخلوط شربت را بخند
 باد اخل شربت مناسبتی کرده بدهند

کوبیات منبری — با منبری انکلیفه محل استعمال و قدر شربت آن مثل
 منبری کالسبه است قی که اغا را برای دفع زخمی غذا میدهند از نه نخود
 تا پنج نخود کفایت میکند

ملبن منبری

منبری کالسبه (مکلی) شکر سفید آب بنار نارنج شکر
 ۲۴ ۲۸ ۲۴

داخل آب کرده و در ظرف نقره یا قش ملاهم بجوشانند و با قاشق نقره متصل
 بزنند از آن قش بر داشته شکر داخل و بعد بنار نارنج را اضافه کرده مخلوط
 نموده از صافی نازکی بگذرانند و بر حسب سن مقدار شربت را قاشق بدهند
 که بقدر یک مقدار شربت منبری را معین کرده باشند

سفوف منبری

منبری مکلی و بوند کوبیده مخلوط نموده این نخودانی و نخود بر حسب سن

شکلای منبری

Cacao à la magnésie

منبری کالسبه شکلای مخلوط نموده از اینها قاشق شربت منافی ساختن
 ۱۵ نخود منبری دارد

لهوناد ملبن

Simonade purgative

رهمینو کوبان و منبری شربت ابیلهوی متعارفی اب و قیقه
 ۲۴ ۱۵ نخود

لهوناد

مقبی اطفال

لپه و نان کاو و از باران زنده نخورد و منجر و آب برسد و در بعضی از ده نخورد و گاهی
دو و سه و از وقت بخوراند بطوریکه برآید و در داخل کنند بطول و از ده تا پانزده
ساله بدینند

کامل - رای مناجاة اطفال بسیار نافع و از انجوبی منحل میشوند
منحلند و منج کرم است مقدار شربت از بر حسب سن نیم نخورد و اگر
بشدند بعضی از اطفال غسل با شکر و آب نان می کنند و بعضی حبای فرس می کنند
و در در خانه فامی فرسند و باید از با مواد که مذکور میشوند از آن
منحل بدارا شکنه می نمایند استعمال نکنند و آنها را نورو و بی در و در قلنا
و کلور و کافور و آب گوشت غذای شود و تمام ترشها (سرکه و آب
لپه و ترشها بر دره مثل ترشی انبه و کبر و غیره) و چیزهایی که ماده
بادام تلخی دارند (غار کبکسی می شود الویا و الو و شفا و شربت با زام تلخ)
و بدو همه بدو زمانه می دهند بعضی گفته اند که اگر کسی در بکوفت بدو و
بپاشد از داخل بخورد و کلل بروی ملحه بپاشد اسباب صومیت و
فساد چشم میشود

لشکر

کلید فندقی دوازده بسته کند روزی سه بار و اسباب صومیت و فساد
چشم میشود

دقیقه مقبیا اطفال

بجز مقبیا ایچا است که از او به مخصوصه با اطفال است

لشکر

ایچا فندقی بند درج بدیندانی کند

لشکر دیگر

شربت ایچا بناده بکشتال الی و و شفا بدیندانی کند
در بیکر

مقبی و محرکات قلب اطفال

۱۱۵

لشکر

ایچای کوبیده شربت بنفشه لعون سفید مقبیا کوازی است
سه قسمت شربت مرک و بقا صله ربع شاعنا یک شاعنا بدیندانی

مقبی دیگر

ایچای کوبیده انتیون سنجین غصلی ابقطر در دره دقه
بکشتال بدیندانی بنا ورد

سهم معرفات

Symploretiques

کلریدرات و سیکارین ابقطر حل کرده ربع یا نصف بزرگ بر او از
۷ سیکارین بکشد

مقبی دیگر

اشادامینا ابقطر شربت شکر غلاوط نوره و مقبیا و شفا از آن بدیند

چهارم محرکات قلب

لشکر

لشکر و سبب نور غصلا از هر یک نورو در بزرگال در کشتال و از ده عطر
در اراض قلب مرکب با از الحید بدیند

لشکر دیگر

مرکب بزرگال در شاد و مقبیا ربع مرکب و محلول اسنان پشاس از آن بدیند
۷ سبب نور غصلا ابقطر شربت شکر غلاوط نوره و مقبیا و شفا از آن بدیند
و باض مرنا علی بکشتال تا در و شفا بخورد

زرق بر بکشتال

کافورین بزرگ شود ابقطر بکوب ربع یا نصف بزرگ بر او از در ضربه
شدن قلب تزدیق کنند

عطر دیگر

مکن و بنویس اطفال

۱۱۵

مخلک دیکر

کافورین شربت فضاغ عرف بادیه بخورید در وضعی که قلب بخورید

لشکر دیکر

بر مرد و پنهان تنور و پنهان دزد بنک از مرید شربت عشب دزد
دو مثقال در عظم قلب بدیند

مدربول

نیز از دینارین مطبوخ شبنم (مرغ) بند و بچ بدیند اذاریت

ملک دیکر

مطبوخ بر عشب الدب نیز از دینارین و دزدان حرکت بدیند

لشکر مستبول

مرکز طغری اختیار دارد و میبکند و نمیتواند خورد زاری کند
عضایه بلادن نعنین بزرگ شربت شکر آب بند کفایت میکند

پنیر مسکن و فاضل و جاع افشا

5° Calmentis
dolomites comminates

اول تمام درون افروخته کمزور و بشود
دوم کلرال میدانه

ناشنایکی برای صفای دوزخ و ساله داخل است مثقال آب کرده در
شربت فضاغ اضافه نمود و هر چهار ساعت یک مثقال بنده از شر ظاهر شود

لشکر حشر کلرال

کلرال آب مقطر دو آب میل کرد و صفای نماید اگر خواب ندارد مکرر کند
کلرال آب مقطر عرف بخار نارنج مرد و ناعه کفکال بدیند
اگر خواب ندارد مکرر کند

سکر

مقوی معده اطفال

۱۱۶

مسکن دیکر

بر مرد و پنهان اب مقطر شربت بخار نارنج مرد و ناعه کفکال
بدیند اذاریت

مسکن دندان

بزرگ عسل لودانیم دندان که مشکل برون میباشد انکس است

مشرقی مسکن

سابلان و سود اب مقطر شربت شکر مسکن و جاع بخورید
۱۰ تا ۱۵ تا بخورید ۲۲ ۴۴ اوجاع مفاصل است

مرد و ناعه اگر لا از مشود ناعه دو مثقال بدیند

نمرنج مسکن و جاع

نمرنج را تکیل بوضع و جمع میباشد

نمرنج مسکن دیکر

عضایه بلادن عضایه بزرگ عصاره شوکران کلریم کلیرین بچ
۱۰ تا ۱۵ تا بخورید ۲۲ ۴۴

مسکن دیکر

وجع میباشد عضایه بلادن عصاره بچ شوکران از مرید و از لبن بوضع و جمع

مسکن دیکر

روغن دارچین کلریم لودانیم از مرید بوضع میباشد

شربت مقوی معده

معد دند بر حسب شخص طیب آب بچ و آب فک و فیه غذا از شر شد
دو سه مثقال بدیند مطبوخ انیسون و فیه غذا از شر نباشد بسیار نافع است
کلریم و پنهان برای مضم میبندند

نصف

de dolomac

مقوی و مخرج نفث اطفال

118

لشکر

اینون در یک پنهان اب خنجر کرده باشد که قد بدهند

لشکر برای سق هضم

اب مبلوخی دروند بیسوی کرمان درینری مخلوط نموده بدهند
هضم معبد القوی و مقوی او محرک است
روغن ماهی شربیا که مخلوط نموده روزی سه نعلی شش اشوز بدهند

لشکر دیگر

ارسیات بود بر حسبین روغن کند در صد شغال بابک کنده در دند
شغال اب مقطر مل کرده قبل از مرغان یک شغال بدهند مقوی است

روز و جلدی

عاقب نور اب مقطر سه چهار روز یکبار بنیتانی تنه از این دین را از آنند
مختلک نمایند

مقوی دیگر

شریب در دین فر شرب پوسنار حج تلخ قبل از غار و شمار یک شش اشوز بدهند

لشکر دیگر

سفر روغن ماهی مخلوط نموده روزی یک شغال بخورند

لشکر دیگر

لشکر اب کافور الکلی با دینجوبه دار شرب پوسن کنکه انور و شند
۴۰ ۴۰ ۴۰ ۴۰

مخلوط نموده مرغان یک شغال بدهند

هشتم مخرج نفث

آب مرین شرب قند در مرغان یک شغال در غل کبنا بدهند و
مرکبات

مصلح اغشیه مخاطبها

119

مرکبات که از غل و چند نصف این مقدار را بر او بنفشانند

لشکر دیگر

کر مر مکتف بر حسبین غل لوف سفید مانع یک شغال بدهند

از این تا ۲ تا ۵ کده

مصلح اغشیه مخاطبها

(۱) او بر دافع ذر و سطار یا (مصلح اغشیه مخاطب مکده و روزه)

شریب فابض

سنگ حنم آب مقطر شرب شکر مر و ساعه و شغال بدهند

لشکر دیگر

سنگ حنم آب مقطر کلبرین شرب شکر در و سطار یا مر و شغال
۴۰ ۴۰ ۴۰ ۴۰

لشکر دیگر

واج سفید آب برك در و فون شرب شکر شرب خنجا ش دو
۴۰ ۴۰ ۴۰ ۴۰

در و روده مرین یک شغال در و والی ش و بخورند

لشکر دیگر

اسید کلریدیک آب مقطر لوزانه پینین مر و ساعه و شغال
۴۰ ۴۰ ۴۰ ۴۰

لشکر دیگر

اسید کلریدیک در یک پنهان اب مر و دینجوبه بدند و شغال بدهند

لشکر دیگر

مرکبات

ادویه دفع ذوسنطاریا

۱۲۰

خوبطرات و بیهموت قند یک شربت است که بشه کشند و در دواست
از مخرج انا نام که

از این دهنند

لشکر دیکر

تنور کنگه تنور در بوند تنور کلنو افادنی از این تنور
۲۱ ۲۲ ۲۳

سه نامه قطره بر حسب تن قبل از غذا و از این دوا به شربت کنگه
در بوند در زلوا امعاء بدینند

حفته خابض

اسیدنیک (جوهر زرشماز) اب مقطر دوتا سه مرتبه حفته نمایند
در ذوسنطاریا و اسهال دقایق استعمال میشود

حفته دیکر

صفین بد اب مقطر بدو و بطاس یک حفته است که چهار مرتبه از آن حفته
۲۲ ۲۳ ۲۴

حفته دیکر

ساک حتم اند و کند تا یک نخود و نیم بر حسب تن در بوند مثقال اب
مل کریم یک حفته است و زی سه مرتبه از آن حفته کنند

حفته دیکر

پر کلرود دفر کلینر خالص اب یک حفته است و زرقال در دوا
۲۴ ۲۵ ۲۶

حفته دیکر

عصاره زانایا اب یک حفته است و زرقال در دوا و منول دارند
۲۷ ۲۸ ۲۹

ادویه قائل کمر و ذوسنطاریا

۱۲۱

(۲) مصلحات غشاء مخاطی شعبه لویه (ادویه دفع ذوسنطاریا)

لشکر

اسنان فامونیاک جلاب صغنی شربت بربال شعبه لویه و دواست
۳۰ ۳۱ ۳۲

لشکر دیکر

الکلانور حانق الکلب (اکنیت) تنور و بلاذن شربت کدین
شربت لو عربی بخار نارنج اب در بوند از این قطره
۳۳ ۳۴ ۳۵

اب و برغون در دوا و شعبه لویه و دواست و مثقال از این بخورند

لشکر دیکر

صمغ عربی کلینر عصاره زربانین اب در دوا و شعبه لویه
تنور کنند با اسباب (بولور براسون) مثل خیار یا شند بخاق

لشکر دیکر

بنزوات سود مطبوخ بلیکالا الکلیا در بخور شربت تلو در دوا
دواست و مثقال در دوا و شعبه لویه و دواست

لشکر دیکر

اساندر زربانین جلاب صغنی شربت بربال در دوا و شعبه لویه و دواست
۳۶ ۳۷ ۳۸

لشکر دیکر

عصاره زانایا اب یک حفته است و زرقال در دوا و منول دارند
۳۹ ۴۰ ۴۱

لشکر دیکر

دشتر سرخس مذکور آب برغون بکریه بخورند و دواست بعد از آن دواست
۴۲ ۴۳ ۴۴

دشتر سرخس مذکور
آب برغون بکریه
بخورند و دواست
بعد از آن دواست
۴۵ ۴۶ ۴۷

Vers intestinaux

Escarades

Causes

ادویه دفع عفون

۱۲۲

کرم بل کند

ایضا برای اخراج الفج

عصاره پوست نار ابله و عرق صنایع عرق زبرنون از مرین داخل کنند
فوق نشانی بخورند تا کرم ها خارج شوند

ایضا مخرج حبال الفرع

کوسو قند یک شربت است چهار تا شربت آن بخورند

لشکر برای کشتن کرمات

C. Lixures

کلیل و ازین بدو در مقدار بمالند

باز برای دفع عفون

11° Antiseptiques
desinfestants

لشکر

عصاره خالص صندل عربی کوبیده آب مقطر شربت قند مخلوط
۵ نخود ۱۰ ۲۰ ۴۰ ۶۰ کرده

دو ساعت به مثقال بخورند ضد عفونی دود است

لشکر دیگر

بذر شکر سفید یک بسته کنند و دو ساعت بپزند و بپزند

بسته ضد عفونی امراض دود است

لشکر دیگر

اسید فنیک در چهار مثقال لایب بمالند و پنجاه آب بپنج اضافه نمود و مر

دو ساعت به مثقال بخورند ضد عفونی اسهال است

لشکر دیگر

طلل شکر پنج بسته کنند ساعت بناغت بپزند ضد عفونی است

لشکر دیگر

ادویه دفع الشنج

۱۲۳

اسید لاکتیک آب مقطر شربت شکر بر حسب مزاج نادوام است

بک الی دو مثقال بدو ضد عفونی اسهال تا بشاف است

لشکر دیگر

نیز برای سود آب مقطر شربت قند و دو ساعت به مثقال از آن بخورند

ضد عفونی دود است

لشکر دیگر

نقل قند کوبیده دو قمت کنند و دو ساعت به یک قمت از آن بخورند

ضد عفونی اسهالات

لشکر دیگر

کراژن صندل قطران کنیاک آب در یک شبانه روز مرمانی

یک مثقال در اسهال و بابت بدو ضد

لشکر برای مالیدن بجان و شربت

اسید فنیک کلیرین مرکب اسید فنیک کلیرین

ایضا

کلرال مبدانه کلیرین مرکب کلرال از مرین کلیرین خالص و در شربت بپزند

لشکر

شربت جلاب لایب و دو مثقال در اسهال و شربت خالص بدو ضد

در فانی مراد و دفع الشنج

12° Antispasmodiques
calmants

اغلب برای دود برای بول و اطفال مفیدند

Dolorifuges som-
nifères

لشکر

لشکر در مرین آب مقطر شربت خسی دود و دوا برای شربت مرین بپزند

لشکر دیگر

صد الشجیه

۱۲۴

شربت اطر عرق زبرنون تنور مشک تنور دارچنه از مرکب
مرد و ساعه و مثقال ازان بخورند

تنخري و بکر

تنور بزد پنج تنور بلادت از مرکب و دوه قطره پنج قطره
عصر بخورند

تنخري و بکر

برموده مونومر داخل بمقطر و عرق بنار نارنج کرده و دین نوبه کنونی
(تنخی) اطفال بدهند

تنخري و بکر

دینة سنبل الطیب نیم کوبیاد و صد مثقال اب جوشانده در ماض عصبی
چهار دقه حقه نماید

حقتی و بکر

تنور مشک راد زین زوده نیم زسد چهل مثقال اب خیار داخل کرده
حقتی کنند و بعد یک لازم است مکرر کنند

حقتی و بکر

مشک کلرل دو نصف زوده نیم بزنند بیک مثقال اب داخل کرده
بعد از حقه منهل و کنولسیون حقه نماید

تنخري و بکر

تنور بلادت اب بمقطر روفی ابی چهار مثقال و کنولسیون و طفل شیر
خوار بخورند

تنخري و بکر

اینتین اب بمقطر الکلی نماید و ابی ابی چهار مثقال و بطل
نصف

ترکیبات شربانک

۱۲۵

نصف مبلکر ام بخورند

برموده و بطاس اب بر سرین عرف بنار نارنج در کونولسیون و در حقا
نیم روز بخورند

برموده و بطاس کلرل صلیب اب بمقطر و دوه و دوه و دوه و دوه
نیم و کنولسیون بخورند

15' Preparation of various

در شربت عصاره (ضافی) اینون نصف زینک نماید داشت

Extrait d'opium extract the balsam

اینون مزار جزء اب بمقطر سرد و زوده مزار جزء

تمام زینک زوده و زوده نازک کنند و دوتک اب بمقطر نیمه شربت
جزه ازان در برکان بریزند کاه کامی مزاجیم بزنند بعد از بیک و چهار
ساعت از چنک کنند و بنشانند و از علق با پارچه مثلان بکنند
و باقی ابر را داخل ان کنند و باز زوده ساعت بمعل و دوباره بکنند
انوقت از کاه صفا کنند و در حمار ماریه تبخیر نموده بقوام ریزند
دوباره ده قصبه اب سرد داخل نیمه مانده زوده نیم بزنند و بکزانند
نشین شود باز از کاه صفا صافی صاف کرده در حمار ماریه بخار ترا
بقوام او رند از صد قصبه ترابک چهل و نه قصبه عصاره باقی میباشد داشت
که قدر شربت ان نصف شربت ترابک باشد مقدار شربت ان دوشادون
نقد سه تا چهار مزار و یک مزار و دوه نیم مزار و یک کوم (نصف مزار)
از سه سال تا پنج سال شربت اوزانده مزار و یک کوم از پنج تا هشت ساله یک کوم
از هشت تا دوازده ساله دو کوم از دوازده ساله و بیشتر یک کوم

تنخري و بکر

Cinture d'extraite
d'opium

لوزان و قطره ها سبب انگلیسی

۱۲۵

عضاده ایون انگلیس درجه عضاده زرد و کل خنیا نده داخل شود
صاف کنند از خارج نموجا استعمال میشود و برکضا دفا مالیده میشود
و هم مکن است که با طفل سه چهار ساله از داخل استعمال شود سه قطره آن
خن کند و عشاء دارد

شربت لوزان سبب

Sandatum de sydenham.

زناک و عفون بخت دار چینی شرب ایون زاورده
۱۰۰ جزو ۱۵ جزو ۱۵ جزو ۱۵ جزو
نازک کنند با سارا جزاء و در شرب بختانند با نوزده روز بماند و کاه کامی می شود
و خلی بقوت چک کنند و صاف کنند بخت نمود لوزان سبب نام دارا
نمود و نیم زناک و بخت نمود و مع عشاء است بخت بکماله بخت قطره از ناک
ناز و ناله و در نوزاد سه سالگی قطره از پنج الی شش سالگی سه تا شش قطره
از مقدار از مرکز بکده فصد مند بلکه او را در بخت شغال شربت قند داخل
کنند و در مرتبه ساعت بخت فاش شود و نوزاد بزرگ بد مند و بخت طفل شرم
به بختی کرد با حد و از متع شد و موقوف کنند مرکز بخت لوزان سبب
کنند بکماله بکده فصد مند که اسباب موقوفیت میگرد

شربت خشخاش سفید *Sirope de pavot blanc.*

عشاء خشخاش سفید کل درجه آب مقطر شکر سفید غلیظ کرده
در آتش ملایم جوشانند تا بپزد و در شغال از این شربت دارای نیمه نمود
عضاده است مقدار شربت آن برای طفل بکماله بخت شغال دو ساله شغال
سه ساله شغال پنج ساله چهار شغال بختان فتم که در زناک مذکور شد
بخت و فضا لوزان بکده فصد مند که موجب موقوفیت میشود

قطره ها سبب انگلیسی *Gouttes noires anglaises*

ارو شرب ایون سبب

۱۲۶

ایون جوهر سبب (کربنایز) منبلور آب مقطر زعفران
۱۰۰ جزو ۵۰ جزو بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت
عضاده زرد از این با طفل ضما نیا بداد بخت بخت آن متابل چهار قطره
لوزان سبب نام است

شربت شرب ایون *Sirope d'opium*

عضاده زناک آب مقطر شربت شکر چهار شغال آن چهار صد
بخت کر ام عضاده زناک داند بخت شغال از ناک که (بخت خسر کده عضاده
ایون دارد) مصل پنج ساله دو شغال از آن با بخت ده ساله الی دوازده
ساله بد مند از دوازده بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت بخت
خلی کو بخت نداد

شربت شرب کارابا *Sirope de Karabé*

شربت ایون لوزان سبب مقدار شربت آن مثل شربت ایون است

شربت شرب کدین *Sirope de codeine*

کدین کو بیده آب مقطر شکر سفید در طفل
انمود ۲۷ ۱۱۳

دو ساله بخت شغال در شغال سه ساله شغال بخت شغال آن
خسر کند کدین زار زار است

شربت کلرید زائون *Sirope de chlorhydrate de morphine*

کلرید زائون و مرین آب مقطر شربت شکر چهار شغال
انمود ۱۰ شغال ۱۰ شغال آن خسر

پودر در در و رجب نیکلس

کند و مرغین داد و این شربت را باید بطفل کمتر از پنج ساله
نذارد یا نرزد. بخورد از این شربت معادل خمس کند و عصاره زنک
است بطفل پنج الی هفت ساله یک مثقال بدهند و در وازد ^{چهار} سا
و ده مثقال همیشه بمقدار منقسمه باید داد

١٠ جزء
 معصاة قربانك
 معصوق بزرگنج
 معصوق پوست و بنه لسان
 ١٠
 ١٠
 ١٠

مستحق تر مکی زعفران بخند مستحق کند (لبان)

۱۵ جزء ۴ ۴ ۱۲

شریعت عمل جهانی بهم بخودی کنند مهربان خس کنند و ترانک
دارد از بابا اینکه ترانک و نادر دارد برای مرا همین و شفق
مناسب تر از اطفال کوچک است مگر اینکه با اطفال نصف
بار به حبس دهند

سُفوف وُر ناسفونینکا بانٹارک
(کدک)

Poudre de saou
ou poudre d'ijeca.
ajiaci.

مسموق از ناز و بطاس و مؤلفات و بطاس از هر يك مشيقتا
مسموق ابيكا و ترناك خشت كو بنده از هر يك دو مشقال
ممه از نور كو بنده مخلوط نمايند ده يك ترناك نايدين يك
مضاره ترناك دارد اما بود در دور سابق كدر كرده و شد
ان ترناك و مضاره ترناك دارد يك تخوان را بمقدار

ادکوتہ قاطع نو بکر

بمقدار منظمه بطفل چهار ساله بد مندا از ترکیبات بسیار
خوبست که تنها استعمال میشود تا مخلوط بدوای دیگر
میکشند

جھانڈی ہند

114 Antithermiques.
lebrifuges anti-péri-
odiques

ادک ویدرو افع نویدک

(۱) کمنہ کنہ مشروب

دو پیکاله یک نادر سالکی دو تاسه سالکی سه تا چهار سالکی
انام کند نیم بخود تا نمود ماه کند ماه کند
چهار نام هفت سالکی هفت نادر سالکی ده تا پانزده سالکی
ماه کند ماه تا نمود ماه تا نمود ماه تا نمود

و حسب موقع به بخور جنب بگرفته نایند و یخ بدهند

(۲) ما البواكير

که که و ازین مخلوط نموی بکشد و نهاده و برین اطفال خیل کو بچند که زنجیرون
هائو نام کنند که ممکن و درند بمالند

(۳) نئی برق کمر بند

کینه که فرشی طریطر اب منظر دو کین با چندین مرتبه بر حسب
حالت مرصع و زویه های مختلفه نزدیک منحن جلدی کنند

(۴) حقنرکنه کنه

کنه کنه در کمر نه ضعف غذا و شربت آن ای که ترش باشد لودایم قد

ادویه رفع کوفت

۱۳۰

آب زرد که بکوفت حشمت نمایند و نکه دارند.

(۵) آنه پین

آنه پین بر حسب اب مقلر الكل مخلوط نموده در اکدم نام بخورند ۲۰ بقدر کفایت طفل شش ماهه را

مشغله مرهاعت بکوفت آشوری بدهند

(۶) تنور پین

تنور در پینال جالبه منی مخلوط نموده هر دو ساعت یکقاشق بخورند ۳۰

(۷) برك با مسك

برك با مسك برك در پینال از هر یک خاضع است برك را در یک پیاله آب خج کرده بکافه بدهند مخلوط را داخل شربت کرده با قاشق بند بچ بخورند

(۸) سالتیلان

سالتیلان سود زهر شربتیلان روز چهار تا شش قاشق بخورند ۴۰

(۹) محلول فولر

محلول فولر آب تکه چند مثقال بخورند مرهاعت بکافه مخلوط دارد ۵۰

(۱۰) کنه کنه مرکب

کنه کنه اسیدارینو کلاند صحت کنند و کدو الی چهار حب بخورند ۶۰

دانه های دیگر که در کوفت

کابل بافتد مخلوط نموده ده جبهه مرهاعت بک جبهه بدهند ۱۰

مهرچ زنبقی

روغن خاکتری دوزی و دقه مرهقه بقدر کوفت گرفته در کوفت ۲۰

ادویه رفع تبانه

۱۳۱

ادویه بر بقل و زرد زانو مالند

شراب زکری

محلول و آنزین بر حسب تن داخل شربت کرده در کوفت مخلوط بکافه بچ بخورند بعد از دوسا لکی بکثر زد در چهار مرتبه بدهند از کوفت شروع کرده بند بچ زیاد کنند

شراب زکری

محلول و آنزین شربت زکری بکافه در کوفت رقیق بکافه در کوفت چنان مرتبه بخورند ۳۰

افضا

بکدر بطنانوم تقنین بد شربت جنطیانا در کوفت طفولیت مرتبه سیم دوزی سه قاشق آشوری بخورند ۴۰

افضا

شراب زکری بر حسب تن دواب بقدر کفایت بچ در یک دوز در کوفت ۵۰

درجه سیم سه مرتبه بد صد و مدی بان مداومت نماید

(۱۶) Conclusion

شربت زکری

اضطراب و تب خنده رای سبب سرفه اطفال مفیدند

لشکر

بزمورد و قطاس شربت خنک شربت ایچکا مطبوخ بکافه ۱۰

۱۰۰ دانه ۱۰۰ دانه ۱۰۰ دانه ۱۰۰ دانه ۱۰۰ دانه ۱۰۰ دانه ۱۰۰ دانه ۱۰۰ دانه ۱۰۰ دانه ۱۰۰ دانه

لشکر زکری

شراب زکری بکافه در کوفت رقیق بکافه در کوفت چنان مرتبه بخورند ۳۰

غرغره و مضمضه

۱۳۲

نسخه برای سبب ارض الشیخ اطفال

برمورد بطاس ننود و موناکی سید الطیب ابخالص بکند

تا کند ^{۱/۶} قطره ^{۲۲} Gargarisne t
colulur

هفت غرغره اطفال

کلرات بطاس ننود بونست کنکه شربت شکر آبخالص مخلوط
اما بخود اما قطره ۲۲ مبدکفات

کرده غرغره کنند

غرغره و ریکر

کلرات و بطاس ماء الشیر و داود و امشاد و قمرهای کویله
دمان و حلق غرغره کنند

مضمضه برفک اطفال

بورق کلینرین آب مقطر
ننود ۲ قطره

نسخه شربت برفک اطفال

ابلیک اب مقطر روزی چهار پنج مرتبه دمان را با آن بشویند

بجای

باید که در خانه بماند چندین طفل و او این دوا را که ممکن است
شب بخت لازم شود و دست بدوا خانه برسد و خانه داشته باشد
کلل لودام روغن بادام شیر روغن کرچک ابیکا منبری
کنکه بر کلر و دفر شکر برب منعم خردل شمع و با خلبون
ارد بزرگ آرد برنج قشانه کل بخت کل کا و زبان با بونه بخدا

دواهاییکه باید در خانه باشد

۱۳۳

شربت خشاش ترنجبین برك نارنج پنبه کرناش حوله نوار
ایکاد و انبست غامله و دانتار کام و نزل با و قنکه فی السهل و نذرنا
شروع به تب کفره اندز با دافع است که منقوح از ابر حبتن طفل
داخل شربت قند کرده بدهند تا فی بنا و در

کرناش منبرک — و قنطاریه می کنند و برازا و سیرابا بوسه عا
اوانست بکفا شو چای خوری بزرگ از آن داخل شربت قند کرده از
صبح تا شام بید و بچ بدهند

ایضاً — هرگاه تشنج عارض شود شبیه اطرا نیز بدهند طفل می کند
بجوش نماید اگر ممکن باشد و سه قطره از آن را در یک شربت قند رنجه
با و بخوراند

بر کلر و دفر — مستادان اب اخلان کرده قنطاریه بان الود برای قطع
دعان برین بچ با اگر خون جراحه بسته نمیشود یا آن بشویند

شکر شربت — بکفمال از او داخل یک شربت شیر آب کرده و ستمایان
تر کرده بموضعی که کوفته شد با ضربه بان وارد اند و بدهند و در سبک دارند
با اگر ممکن است آن موضع را با بن آب فرو نمایند

کلل — هم مهمل هم ملین هم محرر هم مصلح السهل و دوسنکار
قد و شربت ان شبت بدقیقه من از یک کند و ناسه کند است که در شربت
ساده یا شربت منایه رنجه بخوراند

لودام — صافی زینک است که شربت مذکی و عفرین دارد و دافنا
مثل زینک است اما چون مانع است شربت ابیکا غوزان مینویسند

در هر یک دوا می نمایند

قواعد کلیه که ملاحظه آنها لازم است

مشموع خزل — از محراب قوتیه است باید بابت ترکیزه بموضع وجع و جگر
وجع بچنانند و بر حسب جوهر طبیب و اطفال از پنج نادره دقیقه و دو
حوانان ناربع ساعت نکه دارند و بردارند اگر بیشتر بگذارد زخم میکند
و جراحت هم طول میکشد تا ملتئم شود

مشموع دما خیلون — منافع آن معروفست که مکرر کرده بر جراحت و بیهوشی
فرجه ها بچنانند و همان جراحت را هم مباد و زود و آرد و در مصلحت میکند

فصل فی ہمز

در قواعد کلیه که ملاحظه آنها برای علاج اطفال لازم است
در اسلام از خال خال که سال است یا مرض است طبعی یا هرگز که
معمولاً خال خال است و گندمی میدهند مبرند کوبه و فریاد میکند خال
طبیعی او بر هم میخورد و بعضی نفس او سریع میگردد و گریه میکند و بی
گردد که بان بتوان حالت را زیاد و کم نماید پس بعضی امتحانات که طبایع برای
تشخیص مرض خال میکنند مثل شمع (کوشن خالون) و قرحه مومغ و
استغله از خال خال باطنه مثل او را در غریب قرار داد و اینها منقضی میشوند و
ملائقی برآید مگر که نادره و پر شمار و دایره که ملاحظه کنند بفرمند که طفل
مرض شد زود تر به طبیب اطلاع بدهند که امر را علاج بنا خیر نمیشد

بعضی خال خال است و وقتی که طفل در خواب است غیر از همه پیش و مثل گرفتن
بعضی در نرسیدن نفس وضع تمام بدن و هیئت اعضا و خال خال جلای مثل اگر
بدن بجا است جمیع بدن متقل حرکت میکند و طفل وضع خود را تغییر میدهد
و اینها کبود یا برآید صورت که رنگ گرفت و خفه باز باد سرخ و خال خال
بیشتر از سران بدن و خال خال و خال خال طبیعی است بجا ای اینکه خندان باشد
منازل باشد و ناله های خرب کند بر شایسته از خال خال چیستها که همیشه در بو

Regles générales
pour le traite-
ment.

استعلام از خال خال طفل که مرضی باشد

۱۳۵

بازماند با اینکه هیچ باز نکند یا فطران خیر حلقه کشاد بماند و خال خال
طبیعی یا حول کشته آرد و در چشم او آرد کبودی ظاهر شد خال خال
تغییر کرد از آنچه بود بیشتر یا کمتر شد بعضی نفس قوی و حرکات خاصه
شد مثلاً قرع غش بعضی که صد و بیست بود صد و سی پنج و صد و چهل شد
و فضا نفس او هم زیاد شد معلوم میشود که خال خال مرضی ظاهر شد

بعضی خال خال دیگر است که در سینه یا سینه معلوم میشود اگر بجا ای اینکه
دست و خوش خلق و خندان باشد و فضا و در بدن و صورت و غیره باشد

بنا مانده و من گشته و خال خال بجا ای اینکه صاف و بلند و جلای باشد یا غنه یا کفره
یا ضعیف شد نا شد یا وضع مفاصل او تغییر کرد و سرخ یا منقطع گشته بر کرد
یا کوبیدن حالت طبیعی شد یا خال خال بر او تفاوت کرده از روزی
دو سه مرتبه بیشتر یا کمتر شد و دقیق تر یا غلیظ تر یا نازک تر که زود بود
سبز یا بنفش دیگر شد یا شد یا زبان او خشک و سرخ و خال خال زیاد
بازده سفید کلفتی در روی او ظاهر یا نرم یا سفید یا زرد شد یا در سینه یا

بطرف سر میبرد و خال خال بر او تغییر کرده آنچه در سینه او است میخواهد
بردارد یا با ناچار بصرف شکم جمع کرده ناف او مضطرب و در باد من را باز کرد
انگشتها را میدهند و علامت بر آنست که از کلو شکایت و در با پیش زانکه
شکم او عمل کند کوبه میکند یا خنده کوبه او تغیر کرده خشن شد نفس مضطرب
و منقطع در وقت است معلوم میشود مرضی است و کشته است پس باید بر

مربط بصفت خوانندگان این علامات متفلسفین کیم
اگر سر سر برآید — که نادره و دایره متبادر باشد و قدری نامل کند
بسیار است و این بدانند که بعضی را بشمارد و برای این مقصود ساعتی
که شامیه است یا شد از آنراست که تمام یکدقیقه یا نصف یا ربع دقیقه را بشمارد

اسیغلا از حال نبض نو نر

۱۳۵

اگر در ربع دقیقه سی مرتبه شد معلوم میشود در دقیقه صد و بیست مرتبه میزند
 یا اگر نصف دقیقه شصت مرتبه میزند باز معلوم میشود در دقیقه یکصد و
 بیست است مگر با نبض موخه شده غافل کرد میتواند به مواظبت
 اگر نبضی پیدا کند فلفله باشد بطن عرض نماید یک نبض در زمانه تولد
 کمال سرعت دارد و بعد از آن که میشود در خاک حث نبض
 نوزاد از زمان تولد تا دو ماه میماند و یکصد و پنجاه مرتبه میزند
 حد وسط از در دقیقه صد و چهل مرتبه گرفته اند و ماه ششم یکصد و بیست
 شش در ماه دوازده یکصد و بیست و نه تا آخر سال دویست یکصد و میرند
 اگر طفل کره شد بد کند با هیأت عارض و کرد نبض او سریع میشود
 و در بین خواب نبض او اندکی بطی میشود گاهی نبض آنها احسان میشود
 باید از یک یا صد غین معلوم از حال نبض نمود در هفت سالگی نبض
 دختر فاسریم و منو تر از نبض پسرها میشود اگر نبض که سریع بود خیلی
 بطی شود مندر بر یکی از امراض دماغیه است

از این جدول موثر عاده قرغان در زمین معکول میشود

جدول نبض مؤن

| | |
|------------------|----------------|
| در چهل و نهم | از ۱۲۰ الی ۱۴۰ |
| در یک سالگی | از ۱۱۵ الی ۱۳۰ |
| در دو سالگی | از ۱۱۰ الی ۱۱۵ |
| در سه سالگی | از ۱۰۵ الی ۱۱۰ |
| در هفت سالگی | از ۹۰ الی ۱۰۰ |
| در چهار و شانزده | از ۸۰ الی ۸۵ |

در این

از نبض اختلاف نبض اطفال در سن مختلفه از این میشود

۲۱

| سن | مهر و سحر | سحر و سپید | شب و بیدار |
|--------------------------|-----------|------------|------------|
| در چهل و نهم و ولادت | ۹۵ | ۷۷ | ۸۲ |
| چهار و نیمه بعد از ولادت | ۲۰۸ | ۱۴۰ | ۱۵۰ |
| روز اول | ۱۵۵ | ۹۵ | ۱۲۵ |
| | ۱۵۰ | ۱۰۰ | ۱۳۲ |
| از ساعت چهار تا ساعت ششم | ۱۱۷ | ۸۸ | ۱۰۱ |
| از روز اول تا روز هفتم | ۱۵۰ | ۹۵ | ۱۲۱ |
| روز دوم | ۱۴۰ | ۷۵ | ۱۰۵ |
| روز پنجم | ۱۸۰ | ۸۰ | ۱۰۰ |
| روز نهم | ۱۲۴ | ۱۰۴ | ۱۱۲ |
| از روز چهارم تا روز دهم | ۱۰۴ | ۷۵ | ۸۷ |
| از روز نهم تا روز تمام | ۱۵۴ | ۱۲۰ | ۱۳۷ |
| | ۱۴۰ | ۱۲۰ | ۱۱۲ |
| از یک ماه تا دو ماه | ۱۵۰ | ۵۰ | ۱۳۰ |
| از دو ماه تا سه ماه | ۱۱۰ | ۷۰ | ۰ |
| تا شش ماه | ۱۵۲ | ۱۰۰ | ۱۲۸ |
| از شش ماه تا یک سالگی | ۱۴۰ | ۵۵ | ۲ |
| از یک سال تا دو سالگی | ۱۲۸ | ۱۰۰ | ۱۳۰ |
| و تا سه سالگی | ۱۰۰ | ۵۰ | ۱۰۰ |
| و تا چهار سالگی | ۱۰۰ | ۵۰ | ۱۰۰ |
| و تا پنج سالگی | ۱۰۰ | ۵۰ | ۱۰۰ |
| و تا شش سالگی | ۱۰۰ | ۵۰ | ۱۰۰ |
| و تا هفت سالگی | ۱۰۰ | ۵۰ | ۱۰۰ |
| و تا هشت سالگی | ۱۰۰ | ۵۰ | ۱۰۰ |
| و تا نه سالگی | ۱۰۰ | ۵۰ | ۱۰۰ |
| و تا ده سالگی | ۱۰۰ | ۵۰ | ۱۰۰ |

در این

در تنفس نوزاد

۱۳۸

در هر تنفس نوزاد — در اول تولد در دقیقه از سی تا سی و پنج تنفس می‌کند و هر چه سن او زیاد می‌شود عدد تنفس او کم می‌شود از یک ساله تا سه سالگی عدد تنفس در دقیقه ۲۵ تا ۲۰ است و این تنفس اول حجاب جزئی است که در تنفس کشیدن پاپین شکر موضع حجاب را خارج حرکت می‌کند بعد از چنانکه که تنفس داخل بوی می‌شود سینه حرکت می‌کند و نوقت تنفس در ثوی است

از اینجمله اول تنفس اطفال معلوم می‌شود

خواب بیدار

از دوازده تا سی و دو دقیقه ۱۸ ۲۴

از شش الی دوازده سالگی ۱۸ ۲۳

از دوازده الی پانزده سالگی ۱۸ ۲۰

سپتم درجه حرارت بدن نوزاد — بین چهار تا شش درجه از تولد حرارت متوسط بدن نوزاد تقریباً سی و شش درجه سانتیگراد است و بعد از بیست و شش ساعت بیست و هفت درجه و هفت عشر درجه می‌رسد و بعد از آن که می‌گذرد باز کم می‌شود از سی و هفت درجه پاپین توپا پد می‌کشد که در پاپا عارضه دیگر سینه شود اما اگر بیشتر از ۳۷/۱ و کمتر از ۳۶/۵ برسد دلیل بر خلل در بدن است بعضی در تشخیص تب درجه حرارت را مهم تر از سرعت و عظم نبض می‌دانند و بدان تشخیص هنگامی که نبض را می‌کشند پس می‌دانند و ثابت است که همیشه ملاحظه حرارت بدن را بکنند که عادت کنند اگر کم یا زیاد می‌شود بی‌بیب عرضه دارند و در وقت سر در احتیاط صبر دارند و ندرت شده بجای آن کتو و کتون غرض از اینها می‌شود

چهارم مدفوعات نوزاد — تمام شیر که می‌خورد جز معدوم نمی‌شود بعضی از راه امداد یعنی بعد از تولد در غده می‌ماند و بعضی از راه می‌ماند

اما

مدفوعات نوزاد

۱۳۹

باندازه و صفاتی که مذکور می‌نمایم باشند علامت صحت مزاج و خوبی باشد و هر يك از آنها را جدا جدا بیان می‌کنیم

(۱) براز نوزاد — اول مدفوع آن سبزه مایل به زردی چسبند و غلیظ و زیاد است که از ابروی عقی و سفارسی ماموز نامند که بعد از خوردن او شیر که از او می‌کشد دفع می‌شود اگر طفل را زنده شیر می‌دهند این غذا ندارد و باید چنانچه در دستورات مذکور نمودیم ملاحظه استعمال کنند تا آنکه خارج شود و در سه روز طول می‌کشد که عقی بکلی خارج شود و وقتی خالت آخری از شیر کشیده شد رنگ براز هم تغییر کرده و در دلتانی می‌شود که کافه دانه‌های سفید در آن موجود است گاهی نیست و گاهی این نقاط سفید در آن پیدا کنند و موقوف نشوند علامت انحراف مزاج طفل است گاهی در براز شیر منجمد شده دیده می‌شود که علامت هضم نشدن شیر و سنگینی است اما تا آنکه طفل شیر می‌خورد باید روزی سه الی چهار مرتبه اطلاق بشود و وقتی که او را از شیر گرفتند روزی یک الی دو مرتبه می‌دهد و باید مدفوع نه خلیه صلب است و نه خلیه نرم و دقیق نه خیلی کمر و نه زیاد باشد حد وسط انو اما در بداند که اگر کم و زیاد شود ملتهف باشد بی‌بیب ظاهر کند اگر براز کم تر شود دلیل هضم نشدن شیر و فساد آن در معده است گاهی در شیر که پیدا می‌شود از یک شیر است باید شیر را اصلاح کند

انحراف

(۲) بول نوزاد — وقتی شیر ماک می‌خورد بول آن چهار الی پنج مثقال است اما وقتی شیر او را می‌شد خوب تغذیه کرد که بول او زیاد شده مثلاً آن در پنج سر می‌رسد و نوبتی غذا که در وقت شفافیت و بدون زانجه ظاهر می‌شود در خارج فساد می‌دهد البته منحصراً پیدا می‌کند و وقتی مرض می‌شود هم در کفایت و هم در کیفیت آن تغییر پیدا می‌شود ممکن است خیلی زیاد شود

اما

حالت بلاء وضع نوزاد

۱۳۴

کردن شکم و باغض است علامت مرضی و امعاء است

هفت مهر خالت بآن نوزاد — اگر زبان سفید است بازه سفید از
دلیل و سوزش و مغز است امعاء است که خشن و سرخ و گرم باشد علامت
دوران شدت است که نوزاد در روزی آن ظاهر شود علامت بدی
عاری است که اگر بر بدن نوزاد نوزاد است اگر در وقت دندان درآوردن لبل
بر صفت مزاج است که نوزاد است لبل مرطوب و یکد و معده است و طبعه شعله
و سایر امراض خاوه تغییر دارد که در ضمن آن امراض مذکور میشود
بیشتر حرکت شکم بای نوزاد — در امراض مذکور مغترب شده که
طفل در آنها از اطراف سر میزد و میخورد و آنچه در نوزاد است برآورد متصل
سر او را در آن میگذرانند و دست مو را این میکند و امراض بعضی با طار
بروی شکم جمع میکنند و صورتی از خشکی و اضطراب مرطوب میگرد و در ضيق
النفس آنکه باز آید همان بزرده مخصوص و قهقهه اغشیه کا ذی راه خنجر
گرفته باشند

تغییر حالت وضع بدن نوزاد — وقتی داشت که حرکت میماند لبل
بر سر انگشت و نور کوفت شدن جگر و ماغ و بیا و میخورد با طار اجمع
میکند و کشته از اجمع میکند و بر دو سینه میکند

بهر حالت صورت و چینه ها و خطوط آن — این تغییر و امراض ما
ملاحظه میشود بخصوص در طرف بالای صورت که کاهی از زبان
دندان لاکت و سوزش پشانی است میشود چینه های حرکت و خنجر ناخود
در بطنها و مزید در امراض قدی و به قهقهه سطحی صورت تغییر میکند
بنازک و سوزناختی آن کشاده و پره های آن متحرک در اطراف همان دوز
بیشتر ظاهر در درجه ها حلقه کبودی بآنان میشود و در امراض بطون طرف

حالت خیم و خواب نوزاد

۱۳۳

باین صورت تغییر کرده رنگ آن پرید و یا خنده چپ چپ میشود و آن
لبها نیز و از لب و فان حالت غم و اخگر کی میشود و میگردد
فان نیز بهر حالت چینه ها نوزاد — در امراض سبب تغییر کیمیک
مثلا حول انعامات در وقت است که از تمام انعکاس و کوفت و نوزاد
میشود و وقتی کوفت و نوزاد موقوف شدند ممکن است با حول مانع
باشد اما اغلب مع میشود و در روز نور کوفت و عجب از علامات
تنگی حلقه کثیرا فاشا است از مضمون متبنا و نوزاد و میل خون بدینا
غارض میشود در اساع حلقه و قهقهه در ممر و چینه باین انداز منع
شده باشد خطری ندارد مگر فهمی باشد که از نور متاثر نشده تنگ نشود
اما اگر در مرض حادی کیم انداز منع نشد باشد از علامات
ردیه است هرگاه امعاء از شریات و تمرین کرها متاثر شوند شکل
غیر منظم میشود

در حالت خواب نوزاد — بجهت این طفل نادر اول
شب و جای نوزاد که میخورد و میزد و میزد که بجهت صبح و بامداد
است برای این که نوزاد از خواب بیدار میکند مگر آنکه مدت زیاد
از وقت برون بگذرد اگر در خواب حالت حرکت نکند نشتر
او حالت برون است و حرارت معده و حلقه و دندان و
بیمه شایع و بهینه باین است که نوزاد اگر در خواب و برون
نزدیک میکند خوابش تغییر معاوم میشود و سینه باز و باید که
که در کیم و پشانی و در کیم با باریت سوزش و سینه باید
از حرکت نوزاد خواب و ترش است با خارشی و خراشی او را غرض
بایست شد که غرض او شدت با باریت سوزش و سینه اگر تواند

دقتارهای و پرستار با نوزاد

۱۲۴

رفع میکنند بطیبت جوع نمایند
 سینه زدن نوزاد - معلوم کرده ام که در روز اول که طفل
 نازده متولد شد فریب بیست مثقال زوزن او کم میشود و بنفع بسیار است
 مؤذنت که مادامیکه در رحم بود مثل بول و مایه و دفع نمیشد بعد
 از تولد دفع میشود و از زوزن سه ناز و زخم و هضم باز زوزن روزی
 مرشد و از آن بیکد چنانچه در جدول صفحه چهارم مذکور کرده ام و در
 او زیاد میشود

چهارم دقتارهای و پرستار با اطفال مرض - نباید مادرها
 اطفال را معاینه کنند اما مشرت طفل جزئی کسالت پیدا کند نباید
 فی الفور ضعیف یا وزند قدر با او مدارا کنند اگر دوسد و بگذرد
 و بخوبی روز از طبیب استعلام نمایند اما اگر مادر طفل جوان باشد
 و در خانه از آن کامل نهایی خبر نگرفته باشد فی الفور بطیبت جوع
 کنند چه مادر جوان نمیتواند بفهمد که طفل مرضی است

پانزدهم پرستار طفل مرضی - تکلیف مادر و پرستار در مراقبت
 حالت طفل است مخصوص قیبه که مرضی باشد و این پرستار را
 قظاف و پاکیزگی است که اطاق و کامواره و جامه خواب لباس از
 پاک نکه دارند و نانی که استنشاق میکنند پاک و خالص باشد و آنها
 هم آلوده نباشد داخل خارج بشود اگر در خانه باشد او را مجید
 کنند و باج عطر و عفت را خاق و نباشد اگر مؤثر است بجز فاد
 نه بندند اگر مرضی ببینند و اقی کنند طفل را در موضعی از اطاق
 که در در و برزی هم باز است مواجریان میکند (کود را در) نگذارند
 بعضی اینکه جزئی کسالت پیدا میکند شیر را قطع میکنند مگر اینکه مانعی

در امراض نوزاد

۱۲۵

داشته باشد اگر نازداد و از شیر گرفته و نوباره شیر بداد اگر مرض
 او شد نداشت و زاییدن نبرد اما اگر مرض خفیف باشد با طبیب استفا
 موازیدن خارج و الا زمیندند و در شیر و از شیر کرمای مغرط حفظ کنند

باب دوم

در امراض اطفال و در آن فصل است
 ما جمیع امراض را در این کتاب کو نمیکیم فقط امراضی را که مخصوص
 اطفالند برادره بنماییم تا مادر و دایه با ازان منفع شوند

فصل اول در امراض مزاجیه و غیره

اول در فواید کلیه - اگر قبل از اینکه طفل مرض شود با کمال دقت
 مراعات قوانین حفظ صحتی او را نموده باشند مرض او زودتر علاج میشود
 بیشتر اطفال که در کوچکی تلف میشوند از این جهت است که آنها را در
 سن چنانکه باید معاینه نمیکند پس عیض این است ستور اعلی برای مادرها
 جوان اینها بیان کنیم که از دو آن رفتار نمایند و در هاباید برای بیکه طفل
 تا خوردن بخواب و نند طفل اصناد بنزاک و شربت خشخاش نمایند که بیک
 سابق مذکور شد برای طفل ضرر کلی دارد بعضی دایه را لایق که آنها را
 معاینه نماند میکنند که اغلب حالت طفل را بهم میرند میکنند و نه زکی
 دیگر قبول کنند باید و قیقه طفل را بیض شد طبیب بناد و زنده هر چه بخور کرد
 عمل کنند و غیرن نکنند و ستان و خویشتان که مناسبند لزوم آن بعض
 معالجات بکر میکنند مادر هم مشورت و برایشان است از راه اضطراب
 که طفلش زودتر علاج شود قبول میکنند و هر چه گفتند میکنند

بهر اسباب ملاکت طفل میشود

بهر اسباب ملاکت طفل میشود

principales ma-
 adies des en-
 fants

regles generales
 de conduite.

در قوا و کلیه در امراض بزرگ

۱۴۵

ببرند که صد ابراز و خواهر و هم باز نهای خود را نشود که مجزایند
با آنها باز کنند و آن اتفاق جمیع نشود که هم موای آنها نامناسب
میشود و هم طفل ناراحتند و هم کوشش و بجهت های آنها مشغول شد
اسباب صولانی شدن با جلب تب کشته با استیجائی با ممانعت و سکرد
نکند از اندکی داخل افاق مرض شود بدین استثناء همه را سارج کنند که در
ضرفان دین و قیام و هم چنانچه ذکر شد اسباب بیدی موای افاق و اند
مرض است نباید زیاد جمد کنند که موای افاق ملا به باشد افاق را زیاد
کره نکند و پرد کما کلفت بدو و درخت و بنا و بزد پوشش در او را
نکند و درخت بار بار میوه باشد بیشتر غذا اسباب مرض طفل کشته و جنت
میشود پس اگر چه زیاد ضعفه با استند با بد خدای آنها که وسعت مایه
باشد بجهت آنکه خدای قوی ضعف مرض را بیشتر کرده تب شد و نه با
علاج آن مشکل تر میشود غلبه سبب تلف اطفال است که مرض آنها از
اول خیلی خفیف بروز میکند و بگویند مرض خود بخود دفع میشود و بر طبع
میاورند یا خوردن بعضی غذای خانواده میندهند که مغز است و حال
اینکه اغلب امراض اطفال بطور عارضی عارض میشود که بنظر دینا خفیف
میباشد و حال آنکه بسیار شد بد است طبع بد اند که باید از اول با کمال
حد علاج آن کوشید بدو و مادر نباید طفل را از ضعیف بپرسانند بلکه
باید تحبذ کنند که وقت برای معالجه نزد طفل نباید مضطرب نشود و کره
نکند که بعضی و تغییر کنند و تمام حالات بدیهه و برهم بخورد که دیگر طبع
تواند از بعضی سایر غلات مان مرض او را مشخص کند بلکه باید طفل را از اقامه
مطبخ کنند که خفیف علاج و باید بکنند ضعیف بگره به بخرط طفل نرود
و برگه و نگاه نکند و چیزی بگویند با کاری نکند که او را خوش نباید چنانچه

کشته

در امراض خنایه

۱۴۶

که خنایه و دو دست و است چنانچه طبای مرضخانه اطفال و جیب خود بول
و شپش غیر میکنند و بد طفل میندهند مشغول میشود و اوقت بتمیز از خانه
او میکنند
بسیار که است حالت طبع بد و مواد و موافقت بکنند غالباً بخوبی طبع
درست عمل میکنند با اطمینان کامل با و ندادند از است که طبع عاخر مایه
چنانچه و امراض رشیه (کوفت سل و خنایه) که طبع میندند بدو
و مادر و مبتلا با آنها بودند اگر از اول بدی بکار نبرد و زود علاج نکند
محکم میشوند و اسباب هلاکت طفل میشود و اگر و کوفت وضع بگویند آنها را خوش
نمیاید پس باید بدو و مادر علاج طبع بد کنند و در امشول بدانند
که هر بدی را بد کرد و از اول بکنند طفل که متولد شد و کان مرض در او
هست که چیت و و فرجه و خواص حقیقت داشته باشد با مد ضعیف بدو و مادر
نما مزی بیری که برای امراض در او باید کرد بکنند و بگویند طفل ما سالم است
چرا برهنه بکنند با و بخورد و باید زمان صولانی مشغول آن تدبیر شوند و امشور
شوند بجهت آنکه جنب نحق که در بد کاشنه شده و زود بپشت و زرع آن کرد
نمیشود و تمام ملاخات خفیف و احتیاج از بابت غذا و هوا و افتاب و با خست
انتخاب ملک که مناسب باشد برای سکای طفل نماید چه غرض اولی آنها طلب
مقتد است میباید بر ضد خنایه و استعداد با بلی و سایر مرض صعبه که کوفت
سبب بمانشود و امثال آنها مقاومت نماید و در حال باید بدو و مادر بزرگ
دستور العمل طبع نمایند

و بیمار در مزاج و امراض در ری صریح — برای طبع و استعداد
مرض هم چیره بر مزاج است باید در کم جمد از اول طفولیت
مرض بد کوشید که با دشواری و بسیار سخت صعب العلاج اند
مراج

Constitution et
maladies scrofu-
leuses

در خنار زهر

۱۴۸

مراج خنار بری اخلاق میشود بخالت مزاجی که منصف مدود نبود مزاج
تمام اخلاط و سوء ترکیب تمام سوچ بدن علامت ظاهر که با آنها میتوان این
مراج را شناخت و این فرزند هلد بدن نازک و براق و شفاف کلی یار بدن
دنک منور و شفاف آنها کلد مخصوص لب بالان بدن بزرگ و نرم است
غلب جثمان بود مگر خردانی که دنک میشود لیکن این دو علامت است
و در نم بیند و چندان امینی ندارند در جلد صورت و غلبا با دنی شریک
جوشته های جلدی ظاهر میشود چشم و گوش و غلبا سرخ و همیش ما بی از آنها
مراج است طما لکه دارای این مزاجند اغلب مستعدا مرض بسیاری میشوند
که بواسطه ضعف مخصوص که دارند آنها را امراض خنار بریه نامند که علامت آنها کما
(بزرگ شد تو بر کوه) (درن) است که موجب رک صلابت بعض میشود
و بزرگ شدن غده کما غرق و افتاد و مدها و تومر سفید مفاصل و فاد عظام
و سلبه و درم روزه و درم عجب تو بر کون و غیره باشند

مراج خنار بری کافی است اگر مادر و خنار زهر است باید به فریه صحیح
المزاجی برای و انتخاب کنند که شرا و را بخورد اما غالبا از یک تدابیر
حفظ صحیحی که در آنها طفل متولد و بزرگ میشود حاصل میگرد و بخصوص
و قنیه که لذایذ غلبه ان نیز خورن باشد و در دخانه های مخفی و در رطوبت
که موا که داخل میشود و تا زدن است جمعیت نادر دارد مسکن داشته باشد
هر که اسباب بزرگ حفظ صحت است در این مرض اثر کلی دارد میتوان خود
تنهایی اسباب مع ان شود و مانع از عوارض که غالبا از این مرض عارض
میشود بکارد

بالجمله بر از این که مراعات شرط حفظ صحتی از چنانکه مذکور شد ملاک است
بعض و اما فکند که در این مرض اثر کلی دارند و آنها بدو در فاد و غنما

در نرمی عظام اطفال

۱۴۹

و عصاره بزرگ کرد و و امثال اینها که میتوان نتیجه یکی از آنها حاصل نمود
در این امراض مکرر برای خافوازه ممکن باشد چنانکه مذکور شد بجز
لذا بجز تغییر مملکت و قنیه هوانست مکرر این ممکن نمیشود طفل را در امان
و به بزند و بکوزانند و بزرگ و بک و علفهای منظر بکوزانند و بکند کنند
و با بدود و افتاب بسیار نماید و او را زود و بکین بکوزانند و مکرر مدتی
در موی بدود که فاد کانی نکند و از این شربت با و بدوند

شریت پوست کنده کنده بزرگ

شریت پوست کنده کنده بزرگ با طفل که از دوش و سار و زمین
مشتال ۱۵ نخود غذاها نصف شوی اخو می بند
که نیم نخود بدود و بطاس با لا ترا و دوشال بلفذی بدهد
که یک نخود و یک نخود نیم نادر و نخود بدود داشته باشد

در غنیمت بر مالک بزرگ و غنیمت بزرگ

بدود و بطاس عصاره شوکران عصاره بلادن بید بخور بزرگ
۱۵ نخود ۱۵ نخود ۱۵ نخود

Rachitis me

سپتم و در اشیتم (دام الکاس نرمی عظام) مرضی است
که بکلی متاثر با خنار است منصف میشود بمری و سوء شکل استخوانهای اطراف
و استخوانهای ستون فقرات ممکن است که مزاج یکی نادر کند و بسیار که
که بعد از تن بلوغ عارض شود پس از امراض مخصوصه بر زمان طفولیت است
از اسباب حاصل میشود که میتوان آنها را دفع کرد و پیش بک از حصول آنها
و اگر بوقت معالجه نشد اثر بدی از ان نماند و بکلی علاج نمیشود مگر در
مستقامتین اول تا شش و دوم برود و میکند اما کامی رسال اول تا شش

در سترگ

۱۵۴

زاه میمانند و زود تر از دیگران میآیند و میآیند و میمانند و زود تر از دیگران
ما را میبرد و کلیه اندیشه آنها را زود میبرد و میبرد و سبب کثرت امراض
سینه است

پس از چندی تو بر کولها در زنبه (سایه) باد و صحت مانع (و در مجرای کول)
باد و مانع (کاز) ظاهر میشوند این مرض اغلب از غلبه زنی است اما از یک
حفظ صحت و یک تغذیه و نمک و راههای بخانی و صوابی مثال آنها نیز
میشود بعضی گفته اند تو بر کول سبب بخار و میبرد و بخار و هم سبب بر کول میشود
و این خطا است آنها و در مرض منابر یکدیگر و هر یک مرض متغلی اند تو بر کول
ممکن است تا با من باشد در صورت حادث تبث است میکند و خیلی زود
لاغر میشوند ممکن است و چند مغنه هلاک شوند (سل سواره) با اینکه
مرزین شود و موجبانی (قلع خون) کوز در اوقات قناران بطی
شدن بدن و عطش زیاد جلز که و عمل مشاغل سرهای کوچکی میکند
و رجوع منبهم و سرنج الزوال حرارت بد مختلف تغییر در کاهنی باید کاهنی که
میشود که در شب از سی و هفت و بعد و هفت عشر میکند و در صبح تخفیف اورد و این
از علل ان تا بنه مشغله مرض است کاهنی بقدری تغییر میشود که در شب بخار
درجه رسیان صبح بپوشد و هفت سی شود و شب و عشر میبرد و باید از نما
بدون عرق میکند خشک زیاد کف کشته و کف یا فانی از علل ان مشغله این
چنانکه در کاسه و خنار بر مذکور شد باید تمام شرابا حفظ صحت و پیش بخار
در انجام مرغی است اگر پدر و مادر آنها تو بر کولی بوده اند آنها را بدانه فرغ
صحت المزاجی بداند تمام از یک و خونی تغذیه و با صاف آنها کنند مقیدند
از صبر خویش و موافقت موافقت

مناظر آنها را خسته میکنند زود میکنند که از اندک و موافقت باشد و زود

مذخر

در سترگ نوزاد

۱۵۵

بمنزج میزند با اینکه تحمل کرمها و کرمها خوب میکنند از کرمها خوردن و کرمها
میشوند مواضعی که بیشتر است این مرض میشود مواضع مزاجه و مزاجی مواضع
و صوابی است باید در خفاهای مرتفع خشک فترت کنند و آنچه سر و وجه کرم و رقی
و طوبیغ است باشد برای آنها مضرات عامه های یکی برای آنها مضرات
فترتی که بعد از خام تمام بدن آنها را مالش بدقت و کرم میپوشند و غذاهای
مناسب موافق مثل گوشت جنور و زرد نه نیم مرغ و شیر و شکلات و قهوه و کوش
بره و کوسند خاق ابکو شنبلیله و لیمو و قهوه و بخت و نه بخورند و از غده غلظه
اجتناب نمایند که معده آنها ضعیف است مضمت میشوند و اسهال در اسهال و نایب
بدن بکر میشوند و برای اسهال که اغلب در این مرض موجود است سه ناشی تاد زود
صد بل کرم مضرات شوکه در یک دو و بد مضرات است و غن مایه از اندک
مخصوصه این مرض است که دایه مایه میبندد بد مضرات و و مشال شروع کرده و با
کنند تا به پنج شش مشال بر کسدا طفال تا کوزدند شد که کمان دندانها را
از اصل و ابرام و پیش بیک و توان این حفظ صحت و تغذیه بیک که کفره شدن
مزاج آنها مستقیم کشته مانده انما من ساله ماس پیری زندگی کرده اند و کما
زیاد برای این مرض مثل ترکیبات افیه و ستم الفار و دود و ماز و کرمه اند که استعمال
انها موقوف بخوبی و طبیبان است.

شش ماه در دمسد نوزاده بواسطه سرعت فسادش از امراض خطرات
ممکن است و چند روز بکلی طفل را کوزد پس باید از ابتداء طبیب از انقباض
کرده زود علاج آن کوشش که زود علاج شود این مرض در حین تولد عارض
نمیشود بلکه در روز چهارم یا قدری بعد از آن بروز میکند شناخته میشود از
نورم جفنها که همیشه جری هم افتاده باز نمیشوند کاهنی چنین بطوری منور میشود
که جفن اسفل روز بر جفن اعلی نامید میشود که دیگر کسودن آن ممکن نمیشود

les nouveau-nés

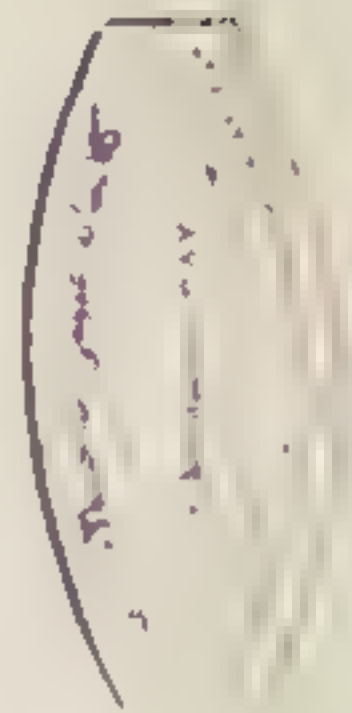
در پر قان نوزادی

۱۵۰

بجای که کاهن عاقل باشد سود و فایده جفت زار میگردانند متوجه مغایرت میکنند
در روزی که برود منفعی شده چراغ غلط سفید و فایده جفت زار از هم باز
میکند بکریه بیرون میزد از روشنی مناله میشود قریبه گذراست از بیکی در
روان شده و امکد کرده و شنگ زباد و بر خوردن هوا و گرد و غبار و
و صدمه یا کزکی و بعضی امراض عده که در همین وضع حمل غاضب میشود (نوزاد که
مادر و جریان آب سفید و غیره) اسباب مغایرت اند بانی و ممکن است که هم
باشد پس باید اسباب مذکور را از او دور کرد و دست طفل را بست که بچشم خون نریزد
و کمر و زره چشم او را با روغن خنجر یا کز که مایه در فرود برداشته باشند بشویند
که از چشمها را با روغن جرب کنند که بچند از محلول شک جفته که بکثرت خود را در حتما
پنج شغال آب مقطر حل کرده باشند بچکانند و بر خشت شک جفته در کوزه
کنند و این آب را برای پیش بینی این مرض در مریضخانه های قایم یکی و سایر مواضع
قبل از زایش و مهبل از تراب اسید فنیک میسوزند و با فاصله بعد از تولد محلول
سولفات فنیک بچشم طفل میچکانند با محلول دارا شکنه بکثرت و غرض از اینست
قبل از این دهان طفل میلای این رمد میسوزند و حال بواسطه این پیش بیک
اند و پشت نفرینان قمر میلای میشود

هفتم در روزی که نوزاد را می شناسند و زبانش را می بینند و غالباً خونخوار
رفع میشود و مادران باید که میلای نه چوب بکریه شکند و نذارند و این مرض
خوانند با بد بخنجر و قتی و آن کرد که از زبان شیرداد و طفل را اگر نگاه داشت
و بجا نگاهان فرستاد اگر مدفوع اول که انرا با موزه یا عقی نامند بکلی خارج نشد
باشد بکثرت دو ملتن از کمال با و خوانند و اینها در علاج کافی اند اگر ترکیب
نتیجه امراض که با شد با بد طبیعت جوع نمود

فصل دوم در امراض الاث غذا و ان بر پنج قسم است
۱- *Jeune des nouveau-nés*
۲- *Appareil digestif*



۱۵۱



